

چندر گپت بهارتیه

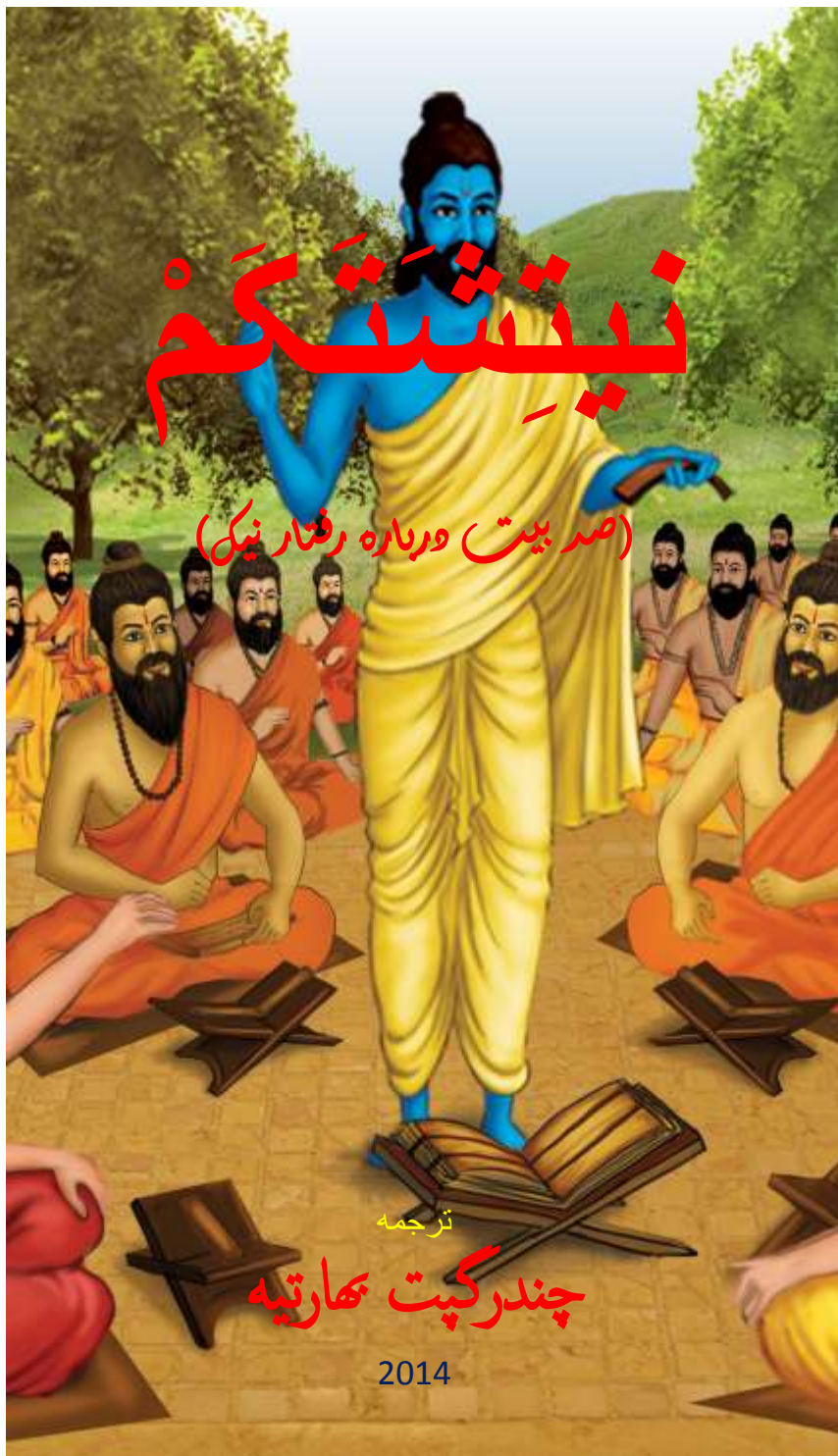
(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتشتگم

(Nitishatakam)

بهرتری هری

(Bhartrihari's)



چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَنُدرَ گُپْتِ بَهارَ تِیہ
(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتاکَم
(Nitishatakam)

بَہارِ تِری ہری
(Bhartrihari's)

स्वर्वज्ज्योतिरवृकम् नशीमहि ।

سَوَرَوَوَجْجِیَوِیَرَوُرْکَم نَشِیْمَہِی

ऋग्वेद (10-36-3)

ما در نور دانش شادمانه قدم می زنیم،
دانشی که عاری از لغزش و خطاست.

رِگ وِید (10-36-3)

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چندر گپت بهارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتشتکم

(Nitishatakam)

بهرتری هری

(Bhartrihari's)

نیتشتکم

(صد بیت و باره رفتار نیک)

ترجمه

چندر گپت بهارتیه

2014

چَنُدرَ گُپْتِ بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)



Chandargupta Bhartiya

- Published By : Great Book Contractor
1741, Rodgran, Lal Kuan,
Delhi – 110006
- Translation : Chandragupta Bhartiya
bhartiyaachandragupta@gmail.com
- Composing : Chandragupta Bhartiya
bhartiyaachandragupta@gmail.com
- ISBN No. : 978 – 81 – 927023 – 4 – 6
- Copies : 100
- Price : 300
- First Edition : 2014
- Printed & Published by : Great book Contractor
09210492083

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

سخنی با خوانندگان

این کتاب، به نام نیتیشنگم (Nitishatakam) صد بیت درباره رفتار نیک، که در دست شماست، یکی از معروف ترین کتاب ها به زبان سانسکریت در هند است و به بسیاری از زبان ها ترجمه شده است و من افتخار ترجمه این را به فارسی به دست آوردم. باشد تا قدمی کوچک در راه خدمت به ادبیات غنی فارسی انجام داده باشم.

گرچه نام کتاب نیتیشنگم (Nitishatakam) یعنی صد بیت درباره رفتار نیک است، ولی در این تعداد ابیات بیشتر از صد بیت و در حدود صدو بیست بیت می باشد. و گمان می رود این ابیات اضافی پس از گذشت زمان بر متن اصلی بهرتریه ری اضافه شده باشد.

در ترجمه این ابیات سعی شده تا نزدیکترین ترجمه به فارسی گزیده شود تا کامل ترین معنی را از سانسکریت به فارسی منتقل کند و در ترجمه ابیات کمال امانت داری رعایت شده است. در متن اصلی، خواننده همراه با ترجمه فارسی دسترسی به متن سانسکریت هم دارد تا برای علاقه مندان مورد استفاده قرار بگیرد. ارایه ترجمه فارسی همراه با درج متن سانسکریت با الفبای دیوناگری (Devnagri) در یک کتاب برای اولین بار انجام می شود. در مقدمه هر آن مطلبی که مرتبط با کتاب است گنجانده شده است. درباره موضوع کتاب، معروفی نویسنده و زمان و زندگی ایشان اطلاعات داده شده است.

در پایان از دوست عزیز خانم سمانه ساوجی پور که دانشجوی دکتری در بخش فارسی در دانشگاه دهلی هستند از بابت همراهی و کمک در ترجمه متن این کتاب تشکر می کنم. تا به واسطه کمک و ترجمه ایشان مفاهیم متن شعر وار و ملموس تر شد.

از استاد آقای دکتر بلرام شکلا تشکر می کنم که با خواندن متن سانسکریت با من همیاری کردند و مقدمه ای در یک صفحه درباره کتاب نوشته اند.

این کتاب رابه اهل خرد و دانش و تمامی آن ها که قلبشان در راه فرا گیری خرد می طبد تقدیم می کنم. باشد یارگاری شود نا چیز در دریای بیکران ادبیات فارسی. امیدوارم خوانندگان کاستی ها و کمی ها را با بزرگواری خویش بر من ببخشایند.

سپاس

چندرگپت بهارتیه

(Chandragupta Bhartiya)

(2014)

پیشگفتار

تاریخ ترجمه ی کتابها ی سانسکریت به فارسی طویل و غنی بوده است.¹ مثل بسیار تمدنها ی جهان ایرانیان هم با علوم هندیان متأثر شده بودند و به راه ترجمه ها کوشیدند که همزبانانشان را با این همه حکمتها بهره مند سازند. این نوع کوشش ها قبل از اسلام شروع شده بود. اولین مثال این نوع کوشش که به دست داریم ترجمه ی پنچا تنترا هست. این کتاب در جهان ایران و عرب به نام کليلة و دمنه معروف است. ترجمه ی این کتاب از توسط بزرگمهر که وزیر شاهنشاه ساسانی انوشیروان بود به شکل گرفت. بزرگمهر هم این کار را در 570 میلادی توسط برزویه طبیب انجام داد. زبان این ترجمه فارسی ی میانه یعنی پهلوی بود و همین ترجمه اساس ترجمه ها ی سریانی و دیگر ترجمه ها یی به زبانها ی گوناگون سراسر جهان شد.

در زمان میانه بسیار کتابها ی سانسکریت به فارسی برگردانده شد. فارسی زبانان در اوایل قرن دوازدهم میلادی تحولات بسیار شگرفی در حالات سیاسی آسیا ی جنوبی به وجود آوردند. تا هفت قرن خانواده ها ی مسلمانان بر تخت سلطنت دهلی می نشستند و به تحکیم قدرت می پرداختند. بسیاری از اینها فارسی را زبان رسمی قرار دادند. این فرمانروایان همچنین علاقه وافری به ادبیات دیگر زبان ها از جمله سانسکریت و دیگر زبانها ی محلی هندوستان نشان می دادند. این کار پیش از اکبرشاه در کشمیر شروع شده بود ولی با ارزش ترین و پر بار ترین کوشش از طرف اکبر شاه و دارا شکوه انجام شد. از سیزدهم تا نوزدهم میلادی حدود سیصد کتاب به فارسی نگاشته شد که مربوط به علوم هند بود. تنوع موضوعی این کتاب ها شگفت انگیز است. از جمله در موضوعات ادیان، فلسفه، عرفان، نجوم، ریاضی، اسطوره شناسی، ستاره شناسی، تاریخ، جغرافیا، زیست شناسی و غیره. در نگارش این کتابها علما ی هندو و مسلمان باهم همکاری نمودند. بعضی از این کتابها بدون کمک دربار و آزادانه نگاشته شد.

¹ — برای عطلاع زیاد رک به— M. Athar Ali, “Translations of Sanskrit Works at Akbar’s Court,” *Social Scientist* 20 (1992): 38 – 45; A. B. M. Habibullah, “Medieval Indo-Persian Literature relating to Hindu Science and Philosophy, 1000 – 1800 A.D.,” *Indian Historical Quarterly* 14 (1938): 167 – 81; S. Rashid Husain, “Some Notable Translations Rendered into Persian during Akbar’s Time,” *Islamic Culture* 55 (1981): 219 – 39; Jivanji Jamshedji Modi, “King Akbar and the Persian Translations of Sanskrit Books,” *Annals of the Bhandarkar Institute* 6 (1925): 83 – 107; S. A. Reza Jalali Naini, “Persian Translations of Sanskrit Works,” in “Special Issue on the Occasion of 50 Years of the Agreement of Indo-Iranian Cultural Relation,” *Journal of the Indo-Iran* (2008): 68 – 86; M. A. Rahim, and N. S. Shukla, “Persian Translations of Sanskrit Works,” *Indological Studies* 3, nos. 1 – 2 (1974): 175 – 91. —(اخچ شده با سپاس) Audrey Truschke —The Mughal Book of War : A Persian Translation of the Sanskrit Mahabharata , p.1,foot note1; Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East Vol. 31, No. 2, 2011 by Duke University Press)

این ترجمه ها نه فقط ادبیات فارسی را غنی ساختند بلکه باعث شدند که اصول و اخلاق فلسفه ی هندیدر سراسر جهان گسترده شود. مثلا ترجمه ی 52 اوپانیشاد که توسط دارا شکوه انجام گرفته بود وسیله ای شد که اصل فلسفه ی هندی به دانشمندان غربی برسد و به این ترتیب پژوهش ها ی ارزنده ای در این زمینه انجام شد و ضمیر خفته ی اهل ادب را در هند بیدار کرد. بی شبهه می توان گفت که کشور هند بسیار مرهون این تبادلات فرهنگی بین هند و ایران است که عموما مردم با آن ها آشنایی ندارند.

تمام ادبیات ترجمه را می توان به 3 بخش قسمت کرد : زمان سلطنت ، زمان گورکانیان و زمان استعمار زیرا که هر این 3 بخش گرایش مختلف به عنوان دارند.

از تراجم کتابهای سانسکریت ترجمه ی شعر خیلی اندک است. علت این بسیار روشن است. از این ترجمه ها مسلمانان فاتح می خواستند که ادیان و فلسفه ی مفتوحان را درک کنند تا حکومتشان استوارتر و پذیرفته تر شود. و هم خواسته بودند که از ترجمه ی کتابها ی علوم علم خودشان را غنی تر سازند و این کار را مسلمانان قرنهای پیش با ترجمه ی کتابها ی یونانی به عربی شروع کرده بودند. کتابها ی ادبی مستقیما این جنبه ی عملی را حمایت نمی کنند و بخاطر همین ما ترجمه ی این کتابها را کمتر می بینیم.

اگرچه برای آمیزش فرهنگی و سازندگی همدلی ی دو کشور و ترجمه ی کتابها ی ادبی بسیار مهم است. ولی متاسفانه در این مورد کار بسیار کم شده است. حتی در این زمان هیچ کتابی از عظیمترین شاعر هند قدیم کالی داس- هم برگردانده نشده.

با آغاز زمان استعمار در هند فارسی رو به ضعف گرایید. علتش این بود که انگلیسی به جای فارسی زبان رسمی هندوستان قرار داده شد. بعد از این که هند استقلال یافت اهمیت تاریخی و ادبی فارسی شناخته شد و برای بالابردنش بسیار کوشش انجام یافت. از میان این کوشش ها بیداری روابط عمیق تاریخی هند و ایران خیلی مهم بود. خوشبختانه آن زمان در ایران پهلویان بر سر اقدار بودند و آنها فراموش شده ی ماضی ی آریایی ی ایران را می خواستند باز مستقر کنند. در همان زمان در دانشگاه تهران تاسیس بخش سانسکریت صورت گرفت و تا هنوز ادامه دارد.

پس از آزادی هند بعضی از دانشمندان فارسی با گسترش فارسی در هند کتابها ی ادبیات سانسکریت را به زبان فارسی ترجمه هم کردند. این ترجمه از تراجم زمان میانه بسیار فرق داشت. اینها می کوشیدند که به کاربردی مذاق ادبی هر دو فرهنگ نزدیکی پیدا کنند. از این دانشمندان بسیار مهم پروفیسور اندوشیکهر (با ترجمه ی پنچاتنترا) پروفیسور هادی حسن (با ترجمه ی شکونتلا ی کالی داس) و پروفیسور امیر حسن عابدی (با ترجمه ی وکرموروشی ی کالی داس) هستند. علی اصغر حکمت که سفیر ایران در هند به زمان شاه پهلوی بود کار بسیار مهمی را انجام داده است. ایشان زیباترین نمایشنامه ی کالی داس بنام شکونتلا می را به مثنوی فارسی برگردانده و این کتاب از دهلی چاپ رسیده است. در زمان شاه استاد بخش سانسکریت دانشگاه دهلی جناب ناراین شنکر شکلا در دانشگاه

چَنْدَر گُپْت بَهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَاکَم

(Nitishatakam)

بَهَرْتِرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

تهران موقتاً استخدام شده بودند. با همکاری ایشان جلال نایینی که وکیل دادگاه و دانشمند سانسکریت بود ریگوید را به فارسی خلاصه کرد. ریگوید اولین کتاب آسمانی دین هندو هست و هم قدیمترین کتاب باقیمانده ی آرایه ها هست. وی بسیار کتابهای ترجمه شده از سانسکریت به فارسی را هم تصحیح و تدوین کرد از جمله سر اکبر از دارا شکوه، بگودگیتا از دارا شکوه و پارسیک کوش از کرشن بهاری مشر. در این زمینه کار دکتر تارا چند را نمی توانیم فراموش کنیم.

در زمان حال هم متعدد دوستان و دانشمندان هند و ایران هستند که در این ناحیه کار می کنند و نتیجه ها ی زیبا و مهم را به دست می آورند. دکتر مرتضی موسوی یکی از ایشان هستند که کتاب شیوا سوترا را به فارسی ترجمه و شرح نموده اند. شیوا سوترا مربوط به فلسفه ی شیوا هست که در کاشمیر رواج داشته است. این کار بسیار ستودنی است.

اما دوست نوجوان من جناب آقای **چندرگپت بهارتیه (Chandragupta Bhartiya)** اینجا مورد توجه ما هست. ایشان دانشجوی فعال زبان سانسکریت بوده است با علاقه ی غیر معمولی با زبان و ادبیات اردو. این علاقه ی اردو به تدریج به عشق فارسی منقل شد. ایشان از دانشگاه دهلی در رهنمایی بنده پیش دکتر ا گرفت. عنوان پیش دکترایش ترجمه ی بگودگیتا توسط دارا شکوه است. علاقه ی زبان فارسی تا اینجا کشید که جناب چندرگپت به ترجمه ی کتابها ی سانسکریت به فارسی پرداخت و این کار بسیار دقیق و پربرکت را به انجام رساند.

کتاب حال که چندرگپت بهارتیه (Chandragupta Bhartiya) از سانسکریت به فارسی ترجمه کرده از هزار ها سال در ادبیات سانسکریت جایگاهی خاصی داشته است و در تمام زبانها ی دنیا با ترجمه چاپ شده است. این کتاب است - "نِیْتِشَتَاکَم" (Nitishatakam) صد بیت درباره رفتار نیک. "بهرتریهری" (Bhartrihari) شاهی بود در هند که با الاخره تارک الدنیا شده بود. و پیش از این که دنیا را ترک کند سه صد بیت سرود که از تجربه های دنیوی مالا مال هستند. صد بیت اول در مورد حکمت است و صد بیت دوم در باره ی عشق و آخرین راجع به عرفان حق و بی نیازی از دهر است. این کتاب اولین ترجمه هست که سراسر هند بین مردم جوان و پیر خیلی معروف و پذیرفته بوده است. با این که ترجمه اش در تمام زبانها ی دنیا موجود است و تا حالا به زبان فارسی هیچ برگردانش وجود ندارد² خیلی حیف بود. این کمبودی توسط جناب چندرگپت برطرف می شود و بخاطر این ایشان شایان تمام تبریک صمیمی همه ی ما هستند.

این ترجمه با متن اصلی ی سانسکریت و خط فارسی افزوده شده است. خط فارسی با اعراب مزین است تا اهل زبان فارسی با تلفظ صحیح بتوانند بخوانند با مذاق آهنگ زبان و وزن سانکریت آشنا شوند. ترجمه هم به فارسی ی سلیس و روان انجام داده شده است و بعضی از استادان فارسی زبان این را بازبینی کرده اند.

² فقط بعض از شعرها پیش توسط اقبال لاهوری منظوم شده اند رک

چَندَر گُپْت بَهَارَتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهَرُتْرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

با تقدیم این کتاب به دست فارسی زبانان آرزو می کنیم که از توسط این خوانندگان با فرهنگ ادبیان و دیدگاه اصیل هند آشنا بشوند و با خداوند قادر و متعال دعا می کنیم که او مترجم محترم را نیروی دانش عطا فرماید تا ایشان کارهایی از این قبیل را در آینده هم بتوانند به کثرت انجام دهند

دکتر بلرام شکلا

(Dr. Balram Shukla)

بخش سانسکریت

دانشگاه دهلی

دهلی- هند

(2014)

دیباچه

سانسکریت یکی از قدیمی ترین زبان ها در جهان است. زبان سانسکریت راه را برای فهم درست و کاملی از فرهنگ هند بر ما می گشاید. در کتاب های که به این زبان باقی مانده اند، اطلاعات با ارزشی از فرهنگ و تاریخ هند درست می آید. زبان سانسکریت سمبل هندوستان است و بسیاری کتاب ها در این زبان نوشته شده است؛ مثل کتاب ریگ ویدا؛ اوپا نیشادها و غیره. **نیتیشتک** (Nitishatakam) (صد بیت درباره رفتار نیک) هم در این زبان نوشته شده است. نویسنده این کتاب **بهرتری هری** (Bhartrihari) است.

درباره نیتیشتک :

نیتیشتک یعنی صد بیت درباره رفتار نیک. در این کتاب درباره رفتار نیک صد بیت به صورت شعر گفته شده است، که این بیت ها خصوصیات و وجوه مختلفی را از رفتار بیان می کنند. خصوصیت های چون :

حماقت و نادانی :

خداوند به نادان هدیه ای داده است، هدیه ی خداوند به نادان خاموشی و سکوت است، در جمع خردمندان سکوت برای نادان همانند جواهر است.³

می توان آتش را با آب مهار کرد، می توان تابش تیز خورشید را با چتری سایه کرد، می توان فیل مست را با یک سلاح نوک تیز آرام و مهار کرد، می توان گاو میش و الاغ سرکش را با چوبدستی مهار کرد، می توان بیماری را با دارو علاج کرد، می توان نیش مار را با دعا خوب کرد، برای همه مشکل ها راه حل است، جز برای نادان زیرا کسی نمی تواند به او خرد بیاموزد.⁴

خردمندی :

خرد خوش سخن و خوش صدا با کلماتی پرمغز و او خردی زیاد برای خردجویان دارد و شاعر خوبی است، آن شاعر اگر فقیر است در پادشاهی، این مشکل شاه است، و نه شاعر.

³ स्वायत्तमेकान्तगुणं विधात्रा विनिर्मितं छदनमज्ञातायाः।

विशेषतः सर्वविदां समाजे विभूषणं मौनमपण्डितानाम्।।८।।

⁴ शक्यो वारयितुं जलेन हुतभुक् छत्रेण सूर्यातप्तो नागेन्द्रो निशिताङ्कुशेन समदो दण्डेन गोगर्दभौ।

व्याधिर्भेषजसङ्ग्रहैश्च विविधैर्मन्त्रप्रयोगैर्विषं, सर्वस्यौषधमस्ति शास्त्रविहितं मूर्खस्य नास्त्यौषधम् ।।१२।।

چَنْدُرَ گُپْت بُهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهَرْتِی هَرِی

(Bhartihari's)

آن خردمند ثروتمند از خرد خویش است، خردمند بدون مال هم ثروتمند است، اگر مردم قدر گوهری را نمی دانند دلیل بر کم ارزش بودن گوهر نیست، چون گوهرشناس نیست.⁵

انسان با جواهرات و زیورآلات حقیقتاً زیبا نمی شود، انسان با جواهرات درخشانی که بر بازو می بندد و یا بر گلو آویزان می کند به راستی و زیبایی حقیقی نمی رسد، انسان با تمییز کردن و شستشوی بدن و آویختن گل و آرایش مو حقیقتاً زیبا نمی شود، خردمند با سخن خوب خویش زیبا می شود، زیورآلات و جواهرات همیشگی نیستند بلکه آن خرد است که زیور و مایه ی زیبایی جاودانی خردمند است.⁶

شجاعت و احترام :

شاه حیوانات شیر که شجاع و بی باک است، غذایش سر فیل است و او کمتر از سر فیل طلب نمی کند و کمتر نمی خواهد، حتی وقتی از گرسنگی ناتوان باشد، حتی اگر از پیری لاغر شده باشد، ویا وقتی غرق در قدرت باشد، ویا اگر بارنج و سختی رو به رو باشد، و حتی وقت مردن هم، او باز شیر است و سلطان جنگل و طبیعت و مزاج و بلند نظری و دلیری او از بین نمی رود، در هر حالتی که باشد به پستی و کمی قانع نمی شود، علف نمی خورد.⁷

سگ دم خود را برای کسی که به او غذا می دهد می جنباند، به پایش می افتد و می رقصد و دهان و شکم خویش را نشان می دهد و ذات انسان کم شخصیت هم مثل این می شود. اما فیل به آرامی بلند می شود و بعد از چندین بار نوازش غذای خود را از دست صاحبش می خورد، ذات و باطن انسان های بزرگ به مانند همان فیل است.⁸

ثروت :

بگذار که طبقه های اجتماعی نابود شوند و به زیر زمین بروند، بگذار کیفیت و چگونگی از بین بروند، بگذار ذات خوب از قله کوه های بلند به پایین سقوط کند، بگذار خویشاوندی

⁵ शास्त्रोपस्कृतशब्दसुन्दरगिरः शिष्यप्रदेयगमा, विख्याताः कवयोः वसन्ति विषये यस्य प्रभोर्निर्धनाः।

तज्जाड्यं वसुधाधिपस्य कवयस्त्वर्थं विनापीश्वराः, कुत्स्याः स्युः कुपरीक्षका किं मणयो यैर्घतः पातिताः॥16॥

⁶ केयूराणि न भूषयन्ति पुरुषं हारा न चन्द्रोज्ज्वला, न स्नानं न विलेपनं न कुसुमं नालङ्कृता मूर्धजाः।

वाण्येका समलङ्करोति पुरुषं या संस्कृता धार्यते, क्षीयन्ते खलु भूषणानि सततं वाग्भूषणं भूषणम्॥20॥

⁷ क्षुत्क्षामोऽपि जराकृशोऽपि शिथिलप्रायोऽपि कष्टां, दशामापन्नोपि विपन्नदीधितिरपि प्राणेषु गच्छत्वपि।

मत्तेभेन्द्रविभिन्नकुम्भकवलयासैकवद्वस्त्रम्, किं जीर्णं तृणमत्ति मानमहतामग्रेसरः केसरि॥27॥

⁸ लान्द्गुलचालनमधश्चरणावपातं, भूमौ निपत्य वदनोदरदर्शनं च।

श्वा पिण्डस्य कुरुते गजपुङ्गवस्तु, धीरं विलोकयति चाटुशतैश्च भुङ्क्ते॥29॥

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشنگم

(Nitishatakam)

بھارتی ھری

(Bhartrihari's)

و آشنایی بسوزد، بگذار شجاعت و بی باکی از بین برود، ثروت برای ثروتمند کافی است، چون خوبی خود تمام ثروت است.⁹

بدذاتی و نادرستی :

سنگدلی و قساوت و بی رحمی و پرخاش با دیگران و دست درازی به ناموس و مال دیگران و خواستن آنها برای خود با نیکان به بدی رفتار کردن و با خانواده بد خلقی کردن، تمام اینها رفتار شخص بد ذات و نادرست است و این ذات انسان بد است.¹⁰

وقتی ذات شخصی پلید و بد است او کارهای انسان های خوب را بد و زشت می پندارد، چون ذات و طبیعت خراب و ناپاک است. وقتی شخصی پاک و خوش است و شرم و حیا دارد شخصی بدذات او را احمق می پندارد، وقتی انسان پاک خدا را عبادت می کند مردی ناپاک آن را غرور نام می نهد، وقتی که انسان نیک در سکوت و خموشی هست شخصی بد ذات آن را بی خردی و نادانی می انگارد، وقتی که انسان خوب و خوش ذات سخنی رسا و شیوا و شیرین بیان می کند، بد ذات آن را فقر و پستی می پندارد، چون که شخصی پاک دل رفتار معصوم و خوب دارد، آن بدذات او را مغرور و خودخواه می نامد، پس خوش ذات چه بکند تا بدذات کار او را خوب بیندارد؟¹¹

نیک سرشتی :

احترام و درود بر آن کسی که دارنده ی ذات پاک است، آنکه در جمع نیکان است، به خوبی دیگران خوشنود است، به بزرگان احترام می گذارد، دوستدار دانش و خرد است، با همسر خود خوشحال است، از سرزنش و نیکو هوش مردمان خودداری می کند، خداپرست و دین دار است، حواس خود را کنترل می کند، از جمع بدکاران به دور است، چنین انسان خوش ذات و پاکی شایستگی درود و سلام و ادب است.¹²

⁹ जातिर्यातु रसातालं गुणगणैस्तत्राप्यधो गम्यतां, शीलं शैलतटात् पतत्वभिजनः सन्दह्यतां वह्निना।

शौर्यं वैरिणि वज्रमाशु निपतत्वर्थोऽस्तु नः केवलं, येनैकेन विना गुणास्तृणलवप्रायाः समस्ता इमे।।39।।

¹⁰ अकरुणत्वमकारणविग्रहः परधने परयोषिति च स्पृहा।

सुजनबन्धुजनेष्वसहिष्णुता प्रकृतिसिद्धमिदं हि दुरात्मनाम्।।50।।

¹¹ जाड्यं हीमति गण्यते व्रतरुचौ दम्भः शुचौ केतवं, शूरे निर्घृणता मुनौ विमतिता दैत्यं प्रियालापिनि।

तेजस्विन्यवलिप्तता मुखरता वक्तव्यशक्तिः स्थिरे, तत्को नाम गुणो भवेत्सगुणिनां यो दुर्जनैर्नाङ्कितः।।52।।

¹² वाञ्छा सजनसङ्गमे परगुणे प्रीतिर्गुरौ नम्रता, विद्यायां व्यसनं स्वयोषिति रतिर्लोकापवादाद्भयम्।

भक्तिः शूलिनि शक्तिरात्मदमने संसर्गमुक्तिः खले, येष्वेते निवसन्ति निर्मलगुणास्तेभ्यो नरेभ्यो नमः।।60।।

دارنده ی ذات نیک و نیک خواه :

چون که درخت پر بار گردد، شاخه ها پش خمیده می شوند و سر به زیر می کنند، چون که ابر پر آب می شود به زیر می آید و آماده ی بارش می گردد، چون که انسان خوب غرق در ثروت می شود فروتنی می گیرد، این ذات و طبیعت انسان نیکخواه است.¹³

صبر کردن :

ذات انسان سه قسمت دارد : ذات اول همان ذات بزرگ است، ذات دوم همان ذات میانه است، و ذات سوم همان ذات زیر است. کسی که ذات پایین و زیر دارد هر کار را از ترس مشکل بودن شروع نمی کند. کسش که ذات میانه دارد هر کار را آغاز می کند ولی وقتی که مشکل پیش می آید آن را رها می کند. و آن که ذات بزرگ دارد اگر کاری را آغاز کند حتی با تمام مشکلات آن کار را تا به آخر انجام می دهد.¹⁴

تقدیر و قضا و قدر و بخت و اقبال :

مار که در سبد اسیر بود، حواس و قدرشش از گرسنگی کم شده بود، و در انتظار مرگ بود، همان وقت موش سبد را سوراخ کرد و به داخل آمد، مار از گوشت آن موش را خورد و از همان سوراخ بیرون رفت. بنابراین در خوش بختی یا بدبختی و در شهرت یا فقر، خداست که سرنوشت را مقدر می کند.¹⁵

رحمت خداوند :

اگر درخت گریز ¹⁶ (Kareera) برگ ندارد پس آیا این عیب فصل بهار اس؟ اگر بوف در نور آفتاب نمی تواند ببیند، پس آیا این عیب آفتاب است؟ و اگر چاتک (Chaataka) نمی

¹³ भवन्ति नम्रास्तरवः फलोद्गमैः नवाम्बुभिर्दूरविलम्बिनो घनाः।

अनुद्धताः सत्पुरुषाः समृद्धिभिः स्वभाव एवैष परोपकारिणाम्।।73।।

¹⁴ प्रारभ्यते न खलु विघ्नभयेन नीचैः, प्रारभ्य विघ्नविहता विरमन्ति मध्याः।

विघ्नैः पुनः पुनरपि प्रतिहन्यमानाः, प्रारब्धमुत्तमगुणा न परित्यजन्ति।।85।।

¹⁵ भग्नाशस्य करण्डपिण्डततनोर्मानेन्द्रियस्य क्षुधा, कृत्वाखुर्विवरं स्वयं निपतितो नक्तं मुखे भोगिनः।

तृप्तस्तत्पिशितेन सत्वरमसौ तेनैव यातः पथा, लोकाः पश्यत दैवमेव हि नृणां वृद्धौ क्षये कारणम्।।96।।

¹⁶ گریز (Kareera) : - اسم درختی هندی که برگ ندارد.

چَنْدَر گُپْت بُهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهَرْتِی هَرِی

(Bhartrihari's)

تواند آب باران را در دهانش جای دهد پس آیا این عیب باران است؟. تقدیر نوشته شده روی پیشانی را چه کسی می تواند پاک بکند؟ یعنی هیچ کس نمی تواند.¹⁷

نحوه انجام کارهای نیک :

ای انسان نیک! آن کاری، که شخص بد را تبدیل به شخصی خوب می کند، انسان نادان را خردمند می کند، دشمن را دوست می کند، نا دیدنی ها را دیدنی می کند، و زهرها را آب حیات می کند، و اگر سرانجامی نیک می خواهید ، کار نیک بکنید. فقط برای نفع هر چیز، آن چیزها را دوست مدار و درد ها و غم ها را از خود دور بکن.¹⁸

قبل از انجام هر کاری، باید خوب به نتیجه ی آن کار فکر کرد چون اگر کاری بکنیم که نتیجه ی آن کار پشیمانی باشد، آن فکر تا دم مرگ نیز ما را آزار خواهد داد.¹⁹

درباره نویسنده ی نِیْتِشَتَکَم :

نویسنده ی نِیْتِشَتَکَم یکی از پادشاه ی هند بود، اسمش بهرتری هری (Bhartrihari) بود. پدرش گندهرو سین (Gandharvashen) و برادرش ویکرامادیتیه (Vikramaaditya) بود. ویکرامادیتیه نیز یکی از پادشاه بزرگ در هند بود. بهرتری هری برادر بزرگ ویکرامادیتیه بود. بهرتری هری پادشاه ی اوجین (Ujain) در هند و برادرش ویکرامادیتیه وزیر ایشان بود.

در هند درباره ی بهرتری هری چند افسانه گفته شده است. درستی این افسانه ها سند معتبری در دست نیست، اما در آن افسانه ها چنین آمده است که :

روزی فقیری نزد پادشاه ی بهرتری هری آمد و به او سیبی داد. فقیر به پادشاه گفت: کسی که این سیب را بخورد، زندگی جاویدان پیدا می کند و همیشه جوان می ماند. پادشاه همسرش را بسیار دوست داشت، بنابراین آن سیب را به همسرش داد، ولی همسر پادشاه شخص دیگری را دوست داشته بود و او هم آن سیب را به آن شخص داد. شخص دیگر هم به زن دیگری علاقه مند بود و او آن سیب را به آن زن داد و آن زن هم خود به پادشاه

¹⁷ पत्रं नैव यदा करीरविटपे दोषो वसन्तस्य किं, नोलूकोऽप्यवलोकते यदि दिवा सूर्यस्य किं दूषणम्।

धारा नैव पतन्ति चातकमुखे मेघस्य किं दूषणं, यत्पूर्वं विधिना ललाटलिखितं तन्मार्जितुं कः क्षमः॥107॥

¹⁸ या साधूंश्च खलान् करोति विदुषो मूर्खान् हितान् द्वेषिणः, प्रत्यक्षं कुरुते परोक्षममृतं हालाहलं तत्क्षणात्।

तमाराधय सत्क्रियां भगवतीं भोक्तुं फलं वाञ्छितं, हे साधो व्यसनैर्गुणेषु विपुलेष्वास्थां वृथा मा कृथाः॥111॥

¹⁹ गुणवद्गुणवद् वा कुर्वता कार्यमादौ, परिणतिरवधार्या यत्नतः पण्डितेन।

अतिरभसकृतानां कर्मणामाविपत्तेर्भवति हृदयदाही शल्यतुल्यो विपाकः॥113॥

چَنْدَر گُپْت بَهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهَرْتَرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

علاقه مند بود و آن سیب را به پادشاه داد. چون پادشاه آن سیب را دوباره در دست خود دید تعجب کرد و شروع به جستجو درباره ی فلسفه ی سیب کرد. وقتی همسر پادشاه این ماجرا را شنید از شدت ناراحتی خودکشی کرد. پادشاه از این پیشامد بسیار غمگین شده و این بیت را نوشت:

यां चिन्तयामि सततं मयि सा विरक्ता, साप्यन्यमिच्छति जनं स जनोऽन्यसक्तः।

अस्मत्कृते च परिशुष्यति काचिदन्या, धिक् तां च तं च मदनं च इमां च मां च।।

یَا م چَنْتِیَا م سَتَم مِی سَا وِرَکْتَا، سَاپِیَنیَمِچْچَتِ جَنَم سَ جَنُو اَنِیَسَکْتَه
اَسْمَتْکَرَتِ چ پارِشُشِیَتِ کَاچِدِنِیَا، دُهِکْ تَا م چ تَم چ مَدَنَم چ اِمَا م چ مَام چ

زنی را دوست دارم که علاقه ای به من ندارد، به دیگری علاقه مند است که ان دیگری هم دیگری را دوست دارد، و دیگری نیز من را دوست دارد، پس ببین چه افسوس است بر آن زن و آن مرد و آن فرشته ی عشق و این زن و من!

می گویند که پادشاه این ماجرا را خیلی زود فراموش کرد و با همسر دیگری به نام پینگلا (Pingla) آشنا شد. روزی، پادشاه برای شکار به جنگل رفت. در آنجا دید که صیادی که آهوی را شکار کرده، در هم آن وقت یک ماری آن صیاد را خورد و صیاد هم آن وقت از دنیا رفت و مرد. پس زن آهو، که همسر آهو بود، آهوی مرده را دید و خودش هم مرد. و وقتی همسر صیاد، صیاد مرده را دید، او هم از دنیا رفت. پادشاه تمام این اتفاقات را دید و بعد از رفتن به خانه او به همسرش پینگلا کردو از او پرسید که آیا در نظر او این اتفاقات می تواند حقیقت داشته باشد ؟ همسرش جواب داد: بله ! درباره ی حقیقت این اتفاقات هیچ شکی نیست. زنی که فقط همسر خود را دوست دارد و همیشه درباره ی همسر خود فکر می کند، برای آن زنی این کار مشکل نیست. با شنیدن جواب پینگلا پادشاه به فکر فرو رفت که همسر خود را امتحان کند. یک روز پادشاه برای شکار به جنگل رفت، گفت تا به همسرش خبر بفرستد که شیر پادشاه را خورده است. با شنیدن این خبر همسر پادشاه در هم آن وقت از دنیا رفت. وقتی این خبر به پادشاه رسید، او بسیار ناراحت شد و همان وقت سلطنت را به برادر خود (ویکرمادپته) سپرد و خود در ظاهر یک فقیر به جنگل رفت.

این افسانه اطلاعات مکتوب در دست نیست و فقط این افسانه نسل به نسل و زبان به زبان منتقل شده است، ولی درباره وجود این پادشاه متمین هستیم که پادشاهی به نام بهرتریهری وجود داشته که برادرش هم ویکرمادپته بوده است. در تاریخ هند نام چندین پادشاه به نام ویکرمادپته ثبت شده است، ولی ما با اطمینان نمی دانیم این کدام ویکرمادپته بوده که برادر بهرتریهری بوده است و با قاطعیت نمی توانیم به گویم کدام یک از آنجا برادرش بوده است.

زمان پادشاه ی بهرتریهری (Bhartrihari) :

گفتن زبان دقیق پادشاهی بهرتریهری بسیار مشکل است و نظریات زیاد و متفاوتی درباره آن وجود دارد. بهرتریهری درباره خود هیچ چیزی ننوشته است و این قضاوت دقیق

چندر گپت بهارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتشتک

(Nitishatakam)

بهرتری هری

(Bhartrihari's)

درباره زمان دقیق زندگی و سلطنت او را مشکل می‌کند. برای تشخیص زمان سلطنت این پادشاه تاریخ دانان چند دلیل می‌آورند:

1. بهرتریهری هم مثل کالی داس (Kalidasa) درباره خود هیچ چیزی در کتاب‌ها ننوشت.
2. در تاریخ هند چند بهرتریهری دیگر هم هستند که به زبان سانسکریت به نام ایشان کتاب‌هایی نوشته شده است.
3. داستان‌های قدیم هندی می‌گویند که بهرتریهری برادر ویکرمادیتیه بود، ولی در تاریخ هند چند ویکرمادیتیه دیگر هم وجود دارند. بنابراین درباره اینکه کدام ویکرمادیتیه برادر بهرتریهری بوده اختلاف نظر زیاد است.

بعضی از محققان سعی در پیدا کردن تاریخ دقیق زمان سلطنت این پادشاه داشته‌اند. به نظر آن‌ها :

1. بهرتریهری برادر ویکرمادیتیه بود که برای اولین بار در هند به نام ویکرم سموت (Vikram samvata) سالنامه درست کرد. این محققان زمان بهرتریهری را سال 57 پیش از میلاد می‌دانند.
2. محققان دیگر بر این باور دارند که بهرتریهری برادر ویکرمادیتیه که هون (Hoon) پیروز شد. هون در سال 644 پیش از میلاد زندگی می‌کرد.
3. ایتسینگ (Itasing) جهانگرد چینی (Chines) که به سال 651 پیش از میلاد به هند آمده بود، در کتاب تاریخ خود به مرگ بهرتریهری اشاره می‌کند که متخصص در در دستور زبان بوده است. بهرتریهری که متخصص در دستور زبان بود کتابی خود به یادگار نوشته بود و آن را به نام واکیدیپیم (Vakyapadiyam) نام‌گذاری کرده بوده است.
4. به دلیل نوشته‌های تاریخی جهانگرد معروف ایتسینگ، دیگر محققان هم زمان سلطنت بهرتریهری را در سال‌های قبل از قرن هفتم پیش از میلاد (Before 7th century) می‌دانند.

درباره بهرتریهری و ویکرمادیتیه در کتاب سانسکریت به نام سیمهاسن دواترینشکا (Simhasandvatrinshaka) و ویکرمانک دیو چریتم (Vikramankdevcharitm) با تفصیل نوشته شده است. با توجه به این دو کتاب می‌توان گفت که این دو پادشاه برادر بوده‌اند. برخی از محققان می‌گویند که بهرتریهری که نویسنده ی کتاب واکیدیپیم (Vakyapadiyam) است، با آن بهرتریهری که نویسنده ی کتاب نیتشتک (Nitishatakam) است متفاوت می‌باشد. نویسنده ی کتاب نیتشتک دو تا کتاب دیگر هم نوشته بود، به نام‌های : شرینگارشتکم (Shringarshatakam) و ویراگیشتم (Vairagyashatakam) که در دسترس می‌باشند.

چندرگپت بهارتیه

(Chandragupta Bhartiya)

چندر گپت بهارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بهرتري هری

(Bhartrihari's)

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

نیشَتَکَم

(صد بیت درباره رفتار نیک)

दिकालाद्यनवच्छिन्नानन्तचिन्मात्रमूर्तये।

स्वानुभूत्येकनामाय नमः शान्ताय तेजसे।।1।।

دِکَالادِیَنو چِهاننچِنماثر مورتِیَه
سَوَانُبُهو نِیکنامای نَمَہ شانتای تِجَسَہ

1. او که در قید زمان و مکان نمی آید، او که از هر جهت و زمان و سمت و سو آزاد است، او که بی پایان است و نا میرا است، او که منشای هر روح است و سرچشمه ی صلح و آرامش است، و او که مبدای تمام است، سلام بر او.

यां चिन्तयामि सततं मयि सा विरक्ता,

साप्यन्यमिच्छति जनं स जनोऽन्यसक्तः।

अस्मत्कृते च परिशुष्यति काचिदन्या,

धिकं तां च तं च मदनं च इमां च मां च।।2।।

یَاَم چِنْتِیَاَم سَتَتَم مِی سا وِرَکُتا
ساپِیَنِیَمِچِهتِ جنَم س جنو اَنِیَسَکُته
اَسْمَنکُرَتِ چ پارِشُشِیَتِ کاچِدِنِیا
دِهِکُ تاَم چ تَم چ مَدَنَم چِ اِمَاَم چِ ماَم چِ

2. زنی را دوست دارم که علاقه ای به من ندارد، به دیگری علاقه مند است که ان دیگری هم دیگری را دوست دارد، و دیگری نیز من را دوست دارد، پس ببین چه افسوس است بر آن زن و آن مرد و آن فرشته ی عشق و این زن و من!

[i]. سخن درباره ی احمق:

बोद्धारो मत्सरग्रस्ताः प्रभवः स्मयदूषिताः।

अबोधोपहताश्चान्ये जीर्णमंगे सुभाषितम्।।3।।

چُنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشنگم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هری

(Bhartrihari's)

بُودْدھَارُو مَنَسْرَکْر سَنَاه پُرَبْهَوَه سَمِیْدُوشِتَاه
ابُودْھُوپَهتاشچَانِیہ جِیْرَنَمَنگِہ سُبْہَاشِتَانَم

3. چون خردمند به خردمند حسادت دارد، و ثروتمند به مال خویش مغرور است، و نادان هم که چیزی نمی فهمد؛ بنابر این سخن خوب در خود نابود شده است.

अज्ञः सुखमाराध्यः सुखतरमाराध्यते विशेषज्ञः।

ज्ञानलवदुर्विदग्धं ब्रह्मापि नरं न रञ्जयति।।4।।

اَکْیَه سُوکْھَمَار اُدْھِیَه سُوکْھَنَر مَار اُدْھِیَتِه وِشِشْکْیَه
گْیَانَلَوْدُرُوْدِگْدْھَم بُرْھَمَآپِ نَرَم نَ رَنْجِیَتِ

4. خرد را به بی خرد می توان آموخت، و خرد را به خردمند باز هم می توان آموخت، ولی حتی خدا هم خرد را نمی تواند به نادان بیاموزد، چون نادان پر از غرور است.

प्रसह्य मणिमुद्धरेन्मकरवक्र दंष्ट्राङ्कुरात्,

समुद्रमपि सन्तरेत् प्रचलदूर्मिमालाकुलम्।

भुजङ्गमपि कोपितं शिरसि पुष्पवद् धारयेत्,

न तु प्रतिनिविष्टमूर्खजनचित्तमाराधयेत्।।5।।

پُر سَهْیَ مَنِمْدْدْھَر نَمَکْر وُکْر دَنْشْتر اَنْکُرَاث
سَمْدْرَمِپ سَنْتَرِت پُرچَلُور مِمَالَاکُلَم
بُھَجَنْگَمِپ کُوپِیْتَم شِیرَسِ پُشْپَوْد دْھَارِیْت
ن ت پُرْتِیوَشْتَمُور کْھَجَنْگَمَار اُدْھِیْت

5. می توان به سختی گوهر را از دهان سوسماری به دست آورد، می توان دریای طوفانی را صلیب وار شنا کرد، می توان مار خطر را مانند گلی به دور سر پیچاند، ولی احمق را نمی توان راضی کرد و به او خرد آموخت.

लभेत सिकतासु तैलमपि यत्नतः पीडयन्पिबेच्च,

मृगतृष्णिकासु सलिलं पिपासार्दितः।

कदाचिदपि पर्यटन्शशविषाणमासादयेन्नतु,

प्रतिनिविष्टमूर्खजनचित्तमाराधयेत्।।6।।

چَنْدَر گُپْت بُهَارَتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهَرِتری هَری

(Bhartrihari's)

لَبْهَت سِکَناسو تَلَمِب یَنَنَه پِیْدِیْبِج
 مَرِگَنر شَنکاسو سَلَم پِیاسارَدَنَه
 کَدَچَدِپ پُر یَنَنَسُو شَانَماسا دِیَنَت
 پُر یَتِو شَتَمور کَهَجَچَتَم اَر اَدِهیَت

6. می توان با تلاش و کوشش حتی از شن زار روغن گرفت، می توان حتی از سراب آب نوشید، می توان برای خرگوش شاخ دید، ولی نمی توان به نادان خرد آموخت. خرد آموختن به نادان از هر ناممکن سخت تر است.

व्यालं बालमृणालतन्तुभिरसौ रोद्धुं समुज्जम्भते,

छेत्तुं वज्रमणीं शिरीषकुसुमप्रान्तेन सन्नह्यति।

माधुर्यं मधुबिन्दुना रचयितुं क्षाराम्बुधेरीहते,

नेतुं वाञ्छति यः खलान्पथि सतां सूक्तैर्मुधास्यन्दिभिः॥७॥

وَيَالَم بِالْمِرْنَالِئَنْتَبْهَرَسُو رُودْدُهُم سَمَجَرْمُهَتَه
 جَهَتَم وَجَرْمَنِيْم شِيرِيْشَكْسَمُپُرَانْتِن سَنَهِيْت
 مَادْهُرِيْم مَدْهُيْدُنَا رَجِيْتَم كُشْهَارَامِيْدْهُرِيْهَت
 نِيْتَم وَانْجِهَت يَه كَهْلَانِيْثَه سَتَام سُوَكْتِر سُدْهَاسِيْنْدِيْبِيْهَه

7. می توان یک فیل را به ریشه ی گل نیلوفر آبی بست، می توان گوهر سخت را با برگ نرم گل شیریش²⁰ (Shireesha) برید، می توان با یک قطره عسل دریا را شیرین کرد، همه این ناممکن ممکن است ولی یک انسان خوب با سخن خوب نمی تواند به نادان خرد بیاموزد.

स्वायत्तमेकान्तगुणं विधात्रा विनिर्मितं छदनमज्ञातायाः।

विशेषतः सर्वविदां समाजे विभूषणं मौनमपण्डितानाम्॥८॥

سَوَايَتْمِکَانْتِگَنَم وَدْهَاتْرَا وِنِرْمَتَم جَهَدَتَم اَگِیَاتَايَاَه
 وِشِیْسَنَه سَرُوودَام سَمَاج وَبْهُوَسَتَم مُوْتَم اِپِنْدِیْتَانَام

8. خداوند به نادان هدیه ای داده است، هدیه ی خداوند به نادان خاموشی و سکوت است، در جمع خردمندان سکوت برای نادان همانند جواهر است.

²⁰شیریش (Shireesha): گل هندی که برگش سرخ و بسیار نرم و لطیف است.

چَنُدرَ گُپْتِ بَهَارَتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرُتری هَری

(Bhartrihari's)

यदा किञ्चित्ज्ञोऽहं द्विप इव मदन्धः समभवम्,
तदा सर्वज्ञोऽस्मीत्यभवदवलितं मम मनः।
यदा किञ्चित्किञ्चिद्बुधजनसकाशादवगतम्,
तदा मूर्खोऽस्मीति ज्वर इव मदोमे व्यपगतः॥१९॥

يَدَا كِئِچَت اَکْیُو اَهم دُوبِ اَوْ مَدَاذَهَه سَمَبَهَوَم
تَدَا سَرَوَگْیُو اَسْمِیْتِیَهَو لِیْتَم مَم مَنَه
يَدَا کِئِچَت کِئِچِتْدَه جَنَسَاکَاشَا دَوَگَتَم
تَدَا مَوْرَگْیُو اَسْمِیَاتِ جَوَارِ اَوْ مَدَوْمَه وَیِکْگَتَه

9. وقتی من کم خرد بودم: مثل یک فیل مست بودم، در آن وقت فکر می کردم همه چیز را می دانم و قلب من پر از غرور بود. ولی آن هنگام که با دانشمندان زندگی کردم: فهمیدم که چقدر نادان هستم و بعد از این غرور نادانی مثل تب تمام شد.

कृमिकुलचितं लालाक्लिन्नं विगन्धि जुगुप्सितं,
निरुपमरसं प्रीत्या खादन्नरास्थि निरामिषम्।
सुरपितमपि श्वा पार्श्वस्थं विलोक्य न शङ्कते,
न हि गणयति क्षुद्रो जन्तुः परिग्रहफलगुताम्॥१०॥

کُرْمِکُلِچِتَم لَالَاکْلِیْنَم وَگَنْدَه جُگُپْسِتَم
نِروُپَمَرَسَم پُرِیْتِیَا کْهَادَنَرَا سْتَه نِرامِشَم
سُرِپِتَم پِ شَوَا پَارَشَوَسْتَهَم وَلَوِکِی نَ شَنْکَتِ
نَ هَ گَنْیَتِ کْشَهْدَرُو جَنْتَه پَرِگَرَهَفَلَاگُتَام

10. مثل سگ که استخوان گندیده و بوگرفته ای را که مورچگان به دور آن جمع شده اند باز هم رها نمی کند و می خورد و حتی از فرشته ای به نام اِنْدْرَ²¹ (Indra) هم خجالت نمی کشد و گند می خورد، آن شخص هم مثل آن سگ است که خجالت نمی کشد ذاتش بد است. انسان بد فرق بد و خوب را نمی فهمد.

²¹اِنْدْرَ: (Indra): در هند اندر خدا ی باران است

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی ھَرِی

(Bhartrihari's)

शिरः शार्वं स्वर्गात् पशुपतिशिरस्तः क्षितिधरं,
महीध्रादुत्तुङ्गादवनिमवनेश्चापि जलधिम्।
अधोऽधो गङ्गेयं पदमुपगता स्तोकमथवा,
विवेकभ्रष्टानां भवति विनिपातः शतमुखः॥11॥

شیرَ شَارَوَمْ سُوْرگاَتْ پَشُپَتیشِرَسْتَهْ کْشِیتِذَهْرَمْ
مَهِیْدَهْرَاْدُتْتُْگَاْدَوْنِمْوَنِشْچَاپِ جَلْدِھَمْ
اَدھُوْ اَدھُوْ گَنْگِیَمْ پَدْمُگَتَا سْتُوکْمَٹھَوَا
ووکْبُھَرَسْتَانَامْ بْھَوَتْ وَنِپَاتَهْ سَتْمُکْھَهْ

11. نادان مثل رود گنگا (Ganga) در صد مرحله فنا می شود. رود گنگ زمانی در بهشت جاری بود و بعد از بهشت به سر شیو (Shiva) روان شد و پس از آن از همالیا (Himaalaya) به روی زمین جاری شد و به دریا پیوست. مثل این نادان هم که از مراحل بالا به پایین نزول می کند.

शक्यो वारयितुं जलेन हुतभुक् छत्रेण सूर्यातप्तो,
नागेन्द्रो निशिताङ्कुशेन समदो दण्डेन गोगर्दभौ।
व्याधिर्भेषजसङ्ग्रहैश्च विविधैर्मन्त्रप्रयोगैर्विषं,
सर्वस्यौषधमस्ति शास्त्रविहितं मूर्खस्य नास्त्यौषधम्॥12॥

شَکْیُوْ وَارِیْتُمْ جَلَنَ هُتْبْھُکْ چْھَتْرَنَ سُوْرِیَاْتِپْتُوْ
نَاگِندْرُوْ نِشِیتَاَنْکُشِنَ سَمَدُوْ دَنْدِنَ گُوْگَرْدِبْھُوْ
وَیَاْدَهْرَبْھِشْجَسَنْگَر_هَشْچَ وَوَدْھَرْمَنْتْر_پَرِیُوْگَر_وَشْمَ
سَرْوَسْیُوْشْدْھَمْسَتْ شَاسْتْرُوْ هَتْمَ مُوْرْگْھَسِیْ نَاسْتِیُوْشْدْھَمْ

12. می توان آتش را با آب مهار کرد، می توان تابش تیز خورشید را با چتری سایه کرد، می توان فیل مست را با یک سلاح نوک تیز آرام و مهار کرد، می توان گاو میش و الاغ سرکش را با چوبدستی مهار کرد، می توان بیماری را با دارو علاج کرد، می توان نیش مار را با دعا خوب کرد، برای همه مشکل ها راه حل است، جز برای نادان زیرا کسی نمی تواند به او خرد بیاموزد.

साहित्यसङ्गीतकलाविहीनः, साक्षात्पशुः पुच्छविषाणहीनः।
तृणं न खादन्नपि जीवमानः, तद्भागधेयं परमम्यशुनाम्॥13॥

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هری

(Bhartrihari's)

سَاهَنِيْسَنگِيْتَكَلَو هِيْنَه، سَاكْشَهَانِيْسَه پُجْجَهَو شَانِهِيْنَه
تُرْنَم نَ گَهَادَنْپَر جِيَوْمَانَه، تَذْبَهَاگْدَهِيْم پَر مَمِيْسَنَام

13. آن که بی خرد و بی ادب و بی هنر است، مثل حیوانی است که دم ندارد و علف نمی خورد: این برای حیوانات خوشبختی است.

येषां न विद्या न तपो न दानं ज्ञानं न शीलं न गुणः न धर्मः।

ते मर्त्यलोके भुवि भारभूताः मनुष्यरूपेण मृगाः चरन्ति॥14॥

پِشَامَ نَ وَدِيَا نَ تِيُو نَ دَانَمَ گِيَانَمَ نَ شِيْلَمَ نَ گَنَهَ نَ دَهْرَمَه
تَ مَرْتِيْلُوکَ بُهُو بُهَارَبِهَوْتَاهَ مَنَسِيْرُوپِيْنَ مَرگَاهَ چَرَنْتِ

14. آن که دانش ندارد و بخشنده نیست، آن که عرفان ندارد و رفتاری شایسته با او نیست و او که ماهیت انسانی ندارد و نیکوکار نیست، او در چرخه ی مرگ و زندگی مثل حیوانی در روی زمین فقط گردش می کند.

वरं पर्वतदुर्गेषु भ्रान्तं वनचरैः सह।

न मूर्खजनसम्पर्कः सुरेन्द्रभवनेष्वपि॥15॥

وَرَمَ پَرُوَنْدُرْگِشُ بُهَرَانْتَمَ وَنَچَرَهَ سَه
نَ مُوَرْگَهْجَنَسْمَپَرگَه سُرِنْدُرْبِهَوْنِشُوپِ

15. با کسی که در جنگل زندگی می کند، دوستی و گردش لذت بخش است و رفتن به کوه سخت و بلند هم خوب است ولی با شخص نادان حتی در جایگاه فرشته ی (Indra) هم گردش کردن لذت بخش نیست.

[ii]. سخن درباره ی خردمند :

शास्त्रोपस्कृतशब्दसुन्दरगिरः शिष्यप्रदेयगमा,

विख्याताः कवयोः वसन्ति विषये यस्य प्रभोर्निर्धनाः।

तज्जाड्यं वसुधाधिपस्य कवयस्त्वर्थं विनापीश्वराः,

कुत्स्याः स्युः कुपरीक्षका कि मणयो यैर्घतः पातिताः॥16॥

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھَرْتَرِی هری

(Bhartrihari's)

شَاسَنُر وِپَسُکُر تَسَبَدَسُنَدُر گِرَہ شِشِیَر دِیگَمَا
وِکُھِیَا تَاہ کَوِیوہ وِسَنَت وِشِی یَسُی پُر بھُورِز دَہنَاہ
تَجَادِیْم وِسُدْہَا دِہِیَسُی کَوِیَسَنُور تَہْم وِناپِیَسَنُورَاہ
کُٹِسیَاہ سِیہ کُپرِکُشَہکَا کِ مَنِیو پُر گُھَنہ پَایَتَاہ

16. خرد خوش سخن و خوش صدا با کلماتی پر مغز و او خردی زیاد برای خردجویان دارد و شاعر خوبی است، آن شاعر اگر فقیر است در پادشاهی، این مشکل شاه است، و نه شاعر. آن خردمند ثروتمند از خرد خویش است، خردمند بدون مال هم ثروتمند است، اگر مردم قدر گوهری را نمی دانند دلیل بر کم ارزش بودن گوهر نیست، چون گوهرشناس نیست.

हर्तुर्याति न गोचरं किमपि शं पुष्पाति यत् सर्वदा-

ऽप्यर्थभ्यः प्रतिपाद्यमानमनिशं प्राप्नोति वृद्धिं पराम्।

कल्पान्तेष्वपि न प्रयाति निधनं विद्याख्यमन्तर्धनं,

येषां तान् प्रति मानमुज्झत नृपाः कस्तैः सह स्पर्धते ॥17॥

هَرْتُرِیَتِ نَ گُوجَرَمَ کِمِپِ شَم پُشَنَاتِ یَت سَرَوَدَا-
اَپِیر تَہِیہ پُرِیَا دِیَمَا تَمِشَم پُر اِپُتُوت وِرْدَہِم پَرَام
کَلِپَا تِیَسُوپ نَ پُرِیَا تِ نَدَہْم وِدیَا گُھِیَم تَر دَہْم
پِشَام تَان پُرَت مَانَمُجْجَہَت نُرِیَاہ کُسیہ سَہ سِیر دَہَت

17. ای پادشاه! برای اهل خرد غرورمورز، چون او دانش پنهانی دارد، با خردمند غرور بی جانکن، کسی نمی تواند با خرد او مقابله کند؟ این خرد جدا از احساس است و عقل است، این خرد همیشه برای مردم کمک است. این خرد را نمی توان دزدید، خرد همیشه راه گشای به خوبی ها است، و خرد با آموزش به پایان نمی رسد بلکه بیشتر می شود.

अधिगतपरमार्थान् पण्डितान् मावमंस्तास्तृणमिव लघु लक्ष्मीर्नैव तान् संरुणद्धि।

अभिनवमदलेखाश्यामगण्डु अस्थलानां, न भवति विस्ततन्तुर्निवारणं वारणानाम्॥18॥

اَدِہِگَپِیر مَار تَہَان پَنَدِتَان مَآوَمَسْتَا سَنُر نِمُو لَگُہ لَکُشَمِپِرِیو تَان سَنُر نَدَدَہ
اَبَہَنُو مَدَلِگَہَا سِیَا مَگَنَدُ اسْتَهْلَانَام، نَ بَہُوتِ بَسَنَتُر نَوَارَنَم وَاَرَنَانَام

18. خردمند صاحب معرفت و خرد خداوند است، پس با رفتار نامناسب او را مرعجان چون مال و ثروت برای او ارزشی ندارد و مثل پر کاهی بی ارزش است، و او حریص

چَنْدَر گپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشاکم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

؟ مال دنیا نیست. خردمند را نمی توان در کنترل چیزی آورد، مثل آن پیل جوان نیرومند است که نمی تواند آن را در کنترل آورد.

अम्भोजिनीवनविहारविलासमेव, हंसस्य हन्ति नितरां कुपितो विधाता।

न त्वस्य दुग्धजलभेदविधौ प्रसिद्धां, वैदग्ध्यकीर्तिमपहर्तुमसौ समर्थः॥19॥

اَمْبُھُوجِنیوَنوہَارَوَ لَا سَمُوْ، هَنْتِیْ هَنْتِیْ نِتْرَامْ کُپِیْتُ وَ دِهَاتَا
نَ تُوْسَیْ دُگْدَهَجَلْبَهْدُوْ دُھُوْ پُرْسِدِهَامْ، وَ دُگْدَهَیْکِرِیْمَپَهْرَتْمَسُو سَمَرْتَهَه

19. خدا وقتی عصبانی می شود می تواند محل زندگی غاز را نابود کند ولی او نمی تواند ذات و کیفیت غاز (شیر و آب را جدا کردن) را نابود بکند.

केयूराणि न भूषयन्ति पुरुषं हारा न चन्द्रोज्ज्वला,

न स्नानं न विलेपनं न कुसुमं नालङ्कृता मूर्धजाः।

वाण्येका समलङ्करोति पुरुषं या संस्कृता धार्यते,

क्षीयन्ते खलु भूषणानि सततं वाग्भूषणं भूषणम्॥20॥

کُیُوْرَانِ نَ بُھُوشَیْنَتِ پُرَشْمَ هَارَا نَ چَنْدُرُوْجُوْلَا
نَ سَنَانْمَ نَ وَلِیْپَنْمَ نَ کُْسَمْمَ نَالَنْکُرَتَا مُورْدَهَجَاہ
وَ اَنِیْگَا سَمْلَنْکُرُوْتِ پُرَشْمَ یَا سَمْسَکْرَتَا دِهَارَیْتِ
کُشْهَیْیَنْتِ کُھَلْ بُھُوشَنَانِ سَنْتَمْ وَ اَنْگَبُھُوشَنْمَ بُھُوشَنْمَ

20. انسان با جواهرات و زیورآلات حقیقتاً زیبا نمی شود، انسان با جواهرات درخشانی که بر بازو می بندد و یا بر گلو آویزان می کند به راستی و زیبایی حقیقی نمی رسد، انسان با تمییز کردن و شستشوی بدن و آویختن گل و آرایش مو حقیقتاً زیبا نمی شود، خردمند با سخن خوب خویش زیبا می شود، زیورآلات و جواهرات همیشگی نیستند بلکه آن خرد است که زیور و مایه ی زیبایی جاودانی خردمند است.

विद्या नाम नरस्य रूपमधिकं प्रच्छन्नगुप्तं धनं,

विद्या भोगकरी यशस्सुखकरी विद्या गुरूणां गुरुः।

विद्या बन्धुजनो विदेशगमने विद्या परा देवता,

विद्या राजसु पूजिता न तु धनं विद्याविहीनः पशुः॥21॥

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی ھَرِی

(Bhartrihari's)

وَدِیَا نَامَ نَرَسَی رُو پَمَدِھِگَم پَر چَھَنگِیَنَم دَھَنَم
وَدِیَا بُھُوگَکَرِی یَشَسَسُگَھَکَرِی وَدِیَا گُرُونَام گُرَہ
وَدِیَا بَنڈُھَجُتُو وِشَگَمَن وَدِیَا پَرَا دَوُتَا
وَدِیَا رَا جَسُ پُو جَتَا نَ تَ دَھَنَم وَدِیَا وِھِنَہ پَشَہ

21. خرد زیباترین و بهترین چیزها است، ثروت پنهان است، و هر چیزی را به شما می دهد. خرد به شما شهرت می دهد و شما را مردم پسند می کند و این به شما شادی و آرامش را هدیه می دهد. خرد راهنمای همه چیز است و در دیار غربت همانند خویشاوندان است، خرد خداوندی بزرگ است. پادشاهان نیز خرد را ستایش می کنند و نه ثروت را، انسان بی خرد همانند حیوان است.

शान्तिश्चेत् कवचेन किं किमरिभिः क्रोधोऽस्ति चेद् देहिनां,

ज्ञातिश्चेदनलेन किं यदि सुहृद् दिव्यौषधैः किं फलम्।

किं सर्वैर्यदि दुर्जनाः किमु धनैर्विद्यानवद्या यदि,

ब्रिडा चेत् किमु भूषणैः सुकविता यद्यस्ति राज्येन किम्।।22।।

کُشَهَانُتِشَچِتْ کَوچِنَ کِمَ کِمَرَبُھَہَ کُرُو دُھُو اَسِتْ چِڈ دِھِنَام
گِیَا تِشَچِڈ تِلَن کِمَ یِد سَھَرْد دُویُو شَڈِھِہَ کِمَ پُھَلَم
کِمَ سَر پُر یِد دُر جَنَاهَ کِمَ دَھَن رُو دِیَا تَو دِیَا یِد
وَرْدَا چِتْ کِمَ بُھُو شَیَہَ سَکُو تَا یَدِیَسِتْ رَا جِیَن کِمَ

22. انسان بخشنده نیازمند زره ندارد، انسان عصبانی دشمن نیاز ندارد، انسانی که خویشان بد دارد نیازی به آتش ندارد، انسانی که دوست خوب دارد دارو نیاز ندارد، انسانی که در اطراف او انسان های شرور زندگی می کنند به مار نیاز ندارد، انسانی که خردمند است به ثروت نیاز ندارد، انسانی که شرم و حیا دارد و متواضع است زیور نیاز ندارد، انسان که شاعر خوب است و پادشاه سخن است پادشاهی دنیا شناخته شده ی او نیست.

दाक्षिण्यं स्वजने दया परजने शाठ्यं सदा दुर्जने,

प्रीतिः साधुजने नयो नृपजने विद्वज्जने चार्जवम्।

शौर्यं शत्रुजने क्षमा गुरुजने कान्ताजने धृष्टता,

ये चैव पुरुषाः कलासु कुशलास्तेष्वेव लोकस्थितिः।।23।।

دَاکُشَھِنِیَم سُو جَن دِیَا پَر جِن سَا تَھِنِیَم سَدَا دُر جِن
پُر یِیَہَ سَا دُھَجِن نِیُو نُر جِن وِدُو جِن چَار جَوَم
سُو رِیَم سَر جِن کُشَھَا گُر جِن کَا نَتَا جِن دَھَر شَنَتَا
یِ چُو پُر شَاه کَلَا سُ کُشَلَا سَتِشُو وُ لُو کُشَھِیَہ

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشتکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی ہری

(Bhartrihari's)

23. مردی کہ با خانواده اش مہربان است و با خدمتکارش بخشنده است، انسانی کہ با شخص بدذات خشن است و بدرفتار، آن مرد کہ با افراد خوب، رفتار خوب دارد، آن کہ با شاہ خردمند ہم نشینی می کند، و آن کہ با اہل خرد با خوبی و خوش رفتاری برخورد می کند، و آن کسی کہ با دشمنان خود دلیر است، و آن کہ با بزرگان بخشنده است، آن مرد با این کارہایش نامدار و مشہور می شود.

जाड्यं धियो हरति सिञ्चति वाचि सत्यं, मानोन्नतिं दिशति पापमपाकरोति।

चेतः प्रसादयति दिक्षु तनोति कीर्तिं, सत्सङ्गतिः कथय किं न करोति पुंसाम्।।24।।

جَادِیْم دُہیُو ہَرَتِ سِیْجَتِ وَاچِ سَتِیْم، مَانُوْنَتِیْم دِشَتِ پَاپَم اَپَاکَرُوْت
چَئَہ پُرسَاذِیْتِ یُکْشَہ تَنُوْتِ کِیْرَتِ، سِیْشَنگَتِہ کُتْہِی کِم نَ کُرُوْت پُئْسَام

24. جامعہ ی خوب تنبلی و کندذهنی مردمان را از آنها دور می کند و در حرف و عمل آنها راستی و صداقت می آورد. جامعہ خوب احترام و پیشرفت را برای مردمان بیشتر می کند، گناہ را از آنان دور می کند و دلہایشان را شادی می بخشد و آنان را در ہر زمینہ ای مشہور می کند. ببین کہ جامعہ ی خوب چہ کارہایی برای انسان می کند.

जयन्ति ते सुकृतिनः रससिद्धाः कवीश्वराः।

नास्ति येषां यशःकाये जरामरणजं भयम्।।25।।

جَیْئَنْتِ تَ سُوکُرَتِیْنِہ رَسَسِیْدُہَاہ کُویشُوْرَاہ
نَاسَتِ یَشَام یَشَہ گَاہِ جَرَامَرَنَجَم بَہِیْم

25. آن کہ قلبش پاک و صاف است و بزرگ، آن کہ مردی پاک دل است و شاعری توانا، آن کہ چنین بزرگ و سرفراز و بالندہ است، از پیری و مرگ نخواہد ترسید.

को लाभो गुणिसङ्गमः किमसुखं प्राज्ञेतरैः सङ्गतिः,

का हानिः समयच्युतिर्निपुणता का धर्मतत्त्वे रतिः।

कः शूरो विजितेन्द्रियः प्रियतमा कानुव्रता किं धनं,

विद्या किं सुखमप्रवासगमनं राज्यं किमाज्ञाफलम्।।26।।

کُو لَانِہُو کُنْسَنگَمَہ کِمَسُکْہَم پُرَاگِیْرَہ سَنگِیَہ
کَا ہَانِیَہ سَمَیْچُیْتِیْرَہ نِپُنَا کَا دَہَرْمَتُو رَتِہ
کَہ شُوْرُو وِجِیْتَدِیَہ پُرِیْتَمَا کَانُوْرَتَا کِم دَہْنَم
وَدِیَا کِم سُوکْہَمَیْرُو اسگَمَنَم رَاجِیْم کِمَاگِیَاہَلَم

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

26. سود و بهره چیست؟ زندگی کردن در اجتماع نیکان. غم و اندوه چیست؟ دوستی کردن با بدان احمق. از دست رفتن چیست؟ از دست رفتن فرصت های پدید آمده. موفقیت چیست؟ دوست داشتن کار نیک. دلیر چیست؟ آن که مسلط بر حواس خویش است. عزیزترین چیست؟ شخصی که وفادار به همسر خویش است. ثروت چیست؟ توانایی در خرد و دانش همان ثروت جاودان است. راحتی چیست؟ در کشور و مامن و جایگاه خوش زندگی کردن کمال آرامش است. پادشاهی چیست؟ پادشاهی آن که همه از یک پادشاه فرمان برداری کنند.

[iii]. سخن درباره ی شجاعت و احترام :

क्षुत्क्षामोऽपि जराकृशोऽपि शिथिलप्रायोऽपि कष्टं,
दशामापन्नोऽपि विपन्नदीधितिरपि प्राणेषु गच्छत्स्वपि।
मत्तेभेन्द्रविभिन्नकुम्भकवलयासैकवद्वस्पृहः,
किं जीर्णं तृणमत्ति मानमहतामग्रेसरः केसरि।।27।।

کُشْتُکُشْتَمَوَآپِ جَرَاکُشَوَآپِ شِیْثِیلَآپِ اَبَوَآپِ کُشْتَمَ
دَشَامَآپِنَنَوَآپِ وِیْپَنَن_دِیدِیْتِیرَآپِ پُرَانِشْ گُچْچَہُشَوَآپِ
مِیْہَہَنْدُرِ وَہِہْتِکُمَبْہَگُولَکُر_اسِکِند_ہَسَنِہَہ
کِمَ جِیْرَنَمَ تْرِنَمَتِ مَانَمَہْتَامَگُر_سَر_ہَ کِسرِ

27. شاه حیوانات شیر که شجاع و بی باک است، غذایش سر فیل است و او کمتر از سر فیل طلب نمی کند و کمتر نمی خواهد، حتی وقتی از گرسنگی ناتوان باشد، حتی اگر از پیری لاغر شده باشد، و یا وقتی غرق در قدرت باشد، و یا اگر بارنج و سختی رو به رو باشد، و حتی وقت مردن هم، او باز شیر است و سلطان جنگل و طبیعت و مزاج و بلند نظری و دلیری او از بین نمی رود، در هر حالتی که باشد به پستی و کمی قانع نمی شود، علف نمی خورد.

स्वल्पस्त्रायुवसावशेषमलिनं निर्मासमप्यस्थिकं,
श्चा लब्ध्वा परितोषमेति न तु तत्तस्य क्षुधाशान्तये।
सिंहो जम्बुकमङ्कमागतमपि त्यक्त्वा निहन्ति द्विपं,
सर्वः कृच्छ्रगतोऽपि वञ्छति जनः सत्वानुरुपं फलम्।।28।।

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی ھری

(Bhartrihari's)

سَوَلِیْسِنَا یَوَسَاوِشْشَمَلِیْمَ نِرْمَاسَمَپِیْسَنُھِگَم
 شَوَا لَبْذُھَوَا پَرَتُوشَمِتَ نَ تَنَسُیْ کُشْھَدُھَا شَانْتِی
 سِنُھو جَمُکُمَنُکَمَاکَمَبِ تِیْکُنُو نِھَلَتِ دُویْمَ
 سَرُوہ گُرچُھَر گَنُوآپِ وُلُچْھَتِ جَنَہ سَتُوآرِیْمَ پُھَلَم

28. سگ با تکه ای استخوان کثیف و بی گوشت و کهنه که حتی گرسنگی او را هم بر طرف نمی کند راضی می شود. این ذات سگ یا انسان کم شخصیت است، ولی شیر سلطان جنگل، گرسنه هم که باشد گوشت شغال را ترک کرده و گوشت فیل را می خورد. این ذات و طبع شیر یا انسان دلیر است که به چیزهای بی ارزش قانع نیست، در هر شرایطی و در هر وضعیت سخت هم هر کسی به طبق ذات و باطن خود رفتار می کند.

लान्ङलचालनमधश्चरणावपातं, भूमौ निपत्य वदनोदरदर्शनं च।

श्वा पिण्डस्य कुरुते गजपुङ्गवस्तु, धीरं विलोकयति चाटुशतैश्च भुङ्के।।29।।

لَانْگَلَا لَنْمَدُھَشْجَرِ نَاوِپَاتَمَ، بُوھومو نِپَتِیْ وَدَنُوذَرِشَنَمَ چ
 شَوَا پِنْدَسَیْ کُرَتِ گَجِپُنْگُوسْتُ، ذُھیرَمَ وَلُوگِیْتِ چَاتُشِشِچَ بُوھَنُکَتِ

29. سگ دم خود را برای کسی که به او غذا می دهد می جنباند، به پایش می افتد و می رقصد و دهان و شکم خویش را نشان می دهد و ذات انسان کم شخصیت هم مثل این می شود. اما فیل به آرامی بلند می شود و بعد از چندین بار نوازش غذای خود را از دست صاحبش می خورد، ذات و باطن انسان های بزرگ به مانند همان فیل است.

परिवर्तिनि संसारे मृतः को व न जायते।

स जातः येन जातेन याति वंशः समुन्नतिं।।30।।

پَرَوَرِیْنِ سَنَسَارِ مَرْتَه کو وَ نَ جَايَتِ
 سَنَ جَاتَه پَنَ جَاتِیْنِ یَاتِ وَنُشَه سَمُنِیْمَ

30. در این جهان که هر روز دگرگون می شود، چه کسی هست که بعد از مرگ دوباره متولد نشود؟ ولی تولد واقعی برای آن کسی است که با کار خوب خود، خود و خانواده اش را سر بلند کند.

कुसुमस्तवकस्येव द्वयी वृत्तिर्मनस्विनः।

मूर्ध्नि वा सर्वलोकस्य विशीर्येत वनेऽथवा।।31।।

کُسُمَسْتَبِکَسِیَوِ دُویِ وَرِیْرَ مَنَسُوْنَه
 مَوْرُذُھَنِ وَآ سَرُوْلُوگَسِیْ وَشِیْرِیْتِ وَنِ اَنْھَوَا

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَری

(Bhartrihari's)

31. تقدیر خردمند مثل گل است که یا بر روی سر مردم جایگاه بلندی دارد و یا در گوشه ای درسکوت و فراموشی و خاموشی پژمرده و فنا می شود.

सन्त्यन्येऽपि बृहस्पतिप्रभृतयः सम्भाविताः पञ्चषाः,

तान् प्रत्येष विशेषविक्रमरुची राहुर्न वैरायते।

द्वावेव ग्रसते दिवाकरनिशाप्राणेश्वरौ भास्वरौ,

भ्रातः पर्वणि पश्य दानवपतिः शीर्षावशेषाकृतिः॥३२॥

سَنَنْتَنِی اَب بُرْهَسْپَتِیْر بُهَرْتِیَہ سَمْبَہَاوَتَہ پَنْچَشَہ
تَان پُرْتِیش وِشْتوکرْمُرْچِ رَاہُرَن وَرَایَت
دَوَاوُ گَرَسَت دَوَاکَرَنِشَاپُرَانِشُورُ وِہَاسُورُ
بُہَرَاتَہ پُرُون پَشِی دَانَوِپَتِہ شِیْرشَاوِشِشَاکَرِتَہ

32. انسان بزرگ با کم زور و ناتوان نمی جنگد، این کار در ذات او نیست. ژوپیتِر (Jupiter) و پنج ستاره ی دیگر هم هستند ولی راہو ²² (Raahu) که علاقه مند به جنگیدن است، با آنها نمی جنگد، ولی او با خورشید و ماه می جنگد چون آنها قدرتمندتر از او هستند، راہو فقط سر دارد و فقط با سر خود با آفتاب و ماهتاب می جنگد، رفتار راہو ذات او را نشان می دهد که با ضعیف تر از خود نباید جنگید.

वहति भुवनश्रेणिं शेषः फणाफलस्थितां,

कमठपतिना मध्ये पृष्ठं सदा च धात्यते।

तमपि कुरुते क्रोडाधीनं पयोधिरनादरा-

अहह महतां निःसीमानश्चरित्रविभूतयः॥३३॥

وَهَتِ بُہَرْتِشْرَنَمْ شِشَہ پَہَنَایَہَاسْتِہَتَام
کَمْٹَہَپَتِیْنَا مَدْہِی پُرْشْتِہَمْ سَدَا چ دَہَاژَنِیْت
تَمپ کُرْت کُرودَاذِہِیْم پَیودَہَرَنَآدَرَا-
آہَہ مَہَتَام نِہَسِیْمَانَشْچَرِیْرُوہِہُوتِہ

33. انسان بزرگ، بزرگ زندگی می کند و کارهای بزرگ انجام می دهند، مثل : زمین که روی سر ماری بزرگ به نام شیشناگ (Sheshanaaga) است و آن مار روی پشت

²² راہو (Raahu) : نام یک دیو هندی است که فقط سر دارد.

چَنْدُرَ گُپْتِ بُهَارَتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرِتری هَری

(Bhartrihari's)

لاک پشتی سوار است و آن لاک پشت هم در دریا ی بزرگ شناور است. کار مردم بزرگ هم مثل کار مار و لاک پشت و دریا وسیع و بزرگ می شود.

वरं पक्षच्छेदः समदमघवन्मुक्तकुलिशः,

प्रहरैरुद्धच्छद्बहुलदहनोद्गारगुरुभिः।

तुषाराद्रेः सूनोरहह पितरि क्लेशविशे,

न चासौ सम्पातः पयसि पयसां पत्युरुचितः॥34॥

وَرَمَ پَکْشَنُپَهِدَ سَمَدَمَگْهَوْنُمُکْتِکُلِشَ
پَرَهَرِزْ دَگْچَهِدْ بَهِلْ دَهِنَوْدْگَارْ گُرُبْهَ
نُشَارْ اَدْرَه سُونُورَهَه پِترِ کِلِشَوُوشَ
نَ چاسو سَمپَاتَه پَیسِ پَیسَامَ پَتِیرُجَتَه

34. در خیلی قدیم ها تصور می شد که کوه همالیا (Himaalya) بال دارد و هر بار با فرود آمدن خود مکان ها و مردمان را آسیب می زد، پس اِندُر (Indra) خواست تا بال های هیمالیا را قطع کند، همالیا پسری به نام میناک (Menaaka) داشت، وقتی ایندر را برای قطع کردن بالهای هیمالیا رفت، میناک پدرش را تنها گذاشته و فرار کرد و به درون دریا پناه برد. کار او خوب نبود و او نباید پدر خود را تنها می گذاشت، حتی اگر بال هایش را از دست می داد نباید پدرش را تنها می گذاشت.

यदचेतनोऽपि पादैः स्पृष्टः प्रज्वलति सवितुरिनकान्तः।

तत्तेजस्वी पुरुषः परब्रह्मतनिकृतिं कथं सहते॥35॥

یَدَچَیتِنَو آپِ پَادَه سَپَرِشَتَه پَر جُولَتِ سَوُتِرِکَانَتَه
تَتِجَسَوُی پُرُشَه پَر پَتِنِکَرِیتَم گَنُهَم سَهتِ

35. انسان محترم مثل گوهر سُریکانت²³ (Suryakaanta) است، وقتی این گوهر جلوی آفتاب باشد نورانی می شود. همینطور انسان محترم در برابر بدی و بی احترامی دیگران نمی تواند ساکت و خاموش باشد و واکنش نشان می دهد.

सिंहःशिशुरपि निपतति मदमलिनकपोलभित्तिषु गजेषु।

प्रकृतिरियं सत्ववतां न खलु वयस्तेजसो हेतुः॥36॥

²³ سُریکانت (Suryakaanta) : اسم گوهری هندی که با قرار دادن در جلوی خورشید روشن می شود و بسیار می درخشد.

چُنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَری

(Bhartrihari's)

سِنْهَه شِشْرَبِ نِیْتِ مَدَمَلِکْوَلْهَشِ گِجْشِ
پُرْگَرِ تَرِیْمَ سَنَوَوَتَامَ نَ کْهَلْ وِیْسَنَجِسو هِنْهَ

36. بچه ی شیر به فیل جوان و نیرومند حمله می کند، شجاعت در ذات او است و برای شجاعت سن و سال مهم نیست. در هر سنی می تواند شجاع باشد.

एकेनापि हि शुरेण पादाक्रान्तं महीतलम्।

क्रियते भास्करेणोव स्फारस्फुरिततेजसा॥37॥

اِکْنَابِ هِ شُرِنَ پَادَاکْرَانْتَمَ مَهِیْتَلَمَ
کُرِیْتِ بْهَاسْکَرِنَوِ سَبْهَارَ سَبْهَرِ تَجَسَا

37. یک انسان شجاع و دلیر می تواند بر تمام جهان پیروز شود و می تواند همه چیز را به تسلط خود در آورد، مثل خورشید که یکتا است و با نور و روشنایی خود جهان را روشن می کند.

लज्जागुणौघजननीं जननीमिव स्वां, अत्यन्तशुद्धहृदयामनुवर्तमानाम्।

तेजस्विनः सुखमसूनपि सन्त्यजन्ति, सत्यव्रतव्यसनिनो न पुनः प्रतिज्ञाम्॥38॥

لَجَاکْنُوگْهَجَنَنِیْمَ جَنَنِیْمَوِ سَوَامَ، اَتِیْتَسُدْهَهرِ دِیَاْمَنُورِ تَمَانَامَ
تَجَسُوْنَه سَکْهَمَسُوْنِپِ سَنُتْجَنَنْتِ، سَنُیُورِ تَوِیْسَنِنُو نِ پَنَه پَرِ تِگْیَاْمَ

38. انسان محترم و راستگو، آن کس که وجودش سرشار از زیبایی و هنر است، می تواند از زندگی خویش بگذرد ولی از وعده و سخن خوب و رفتار خوب خود در هیچ شرایطی نمی تواند بگذرد.

[iv]. سخن درباره ی ثروت :

जातिर्यातु रसातालं गुणगणैस्तत्राप्यधो गम्यतां,

शीलं शैलतटात् पतत्वभिजनः सन्दह्यतां वह्निना।

शौर्यं वैरिणि वज्रमाशु निपतत्वर्थोऽस्तु नः केवलं,

येनैकेन विना गुणास्तृणलवप्रायाः समस्ता इमे॥39॥

جَاثِیْرَیَاْتِ رَسَاْتَالَمَ کُنْگِیْسَنْتَرِ اَپِیْدَهَوِ گَمِیْتَامَ
شِیْلَمَ شِیْلَتَاتِ پَتْتَوِیْجَنَه سَنْدَهَیْتَامَ وَهْنِیَا
شُورِی وَرِنَ وَجَرْمَاشِ نِیْتَنُورِ تَهَوَاسْتِ نَه کُولَمَ
پِنِکِنِ وَنَا کُنْاسْترِ نَلُورِ اَیَاهَ سَمَسْتَا اِمَ

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

39. بگذار که طبقه های اجتماعی نابود شوند و به زیر زمین برود، بگذار کیفیت و چگونگی از بین برود، بگذار ذات خوب از قله کوه های بلند به پایین سقوط کند، بگذار خویشاوندی و آشنایی بسوزد، بگذار شجاعت و بی باکی از بین برود، ثروت برای ثروتمند کافی است، چون خوبی خود تمام ثروت است.

यस्यास्ति वित्तं स नरः कुलीनः, स पण्डितः स श्रुतवान् गुणज्ञः।

स एव वक्ता स च दर्शनीयः, सर्वे गुणाः काञ्चनमाश्रयन्ति॥40॥

یَسْیَاسَتِ وَتَمَّ سَن نَرَه کُلِیْنَه، سَن پَنْدِیْتَه سَن شُرُتَوَان گُڤْتِیَه
سَن اَو وُکْتَا سَن چ دَرَشَنِیْیَه، سَرْو گُڤَاہ کَاچَنَمَاشْرِیْنَتِ

40. آن که برایش ثروتی است، همه ی بدی ها و ناتوانی ها یش با ثروت پوشانده می شود و همینطور طبقه ی اجتماعی اش، خردمند و دانشمند است و سخنان خوب بر زبان می آورد و خوش بین است، با ثروت می توان به اخلاق خوب و رفتار خوب رسید.

दौर्मन्त्र्यान्नृपतिर्विनश्यति यतिः सङ्गात् सुतो लालनाद्,

विप्रोऽनध्यनात् कुलं कुतनयाच्छीलं खलोपासनात्।

हीर्मद्यानवेक्षणादपि कृषिः स्नेहः प्रावासाश्र-

यान्मैत्री चाप्रणयात् समृद्धिरनयात् त्यागप्रमादाद्धनम्॥41॥

دُورْمَنْتْرِیَانْنُرِپَتِیْرَ وِیْنَشْیَتِی بَیْتَه سَن گَاثْ سَتُو لَالَنَآدْ
وِیْپْرَوَآنْدَهْیَنَآثْ کُلْمْ کُتْنِیَاچْچِیْلْمْ کُھْلُوپَاسَنَآثْ
هَرِیْرْمَدِیَانَوکُشْهَنَآدِپِ کُرْشِیَه سَنْهَه پُرَاوَسَآشْر-
یَانْمِیْترِی چَآپْرَنِیَاثْ سَمْرُدْهَرَنِیَاثْ نِیَاگِیْرَ مَادَاذْدَهْنَمْ

41. پادشاه با مشورت نادرست سلطنتش را از دست می دهد. انسان خوب سیرت با هم نشین و هم صحبتی با گروه بد، سیرت خویش را از دست می دهد. پسر با لوس کردن و ناز و نوازش زیاد و الدین. بد عادت می شود، دانشجو با درس نخواندن و تنبلی از مسیر خود منحرف می شود. خانواده با داشتن دختر بد سیرت، فرو می باشد. حیا با نوشیدن می از دست می رود. کشاورزی با کم کاری و بی توجهی خراب می شود. عشق با زندگی دور از وطن از دست می رود. دوستی در رابطه ای که در آن عشق نباشد، نابود می شود. شکوفایی و پیشرفت با بد رفتاری به پایان می رسد، و ثروت با ولخرجی تمام می شود.

چَنْدُرَ گُپْتِ بُهَارَتِیَہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرُتْرِی ہَرِی

(Bhartrihari's)

दानं भोगो नाशस्तिस्त्रो गतयो भवन्ति वित्तस्य।

यो न ददाति न भूङ्क्ते तस्य तृतीया गतिर्भवति।।42।।

دَانَمَ بُھُوگو نَاشَسْتِیَسْتُرُو گَتِیَو بُھَوْنَتِ وِتْسَی
یَو نَ دَدَاتِ نَ بُھَوْنَتِ تْسَی تْرِتِیَا گِتِیَرِ بُھَوْتِ

42. برای ثروت سه حالت است: اول اینکه برای نیکوکاری و در راه خیر خرج شود، دوم اینکه برای تفریح و خوشی صرف بشود، و سوم آن است که کسی ثروتش را در راه خیر و نیک و در راه خوش صرف کند پس آن ثروت نابودی می گیرد.

मणिः शणोल्लीढः समरविजयी हेतिदलितो,

मदक्षीवो नागः शरदि सरितः श्यानपुलिनाः।

कलाशेषश्चन्द्रः सुरतमृदिता बालवनिता,

तन्निम्ना शोभन्ते गलितविभवाश्चार्थिषु नराः।।43।।

مَنَه سَنَوَلِیْذَهَه سَمَرَوِجِی هِیْتِلَو
مَدَکْشِیَو نَاگَه شَرَدِ سَرِیْتَه شِیَانِپُلِیْنَاه
کَلَاشِیَسْتِچَنْدُرَه سُرَتَمَرِیْتَا بَالَوْنِیَا
تَانِمْنَا شَوْبَهْنَتِ گَلِیَو بُھَو اشْجَارِ نِیْشُ نَرَاه

43. گوهر بعد از جلا دادن، پیروز میدان جنگ با زخم خوردن، فیل بعد از بالغ شدن، رودخانه بعد از پاییز، ماه نو بعد از بخشش گنجینه ها ی خود زیبا می شوند، برای زیبا شدن باید چیزی را از دست داد.

परिक्षीणः कश्चित् स्पृहयति यवानां प्रसृतये,

स पश्चात् सम्पूर्णः कलयति धरित्रीं तृणसमाम्।

अतश्चानैकान्त्याद् गुरुलघुतयाऽर्थेषु धनिना-

मवस्था वस्तूनि प्रथयति च सङ्कोचयति च।।44।।

پَرِگْشِیْنَه کَشْچِیْت سِپْرِهَیْتِ یَوَانَام پُرَسُرَتِی
سَ پَشْچَات سَمِیَوْرَنَه کَلِیْت دَھَرُتْرِیْم تْرِسَمَام
اَتَشْچَانِگَانْتِیَا د گُرَلِگْهَیْتَا اَرِشْ دَھِنَا-
مَوَسْتَهَا وِسْتُونِ پُرِشْهَیْتِ چَ سَنَکُوچِیْتِ چَ

چَنْدَر گپْت بُهَارْتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَری

(Bhartrihari's)

44. فقیر در وقت غذا خوردن یک دانه برنج را هم با ارزش می داند: ولی وقتی ثروتمند می شود، همه جهان و مردمان برای او مثل دانه برنج بی ارزش می شود. در این دنیا هر چیزی هم می تواند با ارزش باشد و هم بی ارزش. پس در این دنیا چیزی ارزشمند است که کار با آن تمام شود و چیزی بی ارزش است که کار با آن تمام نشود.

राजन दुधुक्षसि यदि क्षितिधेनुम् एतां, तेनाद्य वत्समिव लोकममुं पुषाण।

तस्मिंश्च सम्यगनिशं परिपोष्यमाणे, नानाफलैः फलति कल्पलतेव भूमिः॥45॥

رَاجَن دُدُھُکُشَسِ یَدِ کُشَیْتِذْهُنُْم، تَنَادَی وَتَسْمَو لُوکَمَمُ پُشَان
تَسْمِشْچَ سَمِیگَشِشْم پَرِپُوشِیْمَان، نَانَاپَلَهَ پُھَلَتِ کَلْپَلَتَو بُھُومَه

45. ای پادشاه! با زمین های تحت فرمانت مثل گاو ها رفتار کن، اگر گوساله شیر گاو را بخورد، شیر دهی گاو بیشتر می شود. یعنی هر چه مردمان سرزمینت محصول بیشتری از زمین بگیرند زمین بارورتر می شود و زمین ها بت همیشه سبز مثل درخت کَلْپَلاتا²⁴ (Kalpalataa) خواهند بود.

सत्यानृता च परुषा प्रियवादिनी च, हिंसा दयालुरपि चार्थपरा वदान्या।

नित्यव्यया प्रचुरनित्यधनागमा च, वाराङ्गनेव नृपनीतिरनेकरुपा॥46॥

سَتِیَانُرِتَا چ پَرُشَا پَرِیَوَادِنِی چ، هِیْنَسَا دِیَالُورِپِ چَارْتِپَرَا وَدَانِیَا
نِیْتِیَوِیَا پُرُچَرَنْتِیذْهَنَاگَمَا چ، وَارَاَنْگَنُو نُرِپَنِیْتِرِنِکُرُپَا

46. از سیاست ها ی شاهی این است که او گاهی راستگو و گاهی دروغگو، گاهی درشت گو و گاهی خوش سخن و مهربان، گاهی خسیس و گاهی بخشنده، گاهی حریص می شود و گاهی ثروتش را صرف نیکوکاری می کند، گاهی ثروت و مال به دست می آورد و گاهی آن را از دست می دهد. سیاست ها ی پادشاهی مثل فکر کسی که به هر سو می رود، قابل تشخیص نیست.

आज्ञा कीर्तिः पालनं ब्राह्मणानां दानं भोगः मित्रसंरक्षणं च।

येषामेते षड्गुणा न प्रवृत्ताः कोऽर्थस्तेषं पार्थिवोपाश्रयेण॥47॥

اَگْنِیَا کِرْتِیَهَ یَالَنَم بُرَاهْمَنَانَام دَانَم بُھُوگَه مِترَسَنْرُکُشَنَهَم چ
پَشَامِتِ شَدْگَنَا نَ پَرُورْتَاهَ کَوَارْتِشَیْتِشْم پَارْتِهُووَپَاشْرَیَن

²⁴ کَلْپَلاتا (Kalpalataa) : اسم یک نوعی درخت هندی که همیشه سبز است.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی ھَرِی

(Bhartrihari's)

47. حکم کردن، شهرت، امنیت برای خردمندان (بِرَاهْمَن²⁵ - Braahamana)، بخشش و نیکوکاری، خوشگذرانی، و حمایت و نگهداری از دوستان و دوستی: آن گاه که این شش خصوصیت با پادشاهی نباشد، در پناه آن پادشاه هیچ سودی نیست.

यद्वात्रा निजभालपट्टलिखितं स्तोकं वा महद्वा धनं,

तत् प्राप्नोति मरुस्थलेऽपि नितरां मेरौ ततो नाधिकम्।

तद्धीरो भव वित्तवत्सु कृपणां वृत्तिं वृथा मा कृथा,

कूपे पश्य पयोनिधावपि घटो गृह्णाति तुल्यं जलम्। 48।

يَذْهَبَانِ رَا نَجَبَالِطَلِّكَهْتَم سَنُوكَم وَ مَهْدُوا دَهْنَم
تَتْ بِرَايْنُوت مَرْسُتْهَل اِبِ نِتْرَا مَرْو تَتُو نَادِهِيَكَم
تَنْدَهِيَرُو بَهْو وَ تَوْنُسْ كَرْ پِنَام وَرْتَم وَرْتَهَا مَا كَرْتَهَا
كُوبِ پَسِي پَيُونْدَهَاوِبِ كَهْتُو كَرْ هُنَاتِ تَلِيَم جَلَم

48. خداوند ثروت را برای همه مردمان مقرر کرده است، و آن در سرنوشت انسان ها است. اگر ثروتی باید به دست شما برسد حتی اگر در بیابان هم باشد آن را بدست خواهید آورد، ولی اگر آن ثروت در سرنوشت و تقدیر شما نباشد آن را حتی در کوه طلا ی سُمِرُ²⁶ (Sumeru) هم بدست نخواهید آورد. پس صبور باش و به ثروتمند حسادت نکن، ببین: اینکه با یک کوزه از دریا فقط به اندازه ی یک کوزه می توان آب برداشت و نه بیشتر.

तानीन्द्रियाण्यविकलानि तदेव कर्म, सा बुद्धिरप्रतिहता वचनं तदेव।

अर्थोष्मणा विरहितः पुरुषः क्षणेन, सोऽप्यन्य एव भवतीति विचित्रमेतत्। 49।

تَانِيَنْدِرِيَانِيَوِکَلَانِ تَدُو کَرَم، سَا بُدْدهِرِ پَرْتَهَنَّا وَ چَنْم تَدُو
اَرْتَهوشْمَنَّا وَرْتَهَ پُرْشَه کُشْنَهِن، سَوَپْنِي اَو بَهْوْنِيْتِ وَ چَنْرَمِئْتِ

49. وقتی انسان در فقر، ثروتمند می شود در آن شخص همه چیز مثل قبل هست: رفتارش، حرف هایش، خردش و دیگر چیزها، ولی تنها چیزی که در آن شخص عوض می شود خود اوست.

[v]. سخن درباره ی شخص بد ذات و نادرست :

²⁵ بِرَاهْمَن (Braahamana) : قبلاً در هند کسی را که درس می دهد و درس می گیرد خردمند و برهمن می نامند.

²⁶ سُمِرُ (Sumeru) : اسم کوهی هندی که در داستان های هندی به نام کوه طلا گفته شده است.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیپیشنگم

(Nitishatakam)

بھرتری هری

(Bhartrihari's)

अकरुणत्वमकारणविग्रहः परधने परयोषिति च स्पृहा।

सुजनबन्धुजनेष्वसहिष्णुता प्रकृतिसिद्धमिदं हि दुरात्मनाम्॥50॥

اَكْرُنُوْ مَكَارَتُوْ كَرِهَهَ پَرْدَهْنِ پَرِیُوشِتِ چَ سَبِرْ هَا
 سَجَنْبَنْدُ هَجَنْشُو سَهَشَنْتَا پَرُكْرِ تَسِدْدُ هِمْدَمْ هَ دُرَاثْمَنَامْ

50. سنگدلی و قساوت و بی رحمی و پرخاش با دیگران و دست درازی به ناموس و مال دیگران و خواستن آنها برای خود با نیکان به بدی رفتار کردن و با خانواده بد خلقی کردن، تمام اینها رفتار شخص بد ذات و نادرست است و این ذات انسان بد است.

दुर्जनः परिहर्तव्यो विद्यालङ्कृतोऽपि सन्।

मणिना भूषितः सर्पः किमसौ न भयङ्करः॥51॥

دُرْجَنَهَ پَرِهَرْتَوِیَوِ وِذِیَالَنْکُرَتَوَآپِ سَنْ
 مَنِیْنَا بُهَوِشْتَهَ سَرِپَهَ کِمَسَوِ نَ بُهَیْنِکَرَهَ

51. شخصی را که خردمند و دانشمند است اما خبیث و بد ذات هم هست از او دوری کن، او مثل ماری است که گوهر بر دهان دارد ولی آیا باوجود گوهر، آن مار خطرناک نیست؟

जाड्यं हीमति गण्यते व्रतरुचौ दम्भः शुचौ केतवं,

शूरे निर्घृणता मुनौ विमतिता दैत्यं प्रियालापिनि।

तेजस्विन्यवलिप्तता मुखरता वक्तव्यशक्तिः स्थिरे,

तत्को नाम गुणो भवेत्सगुणिनां यो दुर्जनैर्नाङ्कितः॥52॥

جَادِیْمَ هُرِیْمَتِ گَنْیَتِ وُرْتَرُچُو دَمْبَهَ شُچُو کِتَوَمْ
 شُورِ نِرْغْهَرِنَتَا مُنُو وِمَتِیَا دِیْمِ پُرِیَا لَآپِنِ
 تَجَسْوِنِیَوِ لَیْمَتَا مُکْهَرِنَا وُکْتَرِیَسْکَیَهَ سَئِهَرِ
 تَتْکُو نَامْ گُو بُهَوِشْگِنِیْنَامْ یُو دُرْجِنَرِنَا نَکِئَهَ

52. وقتی ذات شخصی پلید و بد است او کارهای انسان های خوب را بد و زشت می پندارد، چون ذات و طبیعت خراب و ناپاک است. وقتی شخصی پاک و خوش است و شرم و حیا دارد شخصی بد ذات او را احمق می پندارد، وقتی انسان پاک خدا را عبادت می کند مردی ناپاک آن را غرور نام می نهد، وقتی که انسان نیک در سکوت و خموشی هست شخصی بد ذات آن را بی خردی و نادانی می انگارد، وقتی که انسان خوب و خوش

چَنُद्र گُپְت بُهَارْتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَری

(Bhartrihari's)

ذات سخنی رسا و شیوا و شیرین بیان می کند، بد ذات آن را فقر و پستی می پندارد، چون که شخصی پاک دل رفتار معصوم و خوب دارد، آن بدذات او رامغرور و خودخواه می نامد، پس خوش ذات چه بکند تا بدذات کار او را خوب بیندارد؟

लोभश्चेदगुणेन किं पिशुनता यद्यस्ति किं पातकैः,
सत्यं चेत् तपसा च किं शुचि मनो यद्यस्ति तीर्थेन किम्।
सौजन्यं यदि किं गुणैः सुमहिमा यद्यस्ति किं मण्डनैः,
सद्विद्या यदि किं धनैरपयशो यद्यस्ति किं मृत्युना॥53॥

لُوبْهَشْچِدْگُنَیْنِ کِمِ پِشُنَتَا یَدِیْسْتِ کِمِ پَاتَکَ
سَتِیْمَ چِتْ تِپْسا چَ کِمِ شُچِ مَنو یَدِیْسْتِ تِیْرْتِیْهَ کِمِ
سُوجَنْیَمَ یَدِ کِمِ گُنَیْهَ سُمَهْمَا یَدِیْسْتِ کِمِ مَنْدَنَیْ
سَدُودِیَا یَدِ کِمِ دَهَنْرِپِیْسُو یَدِیْسْتِ کِمِ مَرْتِیْنَا

53. برای شخص حریص و آزمند نابکاری لازم نیست، براب فضول و بدگو گناه لازم نیست، برای شخص درستکار و راستگو توبه لازم نیست، برای آن که دلی پاک دارد زیارت لازم نیست، انسان خوب به کسی نیاز ندارد، اگر مشهور به خوبی و درستکار هست پس ثروت برایش لازم نیست، و برای شخص بدنام مرگ لازم نیست، او در بدنامی خودش مرده است.

शशी दिवसधूसरो गलितयौवना कामिनी,
सरो विगतवारिजं मुखमनक्षरं स्वाकृतेः।
प्रभुर्धनपरायणः सततदुर्गतः सज्जनो,
नृपाङ्गणगतः खलो मनसि सप्त शल्यानि मे॥54॥

شَسِ دُوسَدُهوسَرُو گَلَنیَوَنَا گامینی
سَرُو وِگَتَوَارِجَمَ مُکْهَمَنَگْشَهَرَمَ سَوَاکْرَتَیْ
پَرِبُھَدَهَنْپَرِایَنَ سَتَنْدُرْگَنَیْ سَجَنْو
نُرِپَانْگَنگَنَیْ کْهَلُو مَنَسِ سَپْتِ شَلِیَانِ م

54. ماه کم نور در روز، زن زیبایی که جوانی او گذشته است، استخر بدون نیلوفر آبی، دهان و صورت زیبا بدون خرد ودانش، مالکی که همیشه به دنبال جمع کردن ثروت است، انسان خوبی که همیشه دشواری برایش پیش می آید، و بدذات که به دربارش راه یافته است : این هفت چیز در قلب شاعر مثل خاری فرو می رود و آن را سوراخ می کند و رنج می دهد.

न कश्चिच्चण्डकोपानामात्मीयो नाम भूभुजाम्।

होतारमपि जुह्वानं स्पृष्टो दहति पावकः॥55॥

ن كَشْچَنْدُكُوپَانَامَاتْمِيَو نَام بھُوبھُجَام
هُوتَارَمپِ جُھَوَانَم سَپْرِشْتُو دَھتِ پَاوَكَ

55. کسی با شاه عصبانی نمی تواند زندگی کند، مثل آن شخص آتش پرست که حتی اگر آتش را بپرسد، اگر دست خود را در آتش ببرد آتش آن را می سوزاند.

मौनान्मूकः प्रवचनपटुर्वीतुलो जल्पको वा,

धृष्टः पार्श्वे वसति च सदा दूरतश्चाप्रगल्भः।

क्षान्त्या भीरुर्यदि न सहते प्रायशो नाभिजातः,

सेवाधर्मः परमगहनो योगिनामप्यगम्यः॥56॥

مَوْنَانْمُوكَه پَرُوچَنْپِٹُرُوَاتْلُو جَلْپُكَو وَ
دَھْرَشَنَه پَارَشْو وَسْتِ چ سَدَا دُورَتَشْچَاپْرِگْلَبْهَه
كَشْهَانْتِيَا بھِيرُيْدِ ن سَھْتِ پْرَايشُو نَابْهَجَاتَه
سَوَا دَھْرَمَه پَرَمْگَهْنُو يُوگْنَامَپْیَگْمَیَه

56. خدمت کاری بزرگ است که برای انسان بزرگ انجام آن مشکل است اما شخص بدذات این را نمی فهمد و با خردمند بد رفتاری می کند، چون که خدمت کار ساکت است بدذات او را لال می پندارد، چون که حرف می زند بدذات او را پر حرف می پندارد، چون که نزدیک بیاید بدذات او را پر رو می پندارد، چون که دور بشود نادرست او را بیکار می پندارد، چون که تسلیم می شود بدذات او را بزدل می پندارد، چون گذشت نکند نادرست او را بدذات می پندارد، انجام این کار حتی برای یک انسان بسیار پاک دل و بی گناه و زحمتکش مشکل است.

उद्भासिताखिलखलस्य विश्वह्वलस्य प्राग्जातविस्तृतनिजाधमकर्मवृत्तेः।

दैवादवाप्तविभवस्य गुणद्विषोऽस्य नीचस्य गोचरगतैः सुखमाप्यते कैः॥57॥

اُدْبَاسِيتَاكْهَلْکْهَلْسِي وَشْرُنْکْهَلْسِي پَرَاگْجَاتُوسْتَرْتَبْجَادْهَمْکَرْمُورْتَه
دَوَادُوپْتُوْبْهُوسِي گَنْدُوشُوآسِي نِيچَسِي گُوچَرْگَتِه سَکْهَمَانِيْتِ کِه

چَنْدَر گُپْت بُهَارَتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَری

(Bhartrihari's)

57. هیچ کس با شخص بدذات شاد نمی شود، خبیث همان است که آتش تمام بدی ها را روشن می کند، او کارهای بد زندگی قبل خود را در این زندگی دوباره گسترش داده و اثر آنها بر زندگی جدید او نمایان است، بد ذات همان است که بوسیله ی لطف خداوند و از خوش بختی ثروت اندوخته، با چنین شخص بدذاتی چگونه می توان شادی کرد و خوش بود؟

आरम्भगुर्वी क्षयिणी क्रमेण लघ्वी पुरा वृद्धिमती च पश्चात्।

दिनस्य पूर्वार्धपरार्धभिन्ना छायेव मैत्री खलसज्जनानाम्।।58।।

آرَمْبَهگُزَوِی کُشَهیَنی گُزَمِنَ لَگْهَوِی پُرا وُرَدْدَهَمَتی چ پَشْچَاث
دِئَسَی پُورُورُادْهَهیَرَازْدَهَهیَنَا چْهَپُو مِثْرَی کْهَلَسَجْجَانَام

58. تفاوت انسان بد ذات با انسان خوش ذات مثل تفاوت سایه ی نیمه اول روز و نیمه دوم روز است. یعنی دوستی با خبیث مثل سایه ی نیمه اول روز در آغاز بزرگ می شود و بعد کم کم کوچک می شود ولی دوستی با شخص خوش ذات مثل سایه ی نیمه دوم روز در آغاز کوچک است و در بعد رفته رفته بزرگ می شود.

मृगमीनसज्जनानां तृणजलसन्तोषविहितवृत्तीनाम्।

लुब्धकधीवरपिशुना निष्कारणवैरिणो जगति।।59।।

مُرْگَمِیَنَسَجْجَانَام تَرَنَ جَل سَنُتُوش وَهت وُرْتِیَنَام
لُبدْهَکْذِهیُورِپِشْنا نِشْکارَنُورَنُو جَگَتِ

59. آهو و ماهی و انسان از این دنیا به جز علف و آب و قناعت چیز بیشتری نمی خواهد، صیاد و مرغ ماهی خوار و انسان بدذات و خبیث بی هیچ بهانه و دلیلی با آن دشمنی می کند.

[vi]. سخن درباره ی انسان نیک :

वाञ्छा सज्जनसङ्गमे परगुणे प्रीतिगुरौ नम्रता,

विद्यायां व्यसनं स्वयोषिति रतिर्लोकापवादाद्भयम्।

भक्तिः शूलिनि शक्तिरात्मदमने संसर्गमुक्तिः खले,

येष्वेते निवसन्ति निर्मलगुणास्तेभ्यो नरेभ्यो नमः।।60।।

چَنُدر گُپْت بَهَارَتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُهرِ تری هَری

(Bhartrihari's)

وَأَنْجَاهَسَجَسَنَگَمِ پَرِگَنِ پَرِیَزْگَرُو نَمَرَتَا
وَذِیَايَاَمَ وَیَسَنَمَ سَوِیو شَبِ رِیَزْ لَوَکَاوِ اَدَا ذَبْهَنِمَ
بُهَکَنَیَ سَوِلِنِ شَکَرِ اَشْمَدَمِنِ سَنَسَرْ گَمَکَنَیَ کَهَلِ
پِشَوِبِ نَوَسَنَتِ یَزْمَلْگَنَاسِیَبْهَیَوِ نَرِیَهَیَوِ نَمَه

60. احترام و درود بر آن کسی که دارنده ی ذات پاک است، آنکه در جمع نیکان است، به خوبی دیگران خوشنود است، به بزرگان احترام می گذارد، دوستدار دانش و خرد است، با همسر خود خوشحال است، از سرزنش و نیکویش مردمان خودداری می کند، خداپرست و دین دار است، حواس خود را کنترل می کند، از جمع بدکاران به دور است، چنین انسان خوش ذات و پاکی شایستگی درود و سلام و ادب است.

विपदि धैर्यमथाभ्युदये क्षमा सदसी वाक्पटुता युधि विक्रमः।

यशसि चाभिरुचिर्व्यसनं श्रुतौ प्रकृतिसिद्धमिदं हि महात्मनाम्॥61॥

وِیْدِ دَهْرَیْمَنَهَائِبْهَیْدَیْ کُشْهَمَا سَدَسَیْ وَاکْبُتْا یُذَهْ وَکَرْمَه
یَشَسِ چَاپْهَرْ چَرُو یَسَنَمَ شَرُتُو پَرِکَرِیْسَدْهَمَدَمَ ه مَهَاتْمَنَام

61. صبر کردن در ناسازگاری و شرایط سخت، بخشش در زمان شکوفایی و پیشرفت، در جمع سخن خوب گفتن، شجاعت داشتن در میدان جنگ، علاقه داشتن به ادبیات و هنر، این ها تمام خصوصیات یک انسان نیک کردار و نیک سرشت است.

करे श्लाघ्यस्त्यागः शिरसि गुरुपादप्रणयिता,

मुखे सत्या वाणी विजयि भुजयोर्वीर्यमतुलम्।

हृदि स्वच्छा वृत्तिः श्रुतमधिगतं च श्रवणयोः,

विनायैश्वर्येण प्रकृतिमहतां मण्डनमिदम्॥62॥

کَر شَلَاگْهَیْسَنَیَاگَهْ شِرَسِ گُرُپَا دَپَرِ نَیْتَا
مُگْه سَنَیَا وَانِی وَجِی بُهَجِیوَرُو بَرِیْمَنَلَمَ
هَرِدِ سَوِجْجْهَا وَرِیْهَ شَرُتْمَدْهَگَنَمَ چَ شَرُو نَیَوَه
وَنَایِشَوَرِیْنِ پَرِکَرِیْمَهَنَامَ مَنَدَمِ

62. کسی که ثروتش را در راه نیکو کاری و در راه خیر و کمک خرج می کند، کسی که بزرگان را ستایش می کند، کسی که راستگو است، آن که شجاع و دلیر است، از عمق وجود خود و با قلب و جان خود رفتارش نیک است، آن که همواره در حال فراگیری دانش و خرد است، چنین انسانی به دلیل ذات بزرگ خود، بزرگوار و قابل احترام می شود، تمام این خصوصیات برای انسان نیکوکار مثل جواهرات و زیور آلات است.

چَنْدُرَ گپْتِ بهارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هری

(Bhartrihari's)

प्राणाघातान्निवृत्तिः परधनहरणे संयमः सत्यवाक्यं,
काले शक्त्या प्रदानं युवतिजनकथामूकभावः परेषाम्।
तृष्णास्त्रोतोविभङ्गो गुरुषु च विनयः सर्वभूतानुकम्पा,
सामान्यः सर्वशास्त्रेष्वनुपहतविधिः श्रेयसामेष पन्थाः॥63॥

پُراناگھاتاَنوَرْتِهَ پَرَدَهَنَهَرَن سَنِيْمَه سَنِيواگِيْم
کَال سَنگِنِيَا پُرَدَانَم يُوْتَجَنگَنهاْموگِنهاْوَه پَر شَام
نُر شَناسَنرُو نوو بُهَنگو گُر ش چ و نِيَه سُرُو بَهو تَانگَمِيَا
سَامَانِيَا سُرُو شَاسَنر شُو نِيَهو ذِهَه شُرِيَسَامِش پَننْهاَه

63. کسی که از مرگ ترسد، آن که ثروت و دارایی دیگران را دوست ندارد، هم او که همیشه راسگو است، همیشه با همه ی توان و نیروی خود برای نیکوکاری آماده است، با همسر خود راضی و شاد است و به داشته ی دیگران دست درازی نمی کند، حریص و طمع کار نیست، با بزرگان با احترام رفتار می کند، با همه ی جانداران مهربان و همدرد است، در تمام نوشته ها و سخنان ادبی درباره ی چنین کسی گفته اند آن که نیکوکار است، راه او همیشه به نیکوکاری و خوبی ختم می شود.

सम्पत्सु महतां चित्तं भवत्युत्पलकोमलम्।

आपत्सु च महाशैलशिलासङ्घातकर्कशम्॥64॥

سَمپَتْسُ مَهَتَام چِتَم بَهو نِيَبِلگو مَلَم
اَپَتْسُ چ مَهاشِلشِلَا سَنگَهَاتكَر كَشَم

64. دل انسان بزرگ در زمان ثروتمندی مثل نیلوفر آبی ملایم می شود و در وقت بد مثل سنگ کوه سخت می شود.

प्रिया न्याय्या वृत्तिर्मलिनमसुभङ्गेऽप्यसुकरं,
असन्तो नाभ्यर्थाः सुहृदपि न याच कृशधनः।
विपद्युच्चैः स्थेयं पदमनुविधेयं च महतां,
सतां केनोद्दिष्टं विषममसिधाराव्रतमिदम्॥65॥

چَنْدَر گُپْت بُهَارْتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

پُرِیا نِیایَا وَرِیْرَمَلَمَسْبُھَنگِ نِیْسَکَرَم
 اَسْتُو نَابُھِیْرُھِیَاہ سُبُھَنگِ نِیا چ گُرشْدھَنہ
 وَپَدِیچَہ سُبُھِیْم پَدَمُوڈھِیْم چ مَھتَام
 سَتَام کِنُوڈِیْسْتَم وَشَمَمَسِیڈھَاں اَوْرَتِیْم

65. آن کہ رفتار و قضاوتش عاوانہ است، آن کہ از ترس مرگ ہم حتی کار بد نمی کند، آن کہ از انسان بدذات هیچ خواسته ای ندارد، همان کہ از دوست فقیر و ندار خود ہم چیزی نمی خواهد، آن کسی کہ حتی در بدترین و سخت ترین زمان ها ترس به خود راه نمی دهد، آن کسی کہ دنباله رو و پیرو انسان های بزرگ است، انجام تمام این کارها مثل راه رفتن بر روی لبه ی تیز شمشیر است، آیا کسی این ها را به انسان نیکوکار یاد داده است؟ این ذات و درون آن نیکوکار است کہ تمام این خوبی ها را آفریده و خلق کرده است.

प्रदानं प्रच्छन्नं गृहमुपगते सम्भ्रमविधिः,

प्रियं कृत्वा मौनं सदसि कथनं चाप्युपकृते।

अनुत्सेको लक्ष्म्यामनभिभवगन्थाः परकथाः,

सतां केनोद्दिष्टं विषममसिधाराव्रतमिदम्॥66॥

پُرْدَانَم پُرچُچْھَنَم گُرْھَمُپْگَت سَمْبُھَرْمُوڈھِہ
 پُرِیْم گُرتُوا مَوْنَم سَدَسِ کُتھَنَم چَانِیْبِگُرت
 اَنُتْسِکُو لَکْشْمِیَامَبُھِیْرُھِیْگُندْھَاہ پُرکُتھَاہ
 سَتَام کِنُوڈِیْسْتَم وَشَمَمَسِیڈھَاں اَوْرَتِیْم

66. کارنیکو کردن و بخشش مال و کمک به دیگران بصورت پوشیده، تکریم و احترام مهمان، انجام نیک و خیر در خفا و پنهانی، نداشتن غرور حتی در زمان ثروتمند بودن، با دیگران با بدی صحبت نکردن، بد گویی دیگران را نکردن، تمام این کارها مثل راه رفتن بر روی لبه ی تیز شمشیر است، آیا کسی این ها را به انسان نیکوکار یاد داده است؟ این ذات و درون آن نیکوکار است کہ تمام این خوبی ها را آفریده و خلق کرده است.

सन्तसायसि संस्थितस्य पयसो नामापि न ज्ञायते,

मुक्ताकारतया तदेव नलिनीपत्रस्थितं राजते।

स्वात्यां सागरशुक्तिमध्यपतितं तन्मौक्तिकं जायते,

प्रायेणाधममध्यमोत्तमगुणः संसर्गतो जायते॥67॥

چَنْدَر گپْت بُهَارْتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

سَنْتِپَتَایِس سَنْسُتْہَتْسَی پَسِو نَامَپِ نَ گِیَاِیت
 مُکْٹَاکَارتِیا تَدِو لَنَیپِتر سَنْہَتَم رَاچَتِ
 سَوَاِتیام سَاگَر شَکْتِمَدْہِیپِیتَم تَنَمُوکَکَم جَاِیتِ
 پُرَاپِنَاڈْہَمَدْہِیْمُو تَمَکَنَہ سَنْسَر گُتُو جَاِیتِ

67. رفتار و ذات انسان ها بر سه قسم است: ذات زیر و ذات میان و ذات بلند. وقتی انسانی با انسانی که ذات پست دارد زندگی می گذارد پس ذات او نیز پست می شود این ذات انسان زیر است، اگر با شخصی که ذات میان دارد زندگی بکند ذات او نیز میانه می شود، چون با شخصی بلند مرتبه و خوش ذات زندگی می کند ذات او نیز بلند مرتبه می شود. این رفتار و ذات انسان مثل رفتار آب است، به چند دلیل: چون که آب بر روی آهن گداخته ریخته می شود بخار می شود، چون که آب بر روی برگ نیلوفری ریخته می شود مثل گوهری روشن می شود و می درخشد، و چون آب در زمان سَوَاتِی نَکْشَتْر²⁷ (Swaati nakshatra) در درون صدف گرد می آید حاصل آن گوهری ارزشمند می شود.

यः प्रीणयेत्सुचरितः पितरं स पुत्रो,

यद्भर्तुरेव हितमिच्छति तत् कलत्रम्।

तन्मित्रमापदि सुखे च समक्रियं यद्,

एतत् त्रयं जगति पुण्यकृतो लभन्ते॥68॥

یَہ پُرِیْنِشُجَرْتَه پَنَرَم سَن پُتْرُو
 یَدْبھَرْتُرُو ہِتَمِچْچَہِتِ تَت کَلْترَم
 تَنَمُتْرَمَپَدِ سَکْہ چ سَمْکَرِیْم یَد
 اِت تَترِیْم جَگَتِ پُنِیْکَرِتُو لَبْہَتِ

68. آن پسری که مطیع و خوش رفتار و مهربان با پدرش است، آن زن که با همسر خود راضی و شاد و وفادار است، و آن دوستی که در غم و شادی در خوشی و سختی رفتارش همیشه دوستانه است و یکسان، در این دنیا تنها یک انسان نیک دل و خوش ذات می تواند اینطور باشد.

नम्रत्वेनोन्नमन्तः परगुणकथनैः स्वान् गुणान् ख्यापयन्तः,

स्वार्थान् सम्पादयन्तो विततपृथुतरारम्भयन्ताः परार्थे।

क्षान्त्यैवाक्षेपरुक्षाक्षरमुखरमुखान् दुर्जनान् दूषयन्तः,

सन्तः साश्चर्यचर्या जगति बहुमताः कस्य नाभ्यर्चनीयाः॥69॥

²⁷ سَوَاتِی نَکْشَتْر (Swaati nakshatra) : نَکْشَتْر یعنی ستاره . "سَوَاتِی" نام ستاره ی است که در علم اختر شناسایی ذکر شده است.

چَنْدَر گُپْت بَهَارَتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

نَمْرُتُونَوَمَنَنۡہَ پَرِگَنگَنہۡہَ سَوُگَن گُہیاپیننہ
 سَوَارُتْہَا سَمپادینن و تَبیرُتْہَارَ مُبھیشنہ پَرَارُتْہَہ
 کُشَنہاننِوَ اکُشہپَرِکُشہا کُشہرَ مُکْہَاں دُرُجَنان دُوشیننہ
 سَننہ سَاشچَرِچَرِیا جَگَتِ بَہمَنہ گُسی نَابھیزُ چَنینہ

69. با شکسته نفسی انسان نیک پشیرفت می کند، با روشن کردن و اظهار خوبی دیگران خوبی خود را بیان می کند، آن که نیکوکار است هم به دیگران کمک می رساند و هم کار و وظیفه ی خویش را انجام می دهد، انسان نیکوکار بدگویی انسان بدذات را بی جواب نمی گذارد، چونین انسانی چطور می تواند قابل احترام نباشد؟ همه او را محترم می دانند.

अप्रियवचनदरिद्रैः प्रियवचनाढ्यैः स्वदारपरितुष्टैः।

परपरिवादनिवृत्तैः कचित्कचिन्मण्डिता वसुधा॥70॥

اَپَرِیَ چَنْدَر دُرَہ پَرِیَ چَنْدَہِیَہ سَوَدَار پَرِ تُشْتِہ
 پَرِ پَرِ وَا دِنُورِ تَہ گُوجُکُو چُمنَدِتا و سُدُہَا

70. کسی که از حرف بد فقیر است و کسی که ثروتمند است با سخن خوب، کسی که به زندگی و همسر خویش قانع است و بد گویی دیگران را نمی کند، پس در زمین در بعضی جاها می توان آنها را دید و آن نقاط که این چنین مردمان زندگی می کند، نقاط خوب و ارزشمند زمین است.

एको देवः केशवो वा शिवो वा ह्येकं मित्रं भूपतिर्वा यतिर्वा।

एको वासः पत्तने वा वने वा ह्येका भार्या सुन्दरी वा दरी वा॥71॥

اِکو دَوَہ کِشَو وَا شِوَ وَا هِیکُم مَنَرَم بَہوپِترُوا یِترُوا
 اِکو وَا سَہ پَتَن وَا وَن وَا هِیکُم بَہَارِیا سُنَدَرِی وَا دَرِی وَا

71. فقط یک خدا را بخواهید و فقط یک خدا را ببرستید، یا شِوَ²⁸ (Shiva) پرست باشید یا کِشَو²⁹ (Keshava)، دوست خوب یکی باشد کافی است یا او شاه می شود یا فقیر می شود، فقط در یک خانه زندگی کنید، آن خانه یا خوب است و در شهر است و یا در روستا و جنگل، فقط یک زن را دوست بدارید، یا او زیبا است و یا زیست است.

²⁸ شِوَ (Shiva) : اسم خدای هندی.

²⁹ کِشَو (Keshava) : اسم خدای هندی.

त्वमेव चातकाधार इति केषां न गोचरः ।

किमम्भोद वदास्माकं कार्पण्योक्तिं प्रतीक्षसे ।। 72 ।।

تَوَمُو چَاتَاكَادْهَارَ اِبِتِ كِشَامَ نَ گوچَرَه
کِمَمْبُهوَدَ وَدَاسْمَاگَمَ گَارِ پَنیُوکْتِمَ پَرِ تَنیُکْشَنَسَه

72. ای ابر بزرگ و بخشنده! تو که برای تمام جانداران زمین شالوده و سر چشمه ی زندگی هستی، چه کسی نمی داند که تو حیات را به زندگی جانداران هدیه می کنی؟ این را همه می داند، پس چرا تو برای آغاز بخشش خود بر ما منتظر دعای ما هستی؟

[vii]. سخن درباره ی دارنده ی ذات نیک و نیک خواه :

भवन्ति नम्रास्तरवः फलोद्गमैः नवाम्बुभिर्दूरविलम्बिनो घनाः ।

अनुद्धताः सत्पुरुषाः समृद्धिभिः स्वभाव एवैष परोपकारिणाम् ।। 73 ।।

بِهَوْنِتِ نَمْرَ اسْتَرَوَه پَهْلَوْدَگَمَہ نَوَامْبُہِزْ دَوْرَ وَلَمْبِنُو گَهْنَاہ
اَنْدُذْهَنَاه سَنْبِرْ شَاہ سَمْرَدْ دْهَبْہَہ سَوْبْہَاو اَوْش پَرُوپْکَارِ نَام

73. چون که درخت پر بار گردد، شاخه ها پش خمیده می شوند و سر به زیر می کنند، چون که ابر پر آب می شود به زیر می آید و آماده ی بارش می گردد، چون که انسان خوب غرق در ثروت می شود فروتنی می گیرد، این ذات و طبیعت انسان نیکخواه است.

श्रोत्रं श्रुतेनैव न कुण्डलेन दानेन पाणिर्न तु कङ्कणेन ।

विभाति कायः करुणापराणां परोपकारैर्न तु चन्दनेन ।। 74 ।।

شُرُوْتَرْمَ شُرُتِنُو نَ کُنْدَلِنَ دَانِنَ پَانِرَن تْ کَنْکَنِنَ
وَبْہَاتِ کَاہَہ کَرُونَاپَرَا نَام پَرُوپْکَارِرَن تْ چَنْدَنِنَ

74. گوش با حرف و سخن زیبا آراسته می شود نه با زیور و گوشواره، دست نیکوکاران با نیکوکاری و بخشش مال و کمک به دیگران زیبا می شود و نه با دست بند و جواهرات، بدن انسان زیبا با نیکوکاری زیبا و آراسته می شود و نه با خمیره و مایه ی آن.

पद्माकरं दिनकरो विकचीकरोति, चन्द्रो विकासयति कैरवचक्रवालम्।

नाभ्यर्थितो जलधरोऽपि जलं ददाति, सन्तः स्वयं परहिते विहिताभियोगाः॥75॥

پَدْمَاکَرَمَ دِنکَرَو وِکچِکَرَوَتِ، چُنْدَرَو وِکاسَیَتِ کِرَوچَکَرَوَالَمَ
نَابْهَیْرَ تَهَتَو جَلْدَهَرَو پِ جَلَمَ دَدَاتِ، سَنَتَه سَوَیَم پِرَهَتِ وَهَبَاتِ بَهَیَوگَاهَ

75. آفتاب بی منت به نیلوفر آبی می تابد، ماهتاب هم بی منت گل کُمد³⁰ (Kumud) را شکوفا می کند، و ابر هم بی هیچ منت باران می بارد، اینها همانند کار های یک انسان نیکوکار است، اوست که همیشه آماده ی نیکوکاری است و برای انجام آن تلاش می کند.

एते सत्पुरुषाः परार्थघटकाः स्वार्थं परित्यज्य ये,

सामान्यास्तु परार्थमुद्यमभूतः स्वार्थाविरोधेन ये।

तेऽमी मानवराक्षसाः परहितं स्वार्थाय विघ्नन्ति ये,

ये विघ्नन्ति निरर्थकं परहितं ते के न जानीमहे॥76॥

اِبَ سَنَبْرُشَاهَ پَرَا رَتَه گَهَتَکَاهَ سَوَارَتَهَمَ پَرِئَجَی ی
سَامَانِیَاسَتُ پَرَا رَتَه مَدُیْمَهَرَتَه سَوَارَتَهَاوَرَو دَهَن ی
تَمَی مَانَوَرَا کَشَهَسَاهَ پَرَهَتَمَ سَوَارَتَهَائِ وَگَهَنَتَت ی
وِ وَگَهَنَتَت نَزَرَتَهکَم پَرَهَتَم ت ک ن جَانِیْمَه

76. آن پاک دل که بدون توقع و بدون انتظار تشویق دیگران را کمک و یاری رساند، تنها به دلیل ذات پاک خود: پس این انسانی وارسته است، آن که با انتظار تشویق و احترام دیگران را کمک می کند: نیز خوب است، و آن که با هدف و نیت بد به کارهای دیگران آسیب می رساند: پس او دیو سیرت است، و آن که بی هدف به کارهای دیگران خراب می کند: نمی دانیم او کیست؟

पापान्निवारयति योजयते हिताय, गुह्यं निगूहति गुणान् प्रकटीकरोति।

आपद्गतं च न जहाति ददाति काले, सन्मित्रलक्षणमिदं निगदन्ति सन्तः॥77॥

پَاپَانَوَارِیَتِ یَوَجَیَتِ هَتَائِ، گُھَیْمَ نِگُوھَتِ گُھَانُ پِرَکَٹِیَکَرَوَتِ
اَیْدَگَتَمَ چ ن جَهَاتِ دَدَاتِ کَالِ، سَنْمِیْرَلِکْشَهَنِمَدَمَ نِگَدَنَتِ سَنَتَه

³⁰ کُمدَ (Kumud) : اسم گل هندی که در شب شکوفه می شود.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَری

(Bhartrihari's)

77. انسان شریف و بزرگ منش درباره ی دوست خوب چنین می گوید: دوست خوب را از گناه برحذر می دارد و به انجام کار نیک راهبر می شود، بدی ها و درستی ها را ظاهر می کند، در سختی ها ی روزگار دوستش را رها نمی کند و در زمان مصیبت و گرفتاری با او همدردی می کند.

क्षीरिणात्मगतोदकाय हि गुणा दत्ताः पुरा तेऽखिलाः,

क्षीरोत्तपमवेक्ष्य तेन पयसा स्वात्मा कृशानौ हुतः।

गन्तुं पावकमुन्मनस्तदभवद् दृष्ट्वा तु मित्रापदं,

युक्तं तेन जलेन शाम्यति सतां मैत्री पुनस्त्वीदृशी॥78॥

کُشَهِیرِ نائِمِگُتَوَدِکائِ هِ گُنا دَتَّاه پُرا تَکْهَلاه
کُشَهِیرِ و تَپَمِ و کُشَهِی تِنِ پَیسا سَوائِمَا گُرسائو هُته
گَنُتُم پَاوِگَمُنْمَنَسْتَدَبُود دُرُسْتَوَا ت مِتر ایدَم
یُگَتَم تِن جِلَن شامِیتِ سَتام مِتری پُستَویدرشی

78. دوستی مثل آمیختن شیر با آب است چون که شیر با آب می آمیزد پس خاصیت شیر به آب هم می رسد، و آن گاه که شیر در آتش می سوزد پس آب آمیخته به آن خود را به آتش می افکند به خاطر راحتی شیر، و چون آب در آتش می سوزد پس شیر هم خود را به آتش می افکند و او هم می سوزد و اگر دوباره آب به شیر اضافه شود پس باز هم شیر به وضعیت قبل بر می گردد، دوستی انسان ها ی نیک سرشت هم اینطور است در سختی ها ی روزگار با هم می مانند.

इतः स्वपिति केशवः कुलमितस्तदीयद्वीपा,

मितश्च शरणार्थिनां शिखरिणां गणाः शेरते।

इतोऽपि वडवानलः सह समस्तसंवर्तकैः,

अहो विततमूर्जितं भारसहं च सिन्धोर्वपुः॥79॥

اِنَّهُ سَوِیتِ کِشَوَه کَلَمِستَدِیْدُویشا
مِشْجَ شَرَنارُتْهَنام شِکْهَر نام گناه شَرِیت
اِوِب وَدَوانْلَه سَه سَمَسْتَسْمُور تَکَه
اَهو وِتَنَمُور جَتَم بَهار سَهَم چَ سِندُهور وِپَه

79. توانایی انسان بزرگ و دریادل مانند دریا است که نمی تواند در حساب بیاید. در دریا در یک سو خدای وِشْنُ (vishnu) خوابیده است و در در دیگر سو دشمن او دیوها، در یک سو کوه ها ایستاده اند و در طرف دیگر آتشی زیر دریا با ابر ها ی بزرگ به نام

چَنْدُرَ گُپْتِ بُهَارَتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَرِی

(Bhartrihari's)

سَمُورَتَک³¹ (Samvartak) ایستاده اند، عجیب است که دریا در خود چه چیزها ی بزرگی را می بلعد.

जातः कूर्म स एकः पृथुभुवनभरायार्पितं येन पृष्ठं,
श्लाघ्यं जन्म ध्रुवस्य भ्रमति नियमितं यत्र तेजस्विचक्रे।
संजातव्यर्थपक्षाः परहितकरणे नोपरिष्ठान्न चाधो,
ब्रह्माण्डोदुम्बरान्तर्मशकवदपरे जन्तवो जातनष्टाः॥८०॥

جَاثَہ کُرْم سَ اِکَہ پَرْتھَبھُونَبھَرَایَارپِیتَم یَن پَرِشْتَم
شَلَاگھَیَم جَنَم دھُرُوسَی بھَرْمَتِ نِیْمَتِ یَتْر تَجَسْوِچَکْر
سَنجَاتَوِیزْتھَپَکْشَہَاہ پَرِہِشْکَرَن نُوپَرِشْتھَان جَاڈھو
بَرِہْمَانْدُوڈَمْبَرَانْتَرْمَشْکَوَدِپَرِ جَنْتَوُو جَاتْنِشْٹَاہ

80. لاک پستی زمین را روی پشت خود حمل می کند و بعد که نامش دُھُرُو (Dhuruva) است، ستارگان در آن می چرخند، نیکوکاری هر دو چه بزرگست! آن که زیرترین است و آن که بالاترین است چه نیکوکاری بزرگی می کند، آن که نیکوکاری نمی کند، در درمیان زمین مثل تخم میوه ی اُدُمبَر³² (Udumbar) رشد می کند و فنا می شود.

तृष्णां छिन्धि भज क्षमां जहि मदं पापे रतिं मा कृथाः,
सत्यं ब्रूह्यनुयाहि साधुपदवीं सेवस्व विद्वज्जनम्।
मान्यान् मानय विद्विषोऽप्यनुय प्रख्यापय प्रश्रयं,
कीर्तिं पालय दुःखिते कुरु दयामेतत् सतां चेष्टितम्॥८१॥

تُرِشْنَام چُھَنْدَہ بَھَج کْشَہْمَام جَہ مَدَم پَآپ رَتِیَم مَآ کُرْتْہَاہ
سَتِیَم بُرُوھِیْتَاہ سَاڈھِیْدَوِیَم سِوَسُو وَدُوْجَنَم
مَانِیَان مَانِی وَدُوْشَوِیْنِی پَرِکْھِیَاپِی پَرِشْرِیَم
کِیرِیَم پَآلِی دَھْگِیْت کُر دِیَامِیْت سَتَام چِشْٹِیَم

81. حرص و طمع کاری را ترک کردن و از خود رهاندن، بخشش را قبول کردن، از گناه اجتناب کردن، درستکار شدن، دیناله رو و پیرو انسان ها ی نیک بودن، در راه بزرگان بودن، احترام خود را شامل انسان ها ی محترم کردن، حتی خوبی دشمنان خود را هم ظاهر

³¹ سَمُورَتَک (Samvartak) : در هند ابرها بر پنج قسم هستند. پوشکر، آورتک، سمورتک و

دیگر.....

³² اُدُمبَر (Udumbar) : نام میوه ای است که در هند وجود دارد. در تخم این میوه پشه ها ی زیادی بوجود می آید.

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

کردن، خصوصیات خوب خود را به زبان نیاوردن، مراقب شهرت و نام و خودت شدن، با غمدیدگان همدرد شدن، این ویژگی های انسان نیک سرشت است.

मनसि वचसि काये पुण्यपीयुषपूर्णाः, त्रिभुवनमुपकारश्रेणिभिः प्रीणयन्तः।

परगुणपरमाणून् पर्वतीकृत्य नित्यं, निजहृदि विकसन्तः सन्ति सन्तः कियन्तः॥182॥

مَنْسِ وَچَسِ گایِ پُنیپیپُیُشُپُورُناه، تَرِبُهوَنَمُکَاشِ شَرِبُبه پَرِیَنینَته
پَرِگَکُپُرمَانُوَن پَرُوتِیکَرُشِی نِتیَم، نِجَهرِدِ وِکَسَنتَ سَنتِ کِیَنَته

82. آن که با دل و با سخن و با بدن خویش دیگران را یاری می رساند و همیشه آماده ی انجام کار خیر است و با نیکوکاری خویش دیگران را شاد می کند، و خوبی کوچک دیگران را مثل کوهی بزرگ نشان می دهد، و آنها را به این وسیله شاد می کند، همانند او چند نفر در این جهان هستند؟

किं तेन हेमगिरिणा रजताद्रिणा वा, यत्राश्रिताश्च तरवस्तरवत एव।

मन्यामहे मलयमेव यदाश्रयेण, कङ्कोलनिम्बकुटजा अपि चन्दनाः स्युः॥183॥

کِم تَن هِمگَرِنَا رَجَتَاَدِرِنَا وَا، یَتْرَاشِرِتَاشِچ تَرُوسَترُوتِ او
مَنیَامَه مَلِیمُ یَدَاشِرِین، کَنکُولَنِمَبَکُتْجَا اَبِ چَنْدَنَاه سِیَه

83. کوه طلا و نقره به چه کار می آید؟ درختان که سبز می شوند برگ های آنها و میوه های آنها طلا و یا نقره نیست. دربین این کوه ها کوه مَلِی (Malaya)³³ از همه معروف تر است، آن جا درختی به نام کَنکُول (Kankola)³⁴ و نِیم (Neem)³⁵ و دیگر است که پر از بوی خوش صندل است، کوه ملیه از کوه طلا و نقره هم بهتر است.

[viii]. سخن درباره صبر کردن :

रत्नैर्महाहैस्तुतुर्न देवाः, न भेजिरे भीमविषेण भीतिम्।

सुधां विना न प्रययुर्विरामं, न निश्चितार्थाद् विरमन्ति धीराः॥184॥

رَتْنَمَهارَ هَسْتُشُشُرَن دِوَاه، نَ بَهِجَرِ بَهِیمُوشِین بَهِیتَم
سُذْهَامَ نَ پَرِیُیُورَامَم، نَ نِشِچِتَارْتْهَادُ وِرَمَنْتِ دَهِیرَاه

³³ مَلِی (Malaya) : نام کوهی در هند که درخت صندل در آنجا زیاد رشد می کند.

³⁴ کَنکُول (Kankola) : اسم درخت هندی که بی مزه و بی بو و ترد است.

³⁵ نِیم (Neem) : اسم درخت هندی که بی مزه و بی بو و ترد است.

چَنُدرَ گُپْتِ بَهَارَتِیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرِتری هَری

(Bhartrihari's)

84. الهی با داشتن گوهرهای ارزشمند هم راضی و قانع نشد و حتی از زهر خطرناک هم نترسید، تا وقتی که آب حیات را پیدا نکرد³⁶، پس به جستجوی خویش ادامه داد. ذات انسان ثابت قدم و آن که پشتکار دارد این طور است. اگر آغاز به انجام کاری کند حتماً آن را به پایان می رسند.

प्रारभ्यते न खलु विघ्नभयेन नीचैः,

प्रारभ्य विघ्नविहता विरमन्ति मध्याः।

विघ्नैः पुनः पुनरपि प्रतिहन्यमानाः,

प्रारब्धमुत्तमगुणा न परित्यजन्ति॥85॥

پَرَارَبْهَیْتِ نَ کْهَلُ وِگْهَنَهَیْنِ نِیچَہ
پَرَارَبْهَی وِگْهَنَوِہَنَّا وِرْمَنْتِ مَدْہِیَہ
وِگْهَنَہ پُنَہ پُنَرِپ پُرِتِہَنِمَانَاہ
پَرَارَبْدْہُمْتَمْگُنَا نَ پَرِتِیجَنْتِ

85. ذات انسان سه قسمت دارد : ذات اول همان ذات بزرگ است، ذات دوم همان ذات میانه است، و ذات سوم همان ذات زیر است. کسی که ذات پایین و زیر دارد هر کار را از ترس مشکل بودن شروع نمی کند. کسش که ذات میانه دارد هر کار را آغاز می کند ولی وقتی که مشکل پیش می آید آن را رها می کند. و آن که ذات بزرگ دارد اگر کاری را آغاز کند حتی با تمام مشکلات آن کار را تا به آخر انجام می دهد.

कान्ताकटाक्षविशिखा न लुनन्ति यस्य,

चित्तं न निर्दहति कोपकृशानितापः।

कर्षन्ति भूरिविषयाश्च न लोभपाशैः,

लोकत्रयं जयति कृत्स्नमिदं स धीरः॥86॥

گَانَنَّاگَنَّاگْشُہُوشْکْہَا نَ لَنْتِ بَسَی
چِٹَمَ نَ نِرْدَہَنْتِ گَوِپْکُرْشَانِیَہ
کَرْشَنْتِ بُہُورِوشِیَاشِچَ نَ لَوِہَہَاشِہ
لَوِکْکُرِیْمَ جِیْتِ کَرْشَنْسُہْمَ سَ دْہِیَرَہ

³⁶ این یک داستان قدیمی هندی است. این الهی برای پدا کردن آب حیات به دریا رفت و بعد از این دریا بسیار گوهر و نقره و زهر و چیزهای دیگر بیرون آورد، ولی الهی با پشتکار همچنان برای پدا کردن آب حیات تلاش کرد تا آن را پیدا کرد.

چَنُद्र گُپְت بְهَارْتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

86. آن کہ دلش را از نظر زن به دور می دار و از نگاه گناه آلوده به دور است، آن که غصه دار نیست و آتش غصه داش را نمی سوزاند، و از چیزهایی که حواس را به اشتباه می افکند دوری می کند، چنین کس می تواند به تمام جهان پیروز شود.

क्वचित् पृथ्वीशय्यः क्वचिदपि च पर्यङ्कशयनः,

क्वचिच्छाकाहारः क्वचिदपि च शाल्योदनरुचिः।

क्वचित् कन्थाधारी क्वचिदपि च दिव्याम्बरधरो,

मनस्वी कार्यार्थी न गणयति दुःखं न च सुखम्।।87।।

کُوچِٹ پُرٹھویشیہ کُوچِدپ چ پَرِیَنگَشینہ
کُوچِچُٹھاگاہارہ کُوچِدپ چ شَالیودنرُچہ
کُوچِٹ کَنٹھاڈھاری کُوچِدپ چ دُویامبرِڈھرو
مَنسُوی کارِیارتھی ن گَنیت دُھکَم ن چ سُکَم

87. آن که ثابت قدم است همیشه کار نیک می کند و در انجام کارها از سختی کار نمی هراسد، او در هر شرایطی به کار خود مشغول است، گاهی روی تخت خواب می خوابد و گاهی روی زمین، گاهی سبزی می خورد و گاهی برنج خوب، گاهی لباس محقر می پوشد و گاهی لباس فاخر، نیکوکار به راحتی و سختی فکر نمی کند.

निन्दन्तु नीतिनिपुणा यदि वा स्तुवन्तु,

लक्ष्मिः समाविशतु गच्छतु व यथेष्टम्।

अद्यैव वा मरणमस्तु युगान्तरे वा,

न्याय्यात्यथः प्रविचलन्ति पदं न धीराः।।88।।

نِنْدَنْتُ نِیْتِنِپُنَا یَدِ وَ سْتُونَنْتُ
لَکْشْمِہ سَمَآوِشْتُ گُچُٹھُتْ وَ یِٹھِشْتَم
اَدِیَو وَ مَرَنَمَسْتُ یُگَانْتَرِ وَ
نِیَاَیِٹھِہ پُرَوچَلَنْت پَدَم ن دُھیرَاہ

88. اراده ی انسان ثابت قدم از راه راست خارج نمی شود، و آن وقت اگر او به نیکوکاری سخن بد بگوید و یا تحسین می کند، اگر ثروتمند بشود و یا فقیر شود، مرگ او امروز برسد یا بعد، ولی انسان ثابت قدم از راه راست منحرف نمی شود.

कदर्थितस्यापि हि धैर्यवृत्तेर्न शक्यते धैर्यगुणः प्रमार्ष्टुम्।

अधोमुखस्यापि कृतस्य बन्हेर्नाधः शिखा याति कदाचिदेव।।89।।

چَنُद्र گُپְتِ بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتکَم

(Nitishatakam)

بھَرْتِری هَری

(Bhartrihari's)

کَدَرُ تَهَنَسْیَایِ هِ دَهْرِ یُورِیَرَنَ سَکِیتِ دَهْرِ یَکْنَه پَرَمَاشَنُم
اَدَهومگَهسْیَایِ گَرِ سَی وَ تَهَرُ نَادهه شِکْها یَاتِ کَدَاجِدَو

89. شجاعت و دلاوری انسان ثابت قدم را کسی نمی تواند برهم بزند، حتی وقتی با او بد رفتاری بشود. حتی در زیر دهانه ی زبانه ی آتش، او هرگز به زیر نمی رود و شلیم نمی شود.

वरं शृगोत्संगाद् गुरुशिखरिणः कापि विषमे,

पतित्वायं कायः कठिनदृषन्ते विगलितः।

वरं न्यस्तो हस्तः फणिपतिमुखे तीक्ष्ण दशने,

वरं वह्नौ वातस्तदपि न कृतः शीलविलयः॥90॥

وَرَمَ شَرِ گُوشَنگَاذْ گُرشَکْهَرَنَه کُوابِ وِشَم
بِیتُوائِمَ کَایَه کَتِندَرِ شَنَتِ وِگَلِئَه
وَرَمَ نِیَسْتَوِ هَسْتَه بَهِنِیَتْمُکْه تِیکْشَهَن دَشَن
وَرَمَ وَهَنَوِ وَاَسْتَدَبِ نَ کُرْتَه شِیْلَوِیَه

90. مرگ، با سقوط از کوه خوب است. مرگ، با زهر مار هم خوب است. و مرگ، با شعله های آتش هم خوب است، ولی بزرگ منشی و شجاعت را ترک کردن هرگز سزاوار نیست.

वह्निस्तस्य जलायते जलनिधिः कुल्यायते तत्क्षणात्,

मेरुः स्वल्पशिलायते मृगपतिः सद्यः कुरङ्गायते।

व्यालो माल्यगुणायते विषरसः पीयूषवर्षायते,

यस्याङ्गेऽखिललोकवह्लभतमं शीलं समुन्मीलति॥91॥

وَهِنِیسْتَسِی جَلَایَتِ جَلَنَدَهه کُلَیَایَتِ تَتْکْشَهَنَاتِ
مِرَه سَوَلِشَلَایَتِ مَرِگَیَتَه سَدِیَه کُرَنگَایَتِ
وِیْلَوِ مَالِیگَنَایَتِ وِشَرَسَه بِیْیُوشُورِ شَایَتِ
یَسِنِیَانْگِ اَکْهَلْلوکُ وِلَبْهَتْمَمَ شِیْلَمَ سَمُومِیَلَتِ

91. برای آن کس که بهترین رفتار را دارد، حتی آتش هم در آب دگرگونه می شود و مشکلاتش آسان می گیرد. دریا، برایش رود کوچک می شود. کوه بزرگ به نام مِرُ (Meru) سنگ ریزه می سازد. شیر، آهوی بی خطر می شود. مار، همانند حلقه ی گلی می شود و زهر همانند آب زندگی می شود.

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتّری هری

(Bhartrihari's)

छिन्नोऽपि रोहति तरुस्चन्द्रः क्षीणोऽपि वर्धते लोके।

इति विमृशन्तः सन्तः सन्तप्यन्ते न लोकेऽस्मिन्।।92।।

چَهَنَوَآپ رَوَهَتِ تَرُسُچَنْدَرَه گُشَهِنَوَآپ وَرُذَهَتِ لُوكِ
اَبِ وِمَرُسَنْتَه سَنْتَه سَنْتَپَیْنَتِ نَ لُوكِ اَسْمِنُ

92. بعد از بریدن، درخت ها دوباره رشد می کنند و ماه هم دوباره کامل و زیبا می شود، با این فکر، انسانی که نیک کردار و ثابت قدم هست، حتی در هر وضعیت غم نمی خورد.

ऐश्वर्यस्य विभूषणं सुजनता शौर्यस्य वाक्संयमो,

ज्ञानस्योपशमः श्रुतस्य विनयो वित्तस्य पात्रे व्ययः।

अक्रोधस्तपसः क्षमा प्रभवीतुर्धर्मस्य निर्व्याजता,

सर्वेषामपि सर्वकारणमिदं शीलं परं भूषणम्।।93।।

اِسْوَرِیَسَی وَبُهوشَنَم سَجَنَّا شَوَرِیَسَی وَاكْسَنَیْمُو
گُناَسَیوِپَشَمَه شَرُتَسَی وَنَیو وِتَسَی پَاَتْرَ وِیَیَه
اَكْرَوَدَهَسَنَپَسَه گُشَهَمَا پَرَبُهَوِیْتَرُذَهَرَمَسَی نَزَوِیَاچَاثَا
سَرَوِشَامَپِ سَرَوِگَارَنَمَدَم شِیْلَم پَرَم بُهوشَنَم

93. ذات نیک آراینده ی شهرت است. کنترل حرف، زیور شجاعت است. خرد باعث آرامش حواس است. ادب آراینده ی ادبیات است. نیکوکاری آراینده ی خداپرستان است. بخشش آراینده ی بزرگی است. پاکی و خلوص آراینده ی مذهب است. این ها همه نتیجه ی ذات نیک است.

रे रे चातक सावधानमनसा मित्र क्षणं श्रुयताम्,

अम्भोदाः बहवो वसन्ति गगने सर्वपिनैकादृशाः।

केचिद्वृष्टीभिराद्रयन्ति धरणीं गर्जन्ति केचिद्वृथा,

यं यं पश्यसि तस्य तस्य पुरतो मा ब्रुहि दीनं वचः।।94।।

ر ر چَاتَك سَاوَدَهَانَمَسَا مِیْتَر گُشَهَم شَرِیْتَام
اَمْبُهَوَدَاه بَهَو وِسَنْتِ گُگَن سَرَوِپِنَاکَاَرِشَاه
کِچَنُور شَتِیْبَهَرَا دَرِیْتِ دَهَرَنِیْم گَرُجَنْتِ کِچَنُورِثَا
یَمِ یَمِ پَسَنَیْسِ تَسَی تَسَی پُرَتُو مَا بُرُهَا دِیْنَم وَچَه

چُنْدَر گُپْت بُهَارْتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

94. ای دوست دار چَاتَک³⁷ (Chaataaka)! خرف مرا از دل بشنو، ابرها در آسمان بسیار است ولی همه یکی نمی شود، در میان آن ها، برخی ها می بارند و برخی ها فقط می غزند، پس هر ابر با قابلیت ها ی فراوان نپندار و حرف ها ی ترحم آمیز به او نگو.

[ix]. سخن درباره ی تقدیر و بخت و کارهای خدا:

नेता यस्य बृहस्पतिः प्रहरणं वज्रं सुराः सैनिकाः,
स्वर्गो दुर्गमनुग्रहः खलु हरेरैरावतो वारणः।
इत्यैश्वर्यबलान्वितोऽपि बलभिद् भग्नः परैः सङ्गरे,
तद् व्यक्तं ननु दैवमेव शरणं धिग् धिग् वृथा पौरुषम्।।95।।

نِتَا یَسَی بُرْهَسْپَتِیہ پَرْهَرَنَم وَجْرَم سُرَاہ سَیْنِکَاہ
سُورْگُو دُرْگَمَنُگْرَہ کْهَلُو ہَرِہَرَاوَتُو وَاَرَنَہ
اِیْتِیْشُورْیَہ بَلَانْوِیْتُو اَپِی بَلَبِہْدُ بْہَگْنَہ پَرَہ سَنْگَرِ
تَد وَیْکْتَم نُن دَوِمو شَرَنَم دْہِگ دْہِگ وُرُنْہَا پُورُشَم

95. خدا کننده ی هر کار است چون، اِنْدَر (Indra) یک الهی بود، و آموزگار او بُرْهَسْپَتِ³⁸ (Brihaspati) بود، اسلحه ی او آذرخش به نام وَجْر (Vajra) بود، و الهی سپاهی او بود، قلعه اش بهست به نام سُورْگ (Swarga) بود، خدای لطیف و شِن (Vishnu) بود، سواری او فیل به نام اِرَاوَت (Airaavata) نیز بود، اِنْدَر (Indra) با این همه قدرت و قوت هم، باز در جنگ شکست خورد. بنابراین نتیجه ی هر کار هر سرانجامی در دست خداوند است و انسان را در مشیت الهی تدبیری نیست.

भग्नशस्य करण्डपिण्डततनोर्लानेन्द्रियस्य क्षुधा,
कृत्वाखुर्विवरं स्वयं निपतितो नक्तं मुखे भोगिनः।
तृप्तस्तत्पिशितेन सत्वरमसौ तेनैव यातः पथा,
लोकाः पश्यत दैवमेव हि नृणां वृद्धौ क्षये कारणम्।।96।।

بْہَگْنَشَسَی کَرَنْدِپِنْدِتَنُورْ مَلَانِنْدَرِیَسَی کْشُہْدَہَا
کُرُٹْوَ اَخُورْوَورَم سُوِیْم نِپِیْتُو نَکْتَم مْکْہ بْہَوْگْنَہ
نُرْپِٹْسَٹْپِٹِشِیْن سَنُورْ مَسُو یِٹُو یَاتَہ پَنْہَا
لُوکَاہ پَشِیْٹ دَوِمو ہ نُرِنَام وُرِدْڈَہُو کْشُہِی کَارَنَم

³⁷ چَاتَک (Chaataaka) :- اسم پرند باران هندی.

چَنْدَر گُپْت بُهَارْتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری ہری

(Bhartrihari's)

96. مار کہ در سبد اسیر بود، حواس و قدرشش از گرسنگی کم شوه بود، و در انتظار مرگ بود، همان وقت موش سبد را سوراخ کرد و به داخل آمد، مار از گوشت آن موش را خورد و از همان سوراخ بیرون رفت. بنابراین در خوش بختی یا بدبختی و در شهرت یا فقر، خداست که سرنوشت را مقدر می کند.

यथा कन्दुकपातेनोत्पत्त्यार्यः पतन्नपि।

तथा पतत्यनार्यस्तु मृत्पिण्डपतनं यथा।।97।।

يَنْهَافَا كَنْدُكُفَايَنْوُيَنْتِيَارِيَه پَتَنْبِ
نَنْهَافَا پَتَنْتِيَارِيسْت مَرُيَنْبَنْدِپَنْتَم يَنْهَافَا

97. مثل توپی که روی زمین افتاده، دوباره به بالا می جهد، حال بد بختی و خوش بختی ی انسان نیک نیز چنین است، یعنی اگر حال انسان خوب، بد شود پس دوباره بهتر خواهد شد، ولی حال انسان بد مثل توپی از خاک است که اگر یک بار بیفتد، دوباره به بالا نمی رود.

खल्वाटो दिवसेश्वरस्य किरणैः सन्तापितो मस्तके,

वाञ्छन्देशमनातपं विधिवशात्तालस्य मूलं गतः।

तत्रोच्चैर्महता फलेन पतता भग्नं सशब्दं शिरः,

प्रायो गच्छति यत्र भाग्यरहितस्तत्रापदां भाजनम्।।98।।

كُهْلُوَوُتُو دُوَسِيَوُزَسِي كِرْنَه سَنْتَافِيَوُ مَسْتَكِ
وَافْجَهَنْدِشْمَنْفَاتِيَم وَدِهَوْشَاتَالَسِي مَوْلَم كَنْهَه
نَنْزُرُوچَرْمَهَنَّا فُهْلَن پَتْنَا بُهْگَنْم سَسْبَنْدَم شِيرَه
پُرَايَو گُچْچَهْت يَنْزَر بُهْاگَيْرِ هَسْتَنْزَر اِيْدَام بُهْاجَنْم

98. طاس که سرش در نور شدید آفتاب داغ شده، به زیر سایه ای پناه می رود و به زیر درخت نخل می رود، و آن گاه میوه ای از نخل بر سرش فرو می افند و سرش شکند. برای آن که بدبخت است، هر گزندی که از آسمان ها و زمین برسد، یک راست بر جان او می رسد.

सृजति तावदशेषगुणाकरं, पुरुषरत्नमलङ्करणं भुवः।

तदपि तत्क्षणभङ्गि करोति चेद्, अहह! कष्टमपण्डितता विधेः।।99।।

سَرْجَت تَاوَدِشِشْگَنْاكَرَمْ، پُرُشَرَنْمَلَنْكَرَنْم بُهْوَه
تَدَب تَنْگْشَهَنْهَنْگِ كَرْوَت چَد، اَهَه! كَسْتَمَنْپَنْدِيتَا وَدِهَه

چَنْدُرَ گُپْتِ بَهَارَتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَرِی

(Bhartrihari's)

99. خدا انسان را شکل می دهد که منبع همه خوبی هاست و در روی زمین مثل جواهر است، و اوست که خودش را می سازد و هم اوست که خودش را فنا می کند. آه، خداوند چه بی رحم است!

येनैवाम्बरखण्डेन संवीतो निशि चन्द्रमाः।

तोनैव च दिवा भानुरहो दौर्गत्यमेतयोः॥100॥

پِنَوَامَبِرَگُھَنْدَنَ سَنَوِیْتَوِ نِشِ چَنْدُرَمَآه
تَوَنَوِ چَ دِوَا بُهَآنُرَ هَوِ دَوُرَگُتِیَمَتِیَوَ

100. آن قسمت از سایه بان را که آفتاب می پوشاند، همان قسمت را هم ماهتاب می پوشاند. چقدر عجب که آفتاب و ماهتاب هر دو از یک قسمت کوچک سایه بان را می پوشانند.

अयममृतनिधनां नायकोऽप्योषधीनां, शतभिषगनुयातः शम्भुमूर्ध्निSवतसः।

विरहयति न चैनं राजयक्ष्यमा शशांकं, हतविधिपरिपाकः केन वा लंघनीयः॥101॥

اَیْمَمُرْتِیْدَهَنَامَ نَآیْکَوِ اَپِیَوَشْدَهِنَامَ، شَتَبِیْشَگُنِیَاثَہَ شَمْبُھُمُورُ دَھْنِی اَوْتَسَہَ
وَرَهِیْتِ نَ چَنَمَ رَآجِیْگُشْھِیْمَا شَشَانْگَمَ، هَنُوْدَھِیْرَ پَاکَہَ کِنَ وَآ لَنْگَھَنِیْیَہَ

101. ماه که مجموعه ی آب حیات است، شاه دارویی است، مؤثرتر از صد پزشک است، زیور سر خوی شیو (Shiva) است، ولی با همه ی این ها، ماه از بیماری به نام رَاجِ یَگُشْھِیْمَا³⁹ (Rajyakshymaa) رنج می برد و هر روز رنج می کشد. بدبخت از خиж چیزی نمی تواند دور باشد.

प्रियसखे विपद्दण्डाघातप्रपातपरम्परा, परिचयबले चिन्ताचक्रे निधाय विधिः खलः।

मृदमवि बलात् पिण्डीकृत्य प्रगल्भकुलालवद्, भ्रमयति मनो नो जानीमः किमत्र विधास्यति॥102॥

پُرِیْسَکَہَ وَپِیْدَنْدَاگَھَانَبِیْرَ پَاثِیْرَ مَپَرَا، پَرِچِیْبِلِ چِنْتَاچَاکُرَ نِدَھَایِ وَدَھَہَ گُھَلَہَ
مُرْدَمُو بَلَاتِ پِنْدِیْکُرْنِیْ پَرِگُلبَھَاکَالَاوُدْ، بُھَرْمِیْتِ مَنُو نُو جَانِیْمَہَ کِمَتْرَ وَدَھَاْسَیْتِ

³⁹ رَاجِ یَگُشْھِیْمَا (Rajyakshymaa) : - اسم یک بیماری هندی.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هری

(Bhartrihari's)

102. ای دوست! خدا مثل یک کوزهگر قلب مان را چون زمینی با قوت و شکل توپی ساخته است، با چوبی آن را می زند و می راند که به اندازه ی سرموی است، و فکر به صورت چرخه ای روی آن می گردد. ما نمی دانیم که او چه می آفریند.

विराम विरामायासादस्माद् दुरध्यवसायतो, विपदि महतां धैर्यध्वंसं यदीक्षितुमीहसे।

अयि जडविधे! कल्पापायेऽप्यपेतनिजक्रमाः, कुलशिखरिणः क्षुद्रा नैते न वा जलराशयः॥103॥

وَرَامَ وَرَامَايَاسَادَسْمَادْ دُرْدُهِیَوَسَايَتَو، وِیْدِ مَهَتَامْ دُهِرِیْدُهِوَنَسَمْ یَدِیْکُشْتُمِیْهَسْ
اَی جَدَوْدَه! کَلْپَاپَایِ اَبِیْیَتَجْکَرَمَاه، کُلْشِکْهَرَنَه کُشْدُرَا نِیْتِ نَ وَآ جَلْرَاشِیَه

103. ای خدای سنگ دل و سخت گیر! چرا تو می خواهی انسان ثابت قدم را وراى ثابت قدمی اش ببینی از این کار بر ما در گذار. انسان بزرگ منش تا پایان زندگی، ثابت قدمی اش را ترک نمی کند. انسان بزرگ منش مثل کوه و دریا نیست که در آخرین وقت ها ثابت قدمی خود را فراموش کرده اند.

दैवेन प्रभुणा स्वयं जगति यद्यस्य प्रमाणीकृतं, तत्तस्योपनमेन्मनागपि महन्नैवाश्वः कारणम्।

सर्वाशापरिपूरके जलधरे वर्षत्यपि प्रत्यहं, सूक्ष्मा एव पतन्ति चातकमुखे द्वित्रा पयोबिन्दवः॥104॥

دِوَنَ پَرَبُهْنَا سَوِیْمَ جَگَتِ یَدِیْسَی پُرْمَانِیْگَرْتَم، تَسْتِیْرِ پَنِمْمَنَگْپ مَهَانَوَاشْجَه کَارَنَمْ
سَرَوَاشْاِپَرِیْرَک جَلْدُهِرَ وَرَسْتِیْپ پَرْتِیْهَمْ، سَوُکُشْتُمَا اَو پَنِئْتِ چَاَتَکْمُکْهُ دُوْتْرَا پَیَوَبِیْنْدَوَه

104. خداوند که پر از نیرو است، او با هر کسی در این جهان نصیب و قسمتی داده است، کسی نمی تواند بیشتر از نصیب و قسمت خود، از خداوند روزی بگیرد. ابر به هر کجا می رود و هر روز می بارد ولی پرنده به نام چَاتَکْ (Chaataka) فقط دو- سه قطره آب را در دهان می تواند بگیرد، این روزی آن پرنده است، پس در روزی هیچ کسی دخل و تصرف نیست.

पातितोऽपि कराघातैरुत्पतत्येव कन्दुकः।

प्रायेण साधुवृत्तनामस्थायिन्यो विपत्तयः॥105॥

پَاَتِیْتَوَآپَ کَرَاْگْهَاتِرِیْنِیْیَوَ کَنْدُکْه
پُرَاِیْنِ سَاْذُهِوَرِ تَنَامَسْتْهَایِنِیْوِ وَپَنِیْه

105. مثل آن توپ که بعد از به زمین خوردن، دوباره به بالا می جهد. بخت انسان نیک هم می آید و می رود و در حال دگرگونی است.

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھرتّری هری

(Bhartrihari's)

शशिदिवाकरयोरग्रहपीडनं, गजभुजङ्गमयोरपि बन्धनम्।

मतिमतां च विलोक्य दरिद्रतां, विधिरहो बलवान् इति मे मतिः॥106॥

شَشیدَو اکر یور گَر هِنیدَنَم، گَجَبُھ جَنگَم یور پ بَنَدَهَنَم
مَتِمَتَام چ وَلوگی دَر دَر تَام، و دَهر هُو بَلَوَان اِ ت م مَتِه

106. آفتاب و ماهتاب که صورت بزرگ دارند نیز از طرف رَاهُو (Raahoo) و کِٹ (Ketu) دچار مشکل می شود، فیل هر چند بزرگ است اما مار به دور آن می پیچد، و مردم انسان خردمند را انسانی فقیر می دانند، خردمند می گوید که قوی تر از بخت و اقبال چیزی نیست.

पत्रं नैव यदा करीरविटपे दोषो वसन्तस्य किं,

नोलूकोऽप्यवलोकते यदि दिवा सूर्यस्य किं दूषणम्।

धारा नैव पतन्ति चातकमुखे मेघस्य किं दूषणं,

यत्पूर्वं विधिना ललाटलिखितं तन्मार्जितुं कः क्षमः॥107॥

پَتْرَم نَو یَدَا کَر یرو تپ دوشو وَسَنَسَی کِم
نولوکو اَپَیو لَوکَت یَد دِوَا سَوْر یسَی کِم دوشَنَم
دَهَارَا نَو پَتَنَت چَاتکُمُکِه مِگَهِسَی کِم دوشَنَم
یَتُورَوَم و دَهِنَا لَلَاتِلِکُھَنَم تَنَمَار جَنَم کِه کُشَمَه

107. اگر درخت گَرِیر⁴⁰ (Kareera) برگ ندارد پس آیا این عیب فصل بهار اس؟ اگر بوف در نور آفتاب نمی تواند ببیند، پس آیا این عیب آفتاب است؟ و اگر چَاتک (Chaataka) نمی تواند آب باران را در دهانش جای دهد پس آیا این عیب باران است؟ تقدیر نوشته شده روی پیشانی را چه کسی می تواند پاک کند؟ یعنی هیچ کس نمی تواند.

सूनुः सच्चरितः सती प्रियतमा स्वामी प्रसादोन्मुखः,

स्निग्धं मित्रमवच्चकः परिजनो निष्केशलेश मनः।

आकारो रुचिरः स्थिरश्च विभवो विद्यावदातं मुखं,

तुष्टे विष्टपकष्टहारिणि हरौ सम्प्राप्यते देहिना॥108॥

⁴⁰ گَرِیر (Kareera) : - اسم درختی هندی که برگ ندارد.

چَنُدر گُپت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشنگم

(Nitishatakam)

بھرتھری هری

(Bhartrihari's)

سَنُوہ سَجَرَتَہ سَتِی پُریتَمَا سَوَامِی پُرَسَادَوُمُگْہَہ
 سَنِگْدَہَم مِترَمُونَجَکَہ پَرَجَنُو نِشْگِلِش مَنَہ
 آکَارُو رُچَرہ سَنُہرَشْچ وَہَوُو وَدِیَاوَدَاتَم مُگْہَم
 تْشَت وَشْپَکْشْتَهَارَن هَرُو سَمَپَرِ اِپِیت دِہِنَا

108. او که غم دنیا را می گیرد به انسان ها آن چیزها را می دهد که از دل پاک می خواهد، او خداوند وشنُ (Vishnu) وقتی که شاد می شود پس آن گاه: برای انسان نیک پسرش خوش کردار می شود، همسرش زن پاک دامن می شود، برای خدمتگاران اربابی مهربان می شود، برای دوستانش دوست خوب می شود، برای اربابش خدمتگار وفادار می شود، دلش از درد و غم تهی می شود و صورتش زیبا و قشنگ می شود، حرفش خردمندانه می شود، و تمام خصوصیات نیکو و پسندیده و خودورزی را بدست می آورد.

[x]. سخنی درباره ی کار:

नमस्यामो देवान्ननु हतविधेस्तेऽपि वशगा,

विधिर्वन्द्यः सोऽपि प्रतिनियतकर्मैकफलदः।

फलं कर्मायत्तं यदि किममरैः किञ्च विधिना,

नमस्तत्कर्मभ्यो विधिरपि न येभ्यः प्रभवति।।109।।

نَمَسْیَاْمُو دِوَائُنْ هَتَوْدَهْسْت اَب وَشْگَا
 وَدْهَرُو نَدِیَہ سَوَاپ پُرِتِینِکَر مُگْہَلَدَہ
 پُہَلَم کَرْمَایتَم یَدِ کِمَرہ کُنْچ وَدِہِنَا
 نَمَسْتْکَرْمَبْہِیَو وَدْهَرِپ ن پِہِیَہ پُرِ بْہَوَت

109. هرچند که ما به خدا سلام می کنیم، ولی خواست او وابسته بر تقدیر است. پس ما تقدیر را سلام می کنیم، اما همین تقدیر هم وابسته بر اعمال است، و نتیجه ی آن هم وابسته بر کار ماست. پس با خدا چه کار داریم ؟ و تقدیر هم برای چیست ؟ بنابراین سلام و درود بر آن کار و اعمال باد که در واقع از خدا هم بالاتر است.

ब्रह्मा येन कुलालवन्नियमितो ब्रह्माण्डाण्डोदरे,

विष्णुर्येन दशावतारगहने क्षितो महासङ्कटे।

रुद्रो येन कपालपाणिपुटके भीक्षाटनं कारितः,

सूर्यो भ्राम्यति नित्यमेव गगने तस्मै नमः कर्मणे।।110।।

چَنُدرَ گُپْتِ بَهَارَتِیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیٹِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُہَرِتری ہری

(Bhartrihari's)

بَرُہْمَا یَنْ کُلَالَوَیِیْمِنُو بَرُہْمَانْدَبْہَانْدَوَدَر
وَشَنُزِیْن دَسَاوَنَارَگْہِن کُشْہِیْتُو مَہاسَنُکِت
رُذَرُو یَنْ کِپَالِنِیپَتِکِ بَہِیْکُشْہَاتَم کَارَتَہ
سُرُیو بُہَرَمِیْتِ نِیْمُو گْگَن تَسَم تَمَہ کَرَمَن

110. سلام و درود بر آن کار است که با آن خداوند برہْمَا (Brahma) مثل کوزگر این دنیا را ساخته است، خداوند وِشْنُ (Vishnu) برای حفاظت کردن دنیا ده بار در صورت انسان به دنیا آمده است، خداوند مَہِشَن (Mahesha) که برای گدایی کردن استخوان سر انسان را در دست گرفته است، و خورشید هر روز در آسمان گردش می کند.

या साधूंश्च खलान् करोति विदुषो मूर्खान् हितान् द्वेषिणः,

प्रत्यक्षं कुरुते परोक्षममृतं हालाहलं तत्क्षणात्।

तमाराधय सत्क्रियां भगवतीं भोक्तुं फलं वाञ्छितं,

हे साधो व्यसनैर्गुणेषु विपुलेष्वास्थां वृथा मा कृथाः॥111॥

یَا سَاذْہُو شُچْ کُہَلَانْ کَرَوَت وِدُشُو مَوْرُکْہَانْ ہَتَانْ دُوشِنَہ
پَرُتِیْکُشْہَمْ کُرَت پَرُوکُشْہَم مَرْتَمْ ہَا لَہَلْم تَتْکُشْہَنَات
تَمَارَاذْہِی سَتْکَرِیَامْ بَہِگُو تِیْمْ بَہُوکُشْہَم پَہَلْم وَاچْہَتَم
ہ سَاذْہُو وِیْسَنَزْکُشْہِشْ وِیْلُشُو اسْتْہَام وَرْتْہَا مَ کَرْتْہَاہ

111. ای انسان نیک! آن کاری، که شخص بد را تبدیل به شخصی خوب می کند، انسان نادان را خردمند می کند، دشمن را دوست می کند، نا دیدنی ها را دیدنی می کند، و زهرها را آب حیات می کند، و اگر سرانجامی نیک می خواهید، کار نیک بکنید. فقط برای نفع هر چیز، آن چیزها را دوست مدار و درد ها و غم ها را از خود دور بکن.

शुभ्रं सद्म सविभ्रमा युवतय श्वेतातपत्रोज्ज्वला,

लक्ष्मीरित्यनुभूयते चिरमनुस्यूते शुभे कर्मणि।

विच्छिन्ने नितरामनंगकलह क्रीडाव्रुत्तन्तुकं,

मुक्ताजालमिव प्रयाति झटिति भ्रश्यते दिशो दृश्यताम्॥112॥

شُبْہَرَم سَدَم سَوْبْہَر مَ یُوئِی شَوَاتِیْبَرُو جَوَلَا
لُکُشْہَمِیر نِیْبْہَوِیْت چَرْمُسْنِیَوْت شُبْہ کَرَمَن
وِچْچِہِن یَتْرَا مَنُگْکَلہ کَرِیْدَا تَرْتِشْہَتْکَم
مُکْتَا جَالْمُو پَرِیَات جَہِیْت بُہَر شِیْتِ دِشُو دَر شِیْتَام

چَنْدَر گُپْت بَهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَرِی

(Bhartrihari's)

112. نتیجه ی کارهای خوب انسان از تناسخ قبلی اش، در تناسخ کنونی نتیجه ی خوب می دهد⁴¹، یعنی نتیجه ی کارهای خوب انسان در سرنوشت و آینده اش دخیل است. با آن نتیجه ی خوب، انسان خانه ای زیبا و بزرگ، زن زیبا، ثروت پاک و دیگر چیزهای قشنگ به دست می آورد. خواهش های نفسانی انسان بعد از انجام کارهای خوب مثل تار گردنبند شکسته و پوشیده ای می شود که دیگر تحملی ندارد. هیچ چیزی مهمتر از کار یا انجام عمل خوب نیست.

गुणवद्गुणवद् वा कुर्वता कार्यमादौ, परिणतिरवधार्या यत्नतः पण्डितेन।

अतिरभसकृतानां कर्मणामाविपत्तेर्भवति हृदयदाही शल्यतुल्यो विपाकः॥113॥

کُنُوْد اَکْنُوْد وَا کُرُوْتَا کَارِیْمَاْدُو، پَرِنَتِیَرَوْدَهَارِیَا یَنْتَنَه پَنْدِیْتِن
اَتِیْرَبْهَسْکَرْتَانَام کَرْمَنَامَاوِیْتِیْرَبْهَوْت هَرْدِیْدَاهِی شَلِیْتَلِیُو وِپَاکَه

113. قبل از انجام هر کاری، باید خوب به نتیجه ی آن کار فکر کرد چون اگر کاری بکنیم که نتیجه ی آن کار پشیمانی باشد، آن فکر تا دم مرگ نیز ما را آزار خواهد داد.

स्थाल्यां वैदूर्यमय्यां पचति तिलकणांश्चान्दनैरिन्धनौघैः,

सौवर्णैर्लाङ्गलाग्रैर्विलिखति वसुधामर्कमूलस्य हेतोः।

कृत्वा कर्पुखण्डान वृत्तिमिह कुरुते कोद्रवाणां समन्तात्,

प्राप्येमां कर्मभूमिं न चरति मनुजो यस्तपो मन्दभाग्यः॥114॥

سَتْهَالِیَام وِدُورِیْمِیَام پَچَتِ تِلَکَنَاشْچَانْدِنِیْرِنْدَهَنُوْگَهَی
سَوُورِنِیْرِلَاَنْگَلَاْگَرِوْلِکْهَتِ وِسُدْهَامَرْکَمُولْسِی هِتُوْ
کُرْتُوَا کُرِیْرُکْهَنْدَان وُرِیْمَه کُرْتِ گُوْدِرَوَانَام سَمَنْتَات
پُرِاِیْمَام کَرْمَبْهَوْمِمْ نَ چَرَتِ مَنُجُو یَسْتِیُو مُنْدَبْهَآگِیَه

114. انسان بدبختی که در این دنیا آمده است ولی کارش و رفتارش نیک نیست، کار کردنش مثل این است که او در دیگچه ای که از گوهری به نام وِدُورِی (Vaidoorya) ساخته شده است، با چوب سندان سنج را می پزد، یعنی کار بیبوده می کند، برای ریشه های درخت آک⁴² (Aaka) با خیش طلایی زمین را شخم می زند، و با دانه ی کافور دوره علف را دیوار می کشد.

⁴¹ هندوها باور دارند که انسان ها بارها می میرند و بارها به دنیا می آیند، تا آن وقتی که آنها به خداوند نرسیده باشند. برای رفتن نزد خداوند،

باید در این دنیا کارهای نیک انجام دهند.

⁴² آک (Aaka) : نام درختی در هند که ثمره و میوه ندارد و به کاری نمی آید.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتشتگم

(Nitishatakam)

بھرتری ھری

(Bhartrihari's)

नैवाकृतिः फलति नैव कुलं न शीलं, विद्यापि नैव न च यत्नकृतापि सेवा।

भाग्यानि पूर्वतपसा खलु सञ्चितानि, काले फलन्ति पुरुषस्य यथैव वृक्षाः।।115।।

نَوَاكْرَتِه پَهَلْتِ نَو كَلْمَ نَ شَيْلَمَ، وَدَيَاپَ نَو نَ چَ يَنْتَكْرَتَاپَ سَوَا
بُهَاگْيَانِ پُرُوْتَيْسَا كَهْلَ سَنْجَتَانِ، كَالِ پَهْلَنْتِ پُرُشَسَيَ يَنْهَوُ يَنْهَوُ وَرَكْشَهَا

115. نه صورت زيبا و نه خانواده و طبقه و رفتار و هوش و تلاش و خدمت هيچ يك مهم
نيسند، ولي پيش از تناسخ اين نتيجه ي اعمال ما ست كه به ما بر مي گردد و نتيجه و ثمره
ي آن قبل از هرچيزي به خود ما باز مي گردد، مثل درخت كه در وقت خاص ميوه مي دهد.

मज्जत्वम्भसि यातु मेरुशिखरं शत्रून् जयत्वावहे,

वाणिज्यं कृषिसेवने च सकला विद्याः कलाः शिक्षताम्।

आकाशं विपुलं प्रयातु खगवत् कृत्वा प्रयत्नं परं,

नाभाव्यं भवतीह कर्मवशतो भाव्यस्य नाशः कुतः।।116।।

مَجْتَوْمُبْهَسِ يَاتُ مَرْشِيكْهَرْمَ شَنْزَوْنُ جَيْتَوَاوَه
وَإِنِجَيْمَ كَرْشِيوْنُ چَ سَكَلَا وَدَيَاَهَ كَلَاهَ شِيكْشَهَتَامَ
آكَاشْمَ وَيْلْمَ پُرَيَاتُ كَهْكَوْثُ كُرْتَوَا پُرَيَنْتَمَ پَرْمَ
نَابْهَاوَيْمَ بَهَوْتِيَهَ كَرْمَوْشَنَوُ بَهَوَيْسَيَ نَاشَهَ كُتَه

116. اگر انسان زير آب برود و يا بر بالاي كوه برود، و يا در جنگ پيروز شود، اگر
كيمياگري يا سوداگري و يا كشاورزي و يا خدمت كاري و خرد را هم بياموزد، و يا اگر با
كوشش زياد مثل پرنده اي به آسمان ببرد، با كار مي تواند به هر چيز برسد، و آن را مي
توان شدي يا ناشدي كرد.

वने रणे शत्रुजलाग्निमध्ये, महार्णवे पर्वतमस्तके वा।

सुप्तं प्रमत्तं विषमस्थितं वा, रक्षन्ति पुण्यानि पुरा कृतानि।।117।।

وَ نَ رَنَ شَنْزَجَلَاگْنِمْدَهَيَ، مَهَارَنَوُ پُرُوْتَمْسَتْکَ وَ
سُپْتَمَ پَرْمَتَمَ وَشَمْسَهَتَمَ وَ، رَكْشَهَنْتِ پَنْيَانِ پُرَا كُرْتَانِ

117. نتيجه ي كارهاي خوب انسان كه در تناسخ قبلي انجام داده است در هر كجا در جنگل
و دامن در جنگ و ميان دشمنان، و در آب و آتش، در دريای پهناور، در بالاي كوه و در
هر زمان به او باز مي گردد، و نتيجه ي كارهاي نيك او، او را مي تواند از اسيب روزگار
حفظ كند.

چَنْدَر گپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیپیشنگم

(Nitishatakam)

بھرتری هری

(Bhartrihari's)

भीमं वनं भवति तस्य पुरं प्रधानं, सर्वो जनः स्वजनतामुपायति तस्य।

कृत्वा च भूर्भवति सन्निधिरत्नपूर्णा, यस्यास्ति पूर्वसुकृतं विपुलं नरस्य।।118।।

بُهَيْمَمْ وَتَمْ بُهَوْتِ تَسَى پُرْمْ پُرْدَهَانَمْ، سَرَوُو جَنَّة سَوَجَنَتَامُپَايَتِ تَسَى
کُرُتْسَنَّا چَ بُهَوْرُبُهَوْتِ سَنِدَهَرْتَنُپُوْرَنَّا، یَسَنَیَسَتِ پُوْرُوْسُکُرَتَمْ وَپُلَمْ نَرَسَى

118. نتیجه ی نیکوکاری های انسان که در تناسخ قبل انجام داده است، می تواند هر چیزی را برای انسان آسان تر و زیبا تر کند، جنگل خطرناک را همانند شهری زیبا می کند، دیگران را همانند خانواده، و زمین را پر از گوهر و شهرت می کند. پس در این جهان اعمال مهمتر از هر چیز است.

कर्मायत्तं फलं पुंसां बुद्धिः कर्मानुसारिणी।

तथापि सुधिया भाव्यं सुविचार्यैव कुर्वता।।119।।

کَرْمَايَتَمْ پُهَلَمْ پُنَسَامْ بُدْذِهْ کَرْمَانَسَارَنَى
تَنَهَپَ سَدَهِيَا بَهَاوَتَمْ سَوَجَارِپُو کُرَوَتَا

119. نتیجه ی هر کاری بر آن کار وابسته است، و خرد هم پیرو کار کردن و عمل کردن است و علم و خرد بدون عمل، بهره و فایده ای ندارد، پس خردمند باید به خرد خویش عمل کند و آن را در خدمت بگیرد.

आलस्यं हि मनुष्याणाम् शरीरस्थो महात्रिपुः।

नास्त्युद्यमसमो बन्धुः कुर्वाणो नावसीदति।।120।।

اَلْسَيْمُ هِ مَنُشِيَانَامْ شَرِيْرَسْتَهَو مَهَاتْرِپَه
نَاسْتِيْدِيْمَسَمُو بَنْدَهْ کُرَوَانُو نَآوَسِيْدَتِ

120. تنبلی، بزرگترین دشمن انسان است که در ذات خودش وجود دارد، پُر کاری و فعالیت و تلاش، بزرگترین دوست انسان است که با این فعالیت، هیچ غمی یافت نخواهد شد.

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَندُر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

واژہ نامہ کتاب

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

لغاتنامہ کتاب

संस्कृत अथवा हिन्दी उच्चारण

فارسی (فارسی)

आक	1 آک ⁴³ (Aaka)
इन्द्र	2 इन्द्र ⁴⁴ (Indra)
ऐरावत	3 ऐरावत ⁴⁵ (Airaavata)
उजैन	4 اوجین ⁴⁶ (Ujain)
उदुम्बर	5 اُدمبر ⁴⁷ (Udumbar)
इत्सिंग	6 ایتسینگ (Itasing)
ब्रह्मा	7 برهما ⁴⁸ (Brahma)
ब्राह्मण	8 براهمن ⁴⁹ (Braahamana)
बृहस्पति	9 ब्रहस्पति ⁵⁰ (Brihaspati)
भर्तृहरि	10 بهرتری ھری ⁵¹ (Bhartrihari)
पिंगला	11 پینگلا ⁵² (Pingla)
देवनागरी	12 دیوناگری ⁵³ (Devnagri)
ध्रुव	13 دھرو ⁵⁴ (Dhuruva)

⁴³ آک (Aaka) : نام درختی در هند که ثمره و میوه ندارد و به کاری نمی آید.

⁴⁴ इन्द्र (Indra) : در هند اندر خدا ی باران است

⁴⁵ ऐरावत (Airaavata) : اسم فیل است که سواری इन्द्र (Indra) است.

⁴⁶ اوجین (Ujain) : اسم شهر هند.

⁴⁷ اُدمبر (Udumbar) : نام میوه ای است که در هند وجود دارد. در تخم این میوه پشه های زیادی بوجود می آید.

⁴⁸ برهما (Brahma) : اسم خداوندند.

⁴⁹ براهمن (Braahamana) : قبلاً در هند کسی را که درس می دهد و درس می گیرد خردمند و برهمن می نامند.

⁵⁰ ब्रहस्पति (Brihaspati) : اسم استاد و آموزگار इन्द्र (Indra) و دیگر الهی های هندی است.

⁵¹ بهرتری ھری (Bhartrihari) : نویسنده کتاب نیتیشتکم (Nitishatakam).

⁵² پینگلا (Pingla) : اسم هم سر پادشاه بهرتری ھری (Bhartrihari) بود.

⁵³ دیوناگری (Devnagri) : اسم الفبای سانسکرت.

⁵⁴ دھرو (Dhuruva) : اسم ستاره است.

چَنُدر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشَتکَم

(Nitishatakam)

بھارتی ھری

(Bhartrihari's)

14	راھو ⁵⁵ (Raahu)	راھو
15	رَاج یَکْشَمَما ⁵⁶ (Rajyakshymaa)	راجیہکشمما
16	ژوپیتَر ⁵⁷ (Jupiter)	بڑھسپتی (ग्रह)
17	چاتاک ⁵⁸ (Chaataaka)	چاتک
18	چینی (Chines)	چینی
19	سَمُورَتَک ⁵⁹ (Samvartak)	سمورتک
20	سیمہاسن دواتریشکا ⁶⁰ (Simhasandvatrinshaka)	سیمہاسن دواتریشکا
21	سُریکانت ⁶¹ (Suryakaanta)	سُریکانت (मणि)
22	سُواتی نَکْشَتر ⁶² (Swaati nakshatra)	سواستی ناکشتر
23	سُمُر ⁶³ (Sumeru)	سومیر (पर्वत)
24	شرینگار شتک ⁶⁴ (Shringarshatakam)	شرینگار شتک
25	شیریش ⁶⁵ (Shireesha)	شیریہ (कुसुमम)
26	شیشناگ ⁶⁶ (Sheshanaaga)	شیشناگ
27	شیو ⁶⁷ (Shiva)	شیو
28	سُورگ ⁶⁸ (Swarga)	سُورگ

⁵⁵ رَاهو (Raahu) : نام یک دیو ہندی است کہ فقط سر دارد، قالب ندارد.

⁵⁶ رَاج یَکْشَمَما (Rajyakshymaa) : - اسم یک بیماری ہندی.

⁵⁷ ژوپیتَر (Jupiter) : در سانسکریت "بڑھسپتی" (Brahapati) است.

⁵⁸ چاتاک (Chaataaka) :- اسم پرند باران ہندی.

⁵⁹ سَمُورَتَک (Samvartak) : در ہند ابراہا بر پنج قسم ہستند. پوشکر، آورتک، سمورتک و دیگر.....

⁶⁰ اسم کتاب سانسکریت.

⁶¹ سُریکانت (Suryakaanta) : اسم گوہری ہندی کہ با قرار دادن در جلوی خورشید روشن می شود و

بسیار می درخشد.

⁶² سُواتی نَکْشَتر (Swaati nakshatra) : نَکْشَتر یعنی ستارہ . "سُواتی" نام ستارہ ی است کہ در علم

اختر شناسایی ذکر شدہ است.

⁶³ سُمُر (Sumeru) : اسم کوهی ہندی کہ در داستان های ہندی بہ نام کوه طلا گفتہ شدہ است.

⁶⁴ شرینگار شتک (Shringarshatakam) : اسم کتاب سانسکریت است.

⁶⁵ شیریش (Shireesha) : گل ہندی کہ برگش سرخ و بسیار نرم و لطیف است.

⁶⁶ شیشناگ (Sheshanaaga) : اسم مار بزرگ.

⁶⁷ شیو (Shiva) : اسم خدای ہندی.

⁶⁸ سُورگ (Swarga) : اسم فردوس یا بہشت ہندی ہا.

چَنْدَر گُپْت بُهَارْتِیَه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتِری هَرِی

(Bhartrihari's)

کِتو	29	کِتْ ⁶⁹ (Ketu)
کَرِیر	30	کَرِیر ⁷⁰ (Kareera)
کَلْپَلاتا	31	کَلْپَلاتا ⁷¹ (Kalpalataa)
کالیداس	32	کالی داس ⁷² (Kalidasa)
کَشَو	33	کِشَو ⁷³ (Keshava)
کَنْکول	34	کَنْکول ⁷⁴ (Kankola)
کُموَد	35	کُموَد ⁷⁵ (Kumud)
گَنْدھَرْوَسین	36	گندھرو سین ⁷⁶ (Gandharvashen)
گَنگا	37	گَنگا ⁷⁷ (Ganga)
مَلْی (پَرِوت)	38	مَلْی ⁷⁸ (Malaya)
مِناک (پَرِوت)	39	مِناک ⁷⁹ (Menaaka)
مِرو (پَرِوت)	40	مِرو ⁸⁰ (Meru)
مَہِش	41	مَہِش ⁸¹ (Mahesha)
نِیْتِشَتَکَکَم	42	نِیْتِشَتَکَم ⁸² (Nitishatakam)
نِیم	43	نِیم ⁸³ (Neem)

⁶⁹ کِتْ (Ketu) : نام یک دیو هندی است که فقط قالب دارد، سر ندارد.

⁷⁰ کَرِیر (Kareera) : - اسم درختی هندی که برگ ندارد.

⁷¹ کَلْپَلاتا (Kalpalataa) : اسم یک نوعی درخت هندی که همیشه سبز است.

⁷² کالی داس (Kalidasa) : اسم شاعر بزرگ هندوستان.

⁷³ کِشَو (Keshava) : اسم خدای هندی.

⁷⁴ کَنْکول (Kankola) : اسم درخت هندی که بی مزه و بی بو و ترد است.

⁷⁵ کُموَد (Kumud) : اسم گل هندی که در شب شکوفه می شود.

⁷⁶ گَنْدھَرْوَسین (Gandharvashen) : اسم پدر بُهَرْتِری هَرِی (Bhartrihari) است.

⁷⁷ گَنگا (Ganga) : اسم رودخان بزرگ و پاک در هند.

⁷⁸ مَلْی (Malaya) : نام کوهی در هند که درخت صندل در آنجا زیاد رشد می کند.

⁷⁹ مِناک (Menaaka) : نام کوهی در هند.

⁸⁰ مِرو (Meru) : اسم کوه بزرگ در هندوستان.

⁸¹ مَہِش (Mahesha) : اسم خداوند هند.

⁸² نِیْتِشَتَکَم (Nitishatakam) : یعنی صد بیت درباره رفتار نیک. (اسم این کتاب که دست شماست.)

⁸³ نِیم (Neem) : اسم درخت هندی که بی مزه و بی بو و ترد است.

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بُھَرْتَرِی هَرِی

(Bhartrihari's)

واک्यपदीयम्

44 واکیدییَم⁸⁴

(Vakyapadiyam)

वैदूर्य (मणि)

45 وِدُورِی⁸⁵ (Vaidoorya)

वैराग्यशतकम्

46 ویراگِیشَتَکَم⁸⁶

(Vairagyashatakam)

वज्र

47 وَجَر⁸⁷ (Vajra)

विक्रमादित्य

48 وِکْرَمادِیْتَه⁸⁸

(Vikramaaditya)

विक्रम संवत्

49 وِکْرَم سَمُوت⁸⁹

(Vikram samvata)

विक्रमाङ्कदेवचरितम्

50 وِکْرَمانَک رِیو چَرِیْتَم⁹⁰

(Vikramankdevcharitm)

विष्णु

51 وَشَن⁹¹ (vishnu)

हिमालय

52 هِمَالِیا⁹² (Himaalaya)

हून

53 هُون (Hoon)

⁸⁴ واکیدییَم (Vakyapadiyam) : اسم کتاب دستور زبان سانسکریت.⁸⁵ وِدُورِی (Vaidoorya) : اسم گوهر است.⁸⁶ وِیراگِیشَتَکَم (Vairagyashatakam) : اسم کتاب سانسکریت. نویسنده ی این کتاب هم بُهَرْتَرِی هَرِی (Bhartrihari) است.⁸⁷ وَجَر (Vajra) : اسم اسلحه ی اِنْدْرَ (Indra) است.⁸⁸ وِکْرَمادِیْتَه⁸⁸ (Vikramaaditya) : اسم پادشاه بزرگ هندوستان است. "چَنْدَر گُپْتا دُوتِی" (Chandragupta 2nd) اسم دیگر وِکْرَمادِیْتَه⁸⁸ (Vikramaaditya) است. وِکْرَمادِیْتَه برادر بزرگ بُهَرْتَرِی هَرِی بود.⁸⁹ وِکْرَم سَمُوت (Vikram samvata) : سالنامه هندی. وِکْرَمادِیْتَه که اولین بار در هند به نام وِکْرَم سَمُوت (Vikram samvata) سالنامه درست کرد.⁹⁰ وِکْرَمانَک رِیو چَرِیْتَم (Vikramankdevcharitm) : اسم کتاب سانسکریت که درباره وِکْرَمادِیْتَه (Vikramaaditya) نوشته شده است⁹¹ وَشَن (vishnu) : اسم خداند هند.⁹² هِمَالِیا (Himaalaya) : اسم کوه.

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھَرْتُرِی ہری

(Bhartrihari's)

ضمیمہ

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

آواهای الفبای فارسی و سانسکریت

می دانیم که در زبان فارسی سه و دو حرف ها ست ولی در زبان سانسکریت حرف از فارسی بیشتر هست و به زبان پنجاه و دو می رسد. این آواها در الفبای فارسی چون : ث، ح، ذ، ز، ژ، ص، ض، ع، غ، ف، ق، در زبان سانسکریت نیستند. همون طور که ذکر شد الفبای سانسکریت خیلی زیاد است و ما در این جا فقط پنجاه و دو الفبای آن را با فارسی می توانیم تطبیق بدهیم.

سانسکریت	انگلیسی	فارسی
अ	A	ا
ब	B	ب
प	P	پ
त	T	ت
X	S	ث
ज	J	ج
च	CH	چ
X	H	ح
X	KH	خ
द	D	د
X	Z	ذ
र	R	ر
X	Z	ز
X	ZH	ژ
स	S	س
श	SH	ش
X	S	ص
X	Z	ض
X	T	ط
X	Z	ظ
X	A/E	ع
X	GH	غ
X	F	ف

چَنْدَر گُپْت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھرتْری هری

(Bhartrihari's)

X	K	ق
क	K	ک
ग	G	گ
ल	L	ل
म	M	م
न	N	ن
व / ऊ	W/U/OO	و
ह	H	ه
य / ई	Y/EE	ی

آواهای الفبای ساندکربت با صدادار فارسی در فارسی

Vowels:

سانسکریت	صدای انگلیسی	فارسی
अ	A	اَ
आ	Aa	آ
इ	I	اِ
ई	Ee	ای
उ	U	اُ
ऊ	Oo	او
ए	E	ای/اِ
ऐ	Ai	ای
ओ	O	اُ/او
औ	Au	او
अं/अँ	an/am	آن
अः	Ah	آه
ऋ	ri	رِ/ری
ॠ (दीर्घ)	ree	ری
ऌ	lri	لِ/لری
ॡ (दीर्घ)	lree	لری

چَنْدَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھارتی ہری

(Bhartrihari's)

Consonants

	अ	आ	इ	ई	उ	ऊ	ए	ऐ	ओ	औ	अं	अः
	a	aa	i	ee	u	Oo	e	Ai	o	au	an	ah
क	क	का	कि	की	कु	कू	के	कै	को	कौ	कं	कः
K	ka	kaa	ki	kee	ku	Koo	ke	kai	ko	kau	Kam	Kah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ख	ख	खा	खि	खी	खु	खू	खे	खै	खो	खौ	खं	खः
Kh	kha	khaa	khi	khee	khu	khoo	khe	khai	kho	khau	Kham	khah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ग	ग	गा	गि	गी	गु	गू	गे	गै	गो	गौ	गं	गः
G	ga	gaa	gi	gee	gu	goo	ge	gai	go	gau	Gam	gah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
घ	घ	घा	घि	घी	घु	घू	घे	घै	घो	घौ	घं	घः
Gh	gha	ghaa	ghi	ghee	ghu	ghoo	ghe	ghai	gho	ghau	Gham	ghah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ङ	ङ	ङा	ङि	ङी	ङु	ङू	ङे	ङै	ङो	ङौ	ङं	ङः
ang	anga	angaa	angi	angee	angu	angoo	ange	angai	ango	angau	Angam	angah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
च	च	चा	चि	ची	चु	चू	चे	चै	चो	चौ	चं	चः
Ch	cha	chaa	chi	chee	chu	choo	che	chai	cho	chau	Cham	chah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
छ	छ	छा	छि	छी	छु	छू	छे	छै	छो	छौ	छं	छः
Chh	chha	chhaa	chhi	chhee	chhu	chhoo	chhe	chhai	chho	chhau	Chham	chhah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ज	ज	जा	जि	जी	जु	जू	जे	जै	जो	जौ	जं	जः
J	ja	jaa	ji	jee	ju	joo	je	jai	jo	jau	Jam	jah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
झ	झ	झा	झि	झी	झु	झू	झे	झै	झो	झौ	झं	झः
Jh	jha	jhaa	jhi	jhee	jhu	jhoo	jhe	jhai	jho	jhau	Jham	jhah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ञ	ञ	जा	जि	जी	जु	जू	जे	जै	जो	जौ	जं	जः
Yn	yna	ynaa	yni	ynee	ynu	ynoo	yne	ynai	yno	ynau	Ynam	Ynah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
त	त	ता	ति	ती	तु	तू	ते	तै	तो	तौ	तं	तः
T	ta	taa	ti	tee	tu	too	te	tai	to	tau	Tam	tah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
थ	थ	था	थि	थी	थु	थू	थे	थै	थो	थौ	थं	थः
Th	tha	thaa	thi	thee	thu	thoo	the	thai	tho	thau	Tham	thah
क	क	का	क	की	कु	कू	क	कै	को	कौ	कं	कः
ड	ड	डा	डि	डी	डु	डू	डे	डै	डो	डौ	डं	डः
Ḍ	ḍa	ḍaa	ḍi	ḍee	ḍu	ḍoo	ḍe	ḍai	ḍo	ḍau	Ḍam	ḍah

چَنْدَر گپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیْتِشَتَکَم

(Nitishatakam)

بھرتّری ہری

(Bhartrihari's)

د	د	دا	دی	دی	دو	دو	دے	دے	دو	دو	د	د:
D	da	daa	di	dee	du	doo	de	dai	do	dau	Dam	dah
د	د	دا	د	دی	د	دو	د	دی	د	دو	دَم	دَہ
ध	ध	धा	धि	धी	धु	धू	धे	धै	धो	धौ	धं	ध:
Dh	dha	dhaa	dhi	dhee	dhu	dhoo	dhe	dhai	dho	dhou	dham	dhah
धे	धे	ध्हा	ध्हे	ध्ही	ध्हे	ध्हو	ध्हे	ध्ही	ध्हे	ध्हो	ध्हَم	ध्हَہ
न	न	ना	नि	नी	नु	नू	ने	नै	नो	नौ	नं	न:
N	na	naa	ni	nee	nu	noo	ne	nai	no	nau	nam	Hah
ن	ن	نا	ن	نی	ن	نو	ن	نی	ن	نو	نَم	نَہ
ट	ट	टा	टि	टी	टु	टू	टे	टै	टो	टौ	टं	ट:
T	ta	taa	ti	tee	tu	too	te	tai	to	tau	Tam	Tah
ट	ट	ता	ट	टी	ट	टू	ट	टी	ट	टो	टَم	टَہ
ठ	ठ	ठा	ठि	ठी	ठु	ठू	ठे	ठै	ठो	ठौ	ठं	ठ:
Th	tha	thaa	thi	thee	thu	thoo	the	thai	tho	thau	Tham	Thah
ठे	ठे	ठ्हा	ठ्हे	ठ्ही	ठ्हे	ठ्हो	ठ्हे	ठ्ही	ठ्हे	ठ्हो	ठ्हَم	ठ्हَہ
ड	ड	डा	डि	डी	डु	डू	डे	डै	डो	डौ	डं	ड:
D	da	daa	di	dee	du	doo	de	dai	do	dau	Dam	Dah
ड	ड	दा	ड	दी	ड	डू	ड	डी	ड	डो	डَم	डَہ
ढ	ढ	ढा	ढि	ढी	ढु	ढू	ढे	ढै	ढो	ढौ	ढं	ढ:
Dh	dha	dhaa	dhi	dhee	dhu	dhoo	dhe	dhai	dho	dhou	dham	Dhah
ढे	ढे	ढ्हा	ढ्हे	ढ्ही	ढ्हे	ढ्हो	ढ्हे	ढ्ही	ढ्हे	ढ्हो	ढ्हَم	ढ्हَہ
ण	ण	णा	णि	णी	णु	णू	णे	णै	णो	णौ	णं	ण:
N	na	naa	ni	nee	nu	noo	ne	nai	no	nau	nam	hah
ण	ण	ना	ण	नी	ण	णू	ण	णी	ण	णो	णَم	णَہ
प	प	पा	पि	पी	पु	पू	पे	पै	पो	पौ	पं	प:
P	pa	paa	pi	pee	pu	poo	pe	pai	po	pau	pam	pah
प	प	पा	प	पी	प	पू	प	पी	प	पो	पَم	पَہ
फ	फ	फा	फि	फी	फु	फू	फे	फै	फो	फौ	फं	फ:
Ph	pha	phaa	phi	phee	phu	phoo	phe	phai	pho	phau	pham	phah
फे	फे	फ्हा	फ्हे	फ्ही	फ्हे	फ्हो	फ्हे	फ्ही	फ्हे	फ्हो	फ्हَم	फ्हَہ
ब	ब	बा	बि	बी	बु	बू	बे	बै	बो	बौ	बं	ब:
B	ba	baa	bi	bee	bu	boo	be	bai	bo	bau	bam	bah
ब	ब	बा	ब	बी	ब	बू	ब	बी	ब	बो	बَم	बَہ
भ	भ	भा	भि	भी	भु	भू	भे	भै	भो	भौ	भं	भ:
Bh	bha	bhaa	bhi	bhee	bhu	bhoo	bhe	bhai	bho	bhou	bham	bhah
भे	भे	भ्हा	भ्हे	भ्ही	भ्हे	भ्हो	भ्हे	भ्ही	भ्हे	भ्हो	भ्हَم	भ्हَہ
म	म	मा	मि	मी	मु	मू	मे	मै	मो	मौ	मं	म:
M	ma	maa	mi	mee	mu	moo	me	mai	mo	mau	mam	Mah
म	म	मा	म	मी	म	मू	म	मी	म	मो	मَم	मَہ
य	य	या	यि	यी	यु	यू	ये	यै	यो	यौ	यं	य:
Y	ya	yaa	yi	yee	yu	yoo	ye	yai	yo	yau	yam	yah
य	य	या	य	यी	य	यू	य	यी	य	यो	यَم	यَہ

چَنْدَر گپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نپیشٹکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartihari's)

ر	ر	را	रि	री	रु	रू	रे	रै	रो	रौ	रं	रः
R	ra	raa	ri	ree	ru	roo	re	Rai	ro	rau	ram	rah
ڑ	ڑ	را	ر	ری	ڑ	رو	ر	ری	ڑ	رو	رَم	رَہ
ل	ل	لا	लि	ली	लु	लू	ले	लै	लो	लौ	लं	लः
L	la	laa	li	lee	lu	loo	le	Lai	lo	lau	lam	Lah
ل	ل	لا	ل	لی	ل	لو	ل	لی	ل	لو	لَم	لَہ
व	व	वा	वि	वी	वु	वू	वे	वै	वो	वौ	वं	वः
V	va	vaa	vi	vee	vu	voo	ve	vai	vo	vau	vam	vah
و	و	وا	و	وی	و	وو	و	وی	و	وو	وَم	وَہ
श	श	शा	शि	शी	शु	शू	शे	शै	शो	शौ	शं	शः
Sh	sha	shaa	shi	shee	shu	shoo	she	shai	sho	shau	sham	shah
ش	ش	شا	ش	شی	ش	شو	ش	شی	ش	شو	شَم	شَہ
ष	ष	षा	षि	षी	षु	षू	षे	षै	षो	षौ	षं	षः
Sh	sha	shaa	shi	shee	shu	shoo	she	shai	sho	shau	sham	shah
ش	ش	شا	ش	شی	ش	شو	ش	شی	ش	شو	شَم	شَہ
स्	स	सा	सि	सी	सु	सू	से	सै	सो	सौ	सं	सः
S	sa	Saa	si	see	su	soo	se	sai	so	sau	sam	sah
سن	سن	सा	स	सी	स	सु	स	سی	س	سو	سَم	سَہ
ह	ह	हा	हि	ही	हु	हू	हे	है	हो	हौ	हं	हः
H	ha	haa	hi	hee	hu	hoo	he	hai	ho	hau	ham	hah
ह	ह	हा	ह	ही	हु	हू	ह	ही	हु	हू	हं	हَہ
क्ष	क्ष	क्षा	क्षि	क्षी	क्षु	क्षू	क्षे	क्षै	क्षो	क्षौ	क्षं	क्षः
Kha	ksha	kshaa	kshi	kshee	kshu	kshoo	kshe	kshai	Ksho	kshau	ksham	kshah
کُش	کُش	کُشا	کُش	کُشی	کُش	کُشو	کُش	کُشی	کُش	کُشو	کُشَم	کُشَہ
त्र	त्र	त्रा	त्रि	त्री	त्रु	त्रू	त्रे	त्रै	त्रो	त्रौ	त्रं	त्रः
Tr	tra	traa	tri	tree	tru	troo	tre	Trai	trao	trau	tram	trah
त्र	त्र	त्रा	त्र	त्री	त्र	त्रو	त्र	त्री	त्र	त्रو	त्रَم	त्रَہ
ज्ञ	ज्ञ	ज्ञा	ज्ञि	ज्ञी	ज्ञु	ज्ञू	ज्ञे	ज्ञै	ज्ञो	ज्ञौ	ज्ञं	ज्ञः
Gy	gya	gyaa	gyi	gyee	gyu	gyoo	gye	gyai	gyo	gyau	gyan	gyah
گی	گی	گیا	گی	گی	گی	گیو	گی	گی	گی	گیو	گیَم	گیَہ
جی	جی	جیا	جی	جی	جی	جیو	جی	جی	جی	جیو	جیو	جیَہ
श्र	श्र	श्रा	श्रि	श्री	श्रु	श्रू	श्रे	श्रै	श्रो	श्रौ	श्रं	श्रः
Shr	shra	shraa	shri	Shree	shrū	shroo	shre	shrai	shro	shrau	shram	shrah
شَر	شَر	شَرا	شَر	شَری	شَر	شَرو	شَر	شَری	شَر	شَرو	شَرَم	شَرَہ

tarikhema.ir

THE SANSKRIT ALPHABET AND ITS HARVARD-KYOTO TRANSLITERATION

	कण्ठः	तालु	मूर्धा	दन्ताः	ओष्ठौ
स्वराः Svarāḥ (Vowels)	अ a	इ i	ऋ R	लृ IR	उ u
	आ A	ई I	ऋ RR	लृ IRR	ऊ U
	ए e	ऐ ai		ओ o	औ au
Anusvāra : M (example: अं) Visarga : H (example: अः)					
व्यञ्जनाः Vyañjanāḥ (Consonants)	क् k	च् c	ट् T	त् t	प् p
	ख् kh	छ् ch	ठ् Th	थ् th	फ् ph
	ग् g	ज् j	ड् D	ड् d	ब् b
	घ् gh	भ् jh	ढ् Dh	ध् dh	भ् bh
	ङ् G	ञ् J	ण् N	न् n	म् m
अन्तःस्थाः Antaḥsthāḥ (Semi-vowels)		य y	र r	ल l	व v
ऊष्मानः Ūṣmānaḥ (Sibilants)	ह h	श् z	ष् S	स् s	

چَنْدَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

THE SANSKRIT ALPHABET

संस्कृतवर्णमाला SAṆSKṚTA-VARNA-MĀLĀ

vowels (svara)

simple — short & long:

अ A आ Ā इ I ई I उ U ऊ Ū ऋ Ṛ ॠ Ṛ

guttural

palatal

labial

cerebral

diphthongs — long:

ए E ऐ AI ओ O औ AU | अं AM अः AH | लृ L लृ L

anusvāra

visarga

dental

consonants (vyañjana)

mutes (sparsha)

class - location

hard (voiceless)

soft (voiced)

simple

aspirate

simple

aspirate

nasal

gutturals - throat

क KA ख KHA ग GA घ GHA ङ NA

palatals - middle of mouth

च CA (cha) छ CHA (chha) ज JA झ JHA ञ NA

cerebrals - roof of mouth

ट TA ठ THA ड ḌA ढ ḌHA ण NA

dentals - teeth

त TA थ THA द DA ध DHA न NA

labials - lips

प PA फ PHA ब BA भ BHA म MA

semi-vowels (antastha) — soft

य YA र RA ल LA व VA

palatal

cerebral

dental

labial

sibilants — hard & pure aspirate — soft (ūṣhmaṇ)

श SA (sha) ष ṢA (sha) स SA ह HA

palatal

cerebral

dental

guttural

special compound consonants:

क्ष KṢA त्र TRA ज्ञ JṆA (gña)

The Most commam of the compound Consonants

क	क्व	क्	क्ण	क्त	क्त्य	क्र	क्रय	क्तव	क्	क्य	कम
kka	kkha	kca	kṇa	kta	ktya	ktra	ktrya	ktva	kna	knya	kma
क्य	क्र	क्रय	क्ल	क्	क्व्य	क्ष	क्षम	क्ष्य	क्ष्व	ख्य	ख
kya	kra	krya	kla	kva	kvyā	kṣa	kṣma	kṣya	kṣva	khyā	kha
ग्य	ग्र	ग्रय	घ्न	घ्न्य	घम	घ्य	घ्र	ङ्	ङ्	ङ्य	ङ
gya	gra	grya	ghna	ghnyā	ghma	ghya	ghra	nika	rikta	riktya	rikyā
ङ्	ङ्	ङ्	ङ्	ङ्	ङ्य	ङ्	ङ्	ङ्	ङ्	ङ्	ङ्
ṅka	ṅkha	ṅka	ṅkha	ṅka	ṅka	ṅka	ṅka	ṅka	ṅka	ṅka	ṅka
ज्य	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च	च्च
riya	cca	ccha	cchra	cña	cma	cya	chya	chra	jja	jjha	jña
झ्य	ज्म	ज्य	ज्र	ज्व	ञ	ञ	ञ	ञ	ञ	ञ	ञ
jña	jma	jya	jra	jva	ña	ñma	ñya	ñha	ña	ñja	ña

क्ष ksh, द्य dy, त्र tr, त्व tw, त्त tt, न्न nn, द्द dd, क्त kt, त्त tk,
 क्न kn, क्तव ktv, ज्ञ jn, व्य vy, स्य sy, श्य shy, भ्य bhy, ध्य dhy,
 प्य py, त्रय try, त्य ty, न्य ny, श्य shy, ख्य khy, च्य chy, ल्य ly,
 श्य kshy, ग्य gdh, ब्य bdh, ड् ddh, ङ् dbh, द्ध dv, द्ध dg, द्ध dgr,
 प्र pt, प्र pn, प्र pr, श्र shr, श्र shch, श्र shw, श्र shn, य gr,
 ग्न gn, क्र kr, द्र dr, छ chhr, र्क rk, र्म rmm, र्व rev, र्य ryy, ङ् n-k,
 ङ् nkh, ङ् ng, ङ् dg, ञ् nich, ञ् nichh, ञ् nj, एट nt, एट nth,
 एट nd, ना nt, ल तn, एय ny, ए न्न, ए श्त, ए श्तth, ए श्त्र,
 ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र, ए श्त्र,
 स्क् sk, स्थ sth, स्न sn, न्व ntw, न्व ntr, न्य nty, न्य ntry,
 च chch, च्च chchh, ज्ञ jj, त्त tt, त्त ttr, ह्य hy, ह्य hm, ह्य hn,
 ह्य hn, ह्य hr, द्म dm, क्व kw, क्ल kl, ग्ल gl, क्क kk, ज्व jw, द्ध dbhy,
 द्ध ddhy, ग्य gry, ध्व dhv, च bj, ब्ब bbh, ध्ध dhm, न्ध ndh, क्ष्ण kshn,

چَنُدر گُپְت بھارتیه

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیپیشنگم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

Later on a great Sanskrit fable text 'Hitopadesha' has been translated into German language by Max-Mueller (Student of Prof. Yunin Vanaf) with a short explanation.

Persian translation of Kalidasa's 'Abhigyan-Shakuntalam' was done by Prof. Ali Asgar Heqamat. Thereafter, Prof. Hadi Hasan also translated it into Persian by referring to William John's English translation of 'Abhigyan Shakuntalam'. Prof. S.A.H. Abidi translated the 'Vikramorvashayam' into Persian.

Chandragupta Bhartiya
YEAR, 2014

چَنْدَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیشنگم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

Sarini. Then, in the reign of Nasaruddin (Ethe says that most probably Humayun was the Nasaruddin), Sanskrit text 'Hitopadesh' was translated into Persian as 'Mufa-Rihul-Qutul' (Tajam-ali-taj-mufti-al-Maliq) and Taj-al-ghani.

A number of Persian translations of Sanskrit texts were done during the rule of Akbar. This era is called as the 'Golden Era' for the Persian translation of Sankrit-texts. By Akbar's orders, many Sanskrit texts were translated into Persian language such as Vedas, Upanishads, Ramayana, Mahabharata, Bhagavadgita, Yogavashistha, Rajatarangini, Kathasaritsagar, Sinhasandwavinshatika, Vetalphanchvinshatika, Lilawati, Bhaskaracharya's Siddhantashiomani, Nal-Damayanti-Upakhyam, Bhadvadpuraw, etc. Besides, some other books related to Music, Medical Sciences, Astronomy, Mathematics, Stories of Puranas, Indian Philosophy, etc. were translated during this period. Mustafa Khalid daad Abbasi translated 'Panchatantra' into Persian and titled it 'Panch Ammana'. This work was published by Aligarh Muslim University in 1973 and afterwards from Tehran in 1984. Narayana Pandit's 'Hitopadesh' was translated by Tajuddin Mufti under the title 'Mufarahull-Qutub'.

After Akbar, during the reign of Jahangir (1605-1627 AD) Sanskrit text 'Yogavashishtha' was translated into Persian by Nijam Panipati. He completed this work along with two Brahmin pundits (scholars). Then, towards the end of Aurangzeb's reign, (1705-1706 AD), Roopnarayan Khatri translated 'Kathopnishada' (Nachiketa) into Persian as 'Haqate-Nachiketa'. 'Prabodhachandroday' was also translated into Persian by Bhikam Vairagi under the name 'Gulzare Hal' of 'Tulu-e-Qamare-Ma'arafat'. Besides, Dara Shukuh (elder son of Shahjahan) translated Bagwadgita into Persian. Moreover, he also translated 22 Upanishads into Persian as 'Sirre-Akabar'

The Tradition of translation of Sanskrit Text into Persian & other languages

The tradition of translation of Sanskrit-text into foreign languages is age-old. It is difficult to find out which is the oldest Sanskrit text to have been translated, and in which language had it first been translated. But some scholars say that before 570 AD, the Pahalavi translation of the Sanskrit text 'Panchatantra' by Borzya is most probably the first translation of a Sanskrit text into Pahalavi (Middle Persian) language. Afterwards, it was translated into many languages such as Syriac, Greek, Arabic, Hebrew, Persian, Spanish, English, etc.

And since then, many Sanskrit-texts have been translated into many other languages like the Persian translation of Varahmihir's 'Brihatsamhita' by Mohammad Al-Barunee. He translated some other Sanskrit texts into Persian language such as 'Trivasak', Patanjali's 'Yogadarshan', Barahmihir's 'Laghujatak', and 'The Principles of Indian Mathematics'.

In the period of Firoz Shah Tughlaq(1351-1388AD), Izzuddeen Khalid Khani translated a Sanskrit Astronomy book into Persian language by the name of 'Dola-il-e-Firojshahi'. Then Abdul Ajiz Shaqs Baheruni (Shams Alif Siraz) translated Barahmihir's Brihatsamhita into Persian. At that time a music text book in Sanskrit 'Sangeet Darpan' was translated into Persian as 'Khunyat-ul-Mumya'. In 1370-71AD, Firojshah Tughlaq found around 1300 Sanskrit manuscripts and these manuscripts were translated into Persian by the order of Firojshah Tughlaq.

During the time of Sikandar Lodi (1489-1517AD), Mayan Yunat Khan translated a Sanskrit Medical textbook named 'Mahavaidyak' into Persian and named it 'Tibbe-Sikandari'. In the reign of Mohammad Shah Bahamani, Vagabhatta's Sanskrit-text 'Ashtanghridayam' was translated into Persian and named 'Tibbe-Mahmudashani'. During Humayun (1530-1556AD), Sanskrit-text 'Amritkunda' was translated into Persian by Sufi Mohammad

چَنُدرَ گُپْتِ بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشاکم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

A Persian Translation of Bhartrihari's

NITISHATAKAM

(Hundred Verses about Good Behaviour)

Translated By

CHANDRAGUPTA BHARTIAY

YEAR, 2014

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَنْدَر گُپْت بھارتیہ
(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نِیتِشَتاکَم
(Nitishatakam)

بھرتّری ہری
(Bhartrihari's)

शुभं यातामनु रथा अवृत्सत ।

ऋग्वेद (5/55/7)

(सन्मार्ग पर चलने वालों का जीवनरथ प्रतिदिन आगे बढ़े और उन्नति करे ।)

اهدنا الصراط المستقيم ، صراط الذين انعمت عليهم.
(قرآن)

"ما را به راه راست هدایت کن ، راه کسانی که به ایشان نعمت بخشیده ای."

چَندَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتیشکَم

(Nitishatakam)

بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

چَنْدَر گُپْت بھارتیہ

(Tr. By - Chandragupta Bhartiya)

نیتشاتکام

(Nitishatakam)

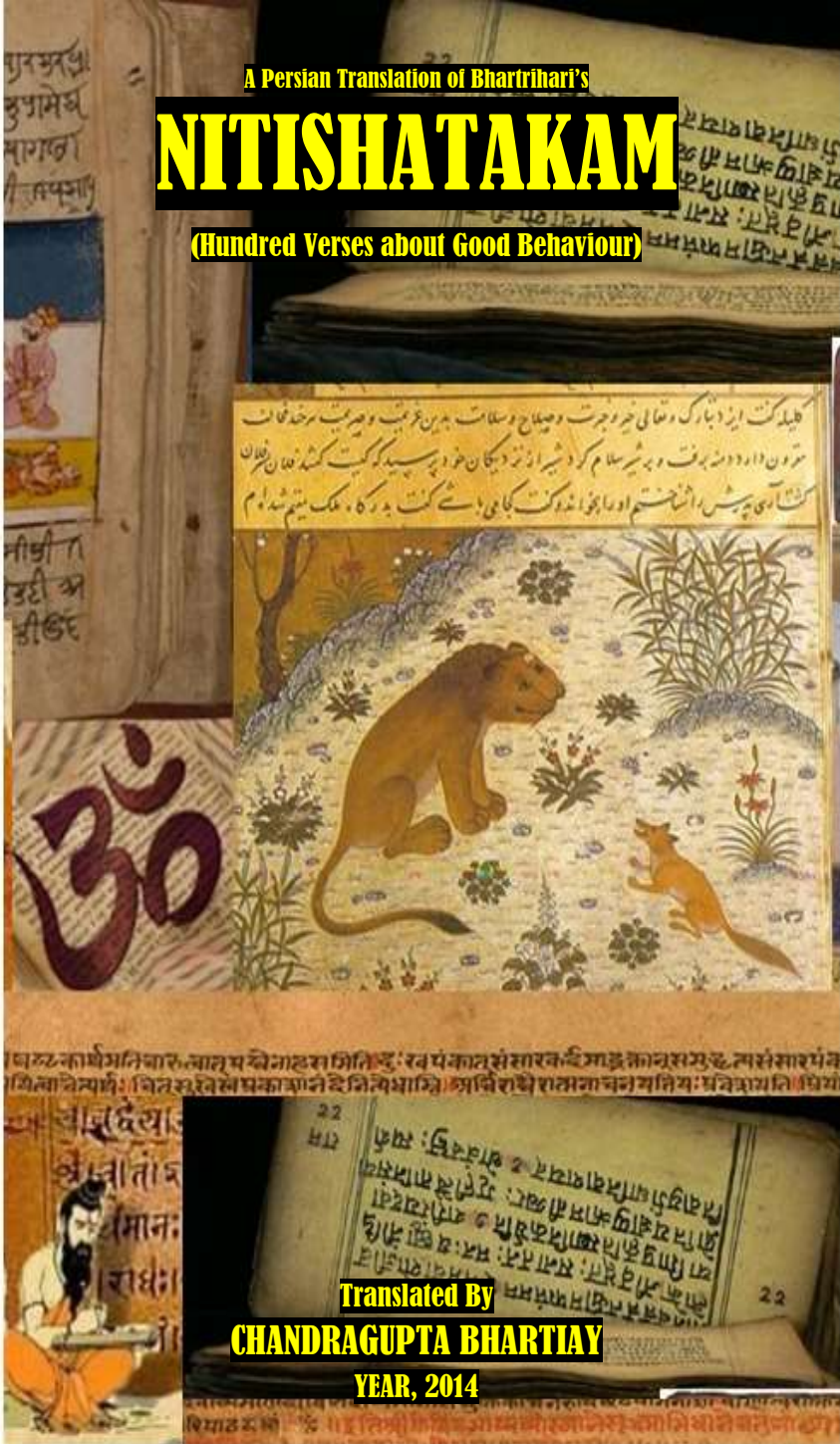
بھرتھری ہری

(Bhartrihari's)

A Persian Translation of Bhartrihari's

NITISHATAKAM

(Hundred Verses about Good Behaviour)



Translated By

CHANDRAGUPTA BHARTIYA

YEAR, 2014